
پرتوی از آیات
معصومین علیهم‌السلام
عذرا احمدی

بسم الله الرحمن الرحیم

پرتوی از آیات معصومین علیهم السلام

نویسنده:

عذرا احمدی

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی نبا

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پرتوی از آیات معصومین علیهم السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : احمدی، عذرا

عنوان و نام پدیدآور : پرتوی از آیات معصومین علیهم السلام/نوشته عذرا احمدی.

مشخصات نشر : تهران: نباء، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۲۴۴ ص.

شابک : ۲۰۰۰۰ ریال:۹۶۴۸۳۲۳۳۵۶

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : قرآن -- شان نزول.

موضوع : خاندان نبوت در قرآن.

رده بندی کنگره : BP۱۰۴/خ۲ الف۳ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۱۹۵۷۷

ص:۱

اشاره

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

پرتوی از آیات معصومین علیهم السلام

عـذرا احمـدی

انتشارات نبأ

پرتوی از آیات معصومین علیهم السلام

نوشته : عذرا احمدی/حروفچینی:انتشارات نبأ/ چاپ وصحافی:پنج رنگ

چـاپ اول : ۱۳۸۶ / شمارگان : ۱۰۰۰ نسخـه / قیمـت : ۳۰۰۰۰ ریال

ناشـر: انتشارات نبأ / تهـران، خیابان شریعتـی، روبروی ملک، خیابان

شبستری، خیابان ادیبی شماره۶۲ تلفکس۷۷۵۰۶۶۰۲: _ ۷۷۵۰۴۶۸۳

شابک : ۶ _ ۳۵ _ ۸۳۲۳ _ ۹۶۴ ISBN: ۹۶۴ - ۸۳۲۳ - ۳۵ - ۶

ص:۲

تقدیم:

به: دخت یگانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بانوی بزرگ دو عالم حضرت فاطمه علیها السلام

و تنها مظلوم محراب عشق و شهادت علی علیه السلام و دُردانه های وجودشان ائمه اطهار علیهم السلام

به: مقتدای خیل شهدا این کبوتران پرسوخته حریم عشق الهی، خمینی کبیر رحمه الله

به: شهیدان راه حق، به وجه اللّه، مشتاقان لقاءاللّه، سالکان سبیل اللّه، از مجاهدان دلاور تا خانواده های شهید پرور

* پرتوی از آیات معصومین علیهم السلام

مقدّمه *

ص:۳

سخن ناشر

از آن جا که یکی از روش های این مؤسّسه در ترویج معارف اصیل اسلامی استفاده و بهره بردن از زحماتی است که اساتید حوزه و دانشگاه و هم چنین دانشجویان و طلّاب محترم متحمّل گردیده اند می باشد، مدّتی است که توجّه خاصّی نسبت به پایان نامه های دوره ی کارشناسی ارشد و دکتری عزیزان دانشجو را داریم و برترین آن ها را که حاصل زحمات دانشجوی عزیز و استاد راهنما و مشاور می باشد برای استفاده ی عموم با هماهنگی دانشجوی محترم منتشر می نماییم.

آن چه تقدیم می گردد پایان نامه ی کارشناسی ارشد مؤلّف در رشته ی علوم قرآن و حدیث با راهنمایی جناب آقای دکتر منصور پهلوان و مشاوره ی جناب آقای دکتر سیّد محسن میرباقری می باشد که امیدواریم مورد استفاده ی دانش پژوهان قرار گیرد.

س‍‍پ‍‍اس

(الحمـدالله الـذی جعلنـا من المتمسـکین بولا-یه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب و اولاده المعصومین صـلوات الله و سـلامه علیه و علیهم اجمعین)

بار خدایا، ملکا، معبودا، ما بنده تو هستیم و تو را سـتایش می کنیم، ما در ادای وظیفه بندگی عاجزیم و از سپاسـگزاری و شکر نعمت هـا و موهبت هـای تو قاصـر، ناچـار به عجز و تقصـیر خود معترف و به فضـل و کرم نامتنـاهی تو چشم امیـد دوخته ایم، خداوندا بر ما ببخشای و ما را به راه راست هدایت فرمای و به پیروی از روش و منش اولیاء گرام خود موفق و اسـتوار دار، تا با توفیق ذات فیـاض تو از پرتو انوار ولا-یت روشـنی گیریم و از تیرگی هـای شـرک و نـادانی و نفاق رهائی یابیم و از سرچشـمه حیات بخش اولیاء و خاصان ساحت قدست بهره مند و کامیاب شویم.

درود بی پایـان به بنـده برازنـده و پیمبر برگزیـده ات محمـدبن عبـدالله صـلی الله علیه و آله و سـلم و عترت پـاکیزه او خاصـه سرحلقه اولیاء و زبده اصفیاء امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و اولاد او.

الها، پروردگارا، دل ما از دوستی ولی تو سـرشار و از دشمنان او و ستمکاران بیزار است، ما را با این سرمایه زنده بدار و بمیران و با این افتخار محشور گردان. آمین

ص:۵

اش_اره

در این کتـاب، در پیِ آنیم که نشان دهیم مصـداق بارز و اصـلی بسـیاری از آیات قرآن کریم که درباره ی مؤمنان نازل شـده، ائمه اطهار علیهم السـلام می باشـند. این حقیقت، براساس اخبار معتبر ثابت شده است. همچنین عقیده ی کسانی تبیین شده که امامت را از شئون امت می دانند که به انتخاب مردم واگذار شده است. این عقیده نیز با بررسی مهمترین آیات ولایت و امامت نقد و بررسی شده است.

در این کتاب، با اسـتفاده از منابع اهل سـنت، نقـد و بررسـی سـخنان آنها و نیز ضـمن بحث درباره ی آراء و نظریات فرقه های مختلف اهـل قبله، این نتیجه حاصل می شود که مسأله امامت در کتاب خـدا، نشانه و حجت و دلیل بر حقانیت پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم است، و به این مسأله توجه شده و هرگز از نظر پیامبر عظیم الشأن دور نمانده است. ایشان بارها درباره ی آن سخن گفته و با اقدام های خود، راه هدایت را نشان داده است.

توجه به این مسأله ضـروری است که آنچه گردآوری شـده همه ی نصوص از مدارک اهل سـنّت نیست، بلکه نوعی استشـهاد است. و در خلال آن تنها نمونه هایی از آیات کتاب الهی و تصـریحات پیامبر خـدا ارائه شـده که می توانـد این نکته ی والای ولایت را بیان دارد.

فهرست مطالب

ص:۸

م_قدم_ه

از دیدگاه دین اسلام، بشر در تیرگی های ماده و طبیعت محصور و محجوب است و رهایی از این زندان و رسیدن به سعادت جز در پرتو نور ولا_یت و استمداد و درخواست از نیروی ولایت امکان پـذیر نیست و دریافت حقایق کتاب خداونـد نیز تنها با ارشاد و هدایت ولی الهی ممکن می گردد.

پیغمبر عظیم الشأن اسلام فرمودند:

«انّی تارک فیکم الثّقلین ما ان تمسّ_کتم بها لن تضلّوا بعدی، کتاب اللّه و عترتی، اهل بیتی، فانّهما لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض»

«من در میان شما دو یادگار گران قدر و ارجمند بر جای می نهم. مادام که به آن دو، پیوند داشته باشید، بعد از من گمراه نخواهید شد. و آن دو، کتاب خدا قرآن و عترت من یعنی اهل بیت من اند. آگاه باشید این دو هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.»

دلائل قطعی بر ولایت و اولویت مولای اهل ایمان، علی امیرالمؤمنین علیه السلام بسیار است و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به موجب روایات معتبر و متواتر، مراتب کمال امام علی علیه السلام را در تمام شئون خلافت، وصایت، تبعیت، اطاعت و امامت را تأکید فرموده است.

امام صادق علیه السلام فرمودند :

جبرئیل علیه السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرود آمد و گفت: خداوند برتو سلام می رساند و می فرماید: آسمانهای هفت گانه را و آنچه در آنهاست، و نیز زمین های هفت گانه را و آنچه در آنهاست آفریدم و هیچ مکانی را ارجمندتر از رکن و مقام قرار ندادم. امّا اگر بنده ای، از هنگامی که آسمان ها و زمین ها را آفریدم، در این مکان به درگاه من دعا کند، ولی در حالی که منکر ولایت علی علیه السلام است مرا ملاقات کند، او را با صورت به جهنم می افکنم.

و نیز امام صادق علیه السلام فرموده اند:

بدون تردید مؤمن می تواند در مورد دوست خود شفاعت کند، مگر اینکه ناصبی (دشمن اهل بیت) باشد. و اگر تمام پیامبران

مرسل و فرشتگان مقرب یک ناصبی را شفاعت کنند، شفاعت آنان پذیرفته نخواهد شد. (۱)

یکی از مسائلی که همیشه در زندگی انسان مطرح بوده و هست، مسأله ی الگوبرداری از انسانهای برتر است. هر انسانی ذاتآ در جستجوی فردی است که بتواند به عنوان الگوی عملی راهگشای زندگی انسان باشد.

اسلام که دین فطرت است، به این نیاز اساسی انسان پاسخ داده و با انتخاب حضرت ختمی مرتبت، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم به نبوت، او را به عنوان الگوی عملی مردم معرفی کرد.

«لقدکان لکم فی رسول اللّه اسوه حسنه »

«به تحقیق که در وجود مقدس رسول اللّه برای شما الگویی نیکو است.» (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی برای مسلمانان الگوی ایده آل بود. اما خود پیامبر اکرم همیشه درصدد معرفی الگوهای اخلاقی مناسب به امت بودند که نمونه بارز این الگوهای عالی، اهل بیت شریفش بودند. خود قرآن نیز مشحون از آیاتی است که فضایل و کمالات اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به وضوح بیان می کند تا مردم بعد از پیامبر، دچار سردرگمی نشوند و رهبران خود

۱- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال ۴۵۵ _ ۴۵۱.

۲- سوره احزاب ۲۱.

را از بین صالحترین بندگان خدا انتخاب کنند.

در این کتاب سعی شده تا برخی از آیات قرآن که در شأن اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است، بررسی گردد و شامل دو فصل به شرح زیر است:

۱ ـ در فصل اول حدود ۱۴۰ آیه که براساس اسناد و مدارک شیعه و اهل سنّت در شأن اهل بیت عصمت و طهارت نازل گردیده است با مختصر توضیح و ارائه روایاتی نگاشته شده است. در اینجا ضرورت دارد یادآوری شود که از دیدگاه شیعه بسیاری از آیات قرآن کریم در شأن اهل بیت عصمت و طهارت نازل شده است. چنانکه در روایات ائمه :آمده است :

«القرآن ربع فینا و ربع فی عدونا.»

«ربعی از آیات قرآن کریم درباره ی ما اهل البیت علیهم السلام و ربعی دیگر درباره ی دشمنان ما نازل شده است.» (۱)

۲ـ در فصل دوم ده آیه از آیات مشهور در فضیلت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انتخاب و در ده بخش و به طور مقایسه ای براساس تفاسیر شیعه و سنی مورد بررسی بیشتر قرار گرفته است. در مورد شأن نزول آیه، نظرات مشترک مفسران شیعه و سنی در مورد آیه و همچنین ایراداتی که احیاناً بعضی از مفسران اهل سنت بر آیه گرفته اند و پاسخ آن ایرادات با استفاده از نظرات مفسران شیعه در ذیل هر آیه در این فصل بیان شده است. همچنین در ابتدای هر بخش، اسامی تفاسیر شیعه و سنی که فضایل اهل بیت را در کتابهای خود آورده اند آمده است تا محقّقان برای پژوهش بیشتر به آنها مراجعه نمایند.

لازم به یادآوری است که در تنظیم این دو بخش سعی بر این بوده تا به گونه ای عمل گردد که بتوان هر بخش را جداگانه مورد مورد مطالعه قرارداد، به طوری که به بررسی بخش دیگر نیازی احساس نشود.

روش تحقیق در این کتاب، کتابخانه ای و استفاده از کتابها و تفاسیر متعدّدی از علمای شیعه و سنی و مطالعه این کتب و جمع آوری و تدوین آنها بوده است.

در این تحقیق از کتب ذیل که در زمینه ی موضوع کتاب جامعیت بیشتری دارد، استفاده مکرر شده است :

کتاب شواهد التنزیل تألیف حاکم حسکانی از علماء اهل سنّت

کتاب الدّر المنثور تألیف جلال الدین سیوطی از علماء اهل سنّت

کتاب تفسیر «البرهان فی تفسیر القرآن» تألیف سید هاشم بحرانی از عالمان شیعه

کتاب نورالثقلین تألیف عبد علی حویزی از علماء شیعه

امیدوارم این بررسی اجمالی مدخلی برای ورود به دریای بیکران معارف قرآنی برای نویسنده و خواننده فراهم آورد و نگارش و مطالعه آن مقبول پیشگاه با عظمت اهل بیت علیهم السلام قرار گیرد و موجبات هدایت هرچه بیشتر و شفاعت آنان در روز

قیامت را فراهم سازد.

ان شاءالله

آیات نازله در شأن اهل بیت علیهم السلام *

ص:۱۲

۱- ر ک: مقدمه تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی.

فـصـل اول: آیات نازله در شأن

سوره مبارکه حمد

۱ _ (اهدنا الصّراط المستقیم) (حمد / ۶)

(ما را به راه راست هدایت کن.)

از ابن عباس روایت شده است که رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم به علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: یا علی! تویی راه واضح، تویی صراط مستقیم، و تویی یَعسوبِ(۱) مؤمنان. از جابربن عبداللّه انصاری در

مورد راه و الگوهای هدایت، نقل شده است که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: به وسیله ی شمس و قمر و زهره و فرقدان هدایت می شوید. پرسیدند: یا رسول اللّه! خورشید و ماه و زهره و فرقدان چیست؟

فرمودند: خورشید منم؛ ماه، علی؛ زهره، فاطمه و فرقدان، حسن و حسین علیهما السلام هستند.(۲)

سوره بقره

۲_ (و اولئک هم المفلحون) (بقره / ۵)

(آنان اند که رستگارند)

از سلمان فارسی نقل شده است که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از اشاره به حضرت علی علیه السلام فرمودند: او و حزب او تا روز قیامت رستگارند.(۳)

۳ _ (و اذا قیل لهم آمنوا کما آمن النّاس) (بقره / ۱۳)

م(و هنگامی که به آنان گفته شود همانند (سایر) مردم ایمان بیاورید)

محدثان اهل تسنن روایت کرده اند که ابن عباس گفت : خدای تعالی که فرمود (آمنوا کما آمن الناس) منظور، علی بن ابیطالب علیه السلام و جعفر طیار و حمزه و سلمان و ابوذر و عمار و مقداد هستند.(۴)

۱- یعسوب: پادشاه کندوی زنبوران.

۲- شواهد التنزیل ۱ / ۷۷.

۳- همان، ۱ / ۸۹.

۴- همان، ۱ / ۹۳. باید دانست که از نظر اهل سنت، کلام ابن عباس ـ بهعنوان یکی از بزرگترین صحابه ـ حجّیت دارد. همچنین یادشدن نام امیرالمؤمنین علیه السلام در ردیف برخی ازاصحاب،بدان معنانیست که حضرتش باآنان همرتبه باشد،چراکهحضرتش خود فرمود:«لایقاس بآل محمدمن هذه الامه احد» (نهج البلاغه،خطبه ۲).

۴_ (فتلقّی آدم من ربّه کلمات) (بقره / ۳۷)

(سپس آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت)

سُیوطی در کتاب الـدّرالمنثور (ج ۱ ص ۶۰) از ابن نجّار از ابن عباس نقل کرده است که از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سلم در مورد کلماتی پرسیدند که آدم علیه السـلام از پروردگارش گرفت پیغمبر فرمودنـد: آدم علیه السـلام به این کلمات به درگاه الهی حاجت برد :

خدایا به حق محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین :(۱)

۵ _ (اقیموا الصّلوه و اتوا الزّکاه و ارکعوا مع الرّاکعین) (بقره / ۴۳)

(نماز به پا دارید و زکات بدهید و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید)

ابن عباس گویـد: الراکعین» یعنی رسول خـدا وعلی بن ابیطالب. زیرا این دو، نخستین کسانی بودنـد که نماز خواندنـد و رکوع کردند(۲)

۶ _ (و استعینوا بالصّبر و الصّلوه و انّها لکبیره الّا علی الخاشعین) (بقره / ۴۵)

(از صبر و نماز کمک بجویید و نماز بسی سنگین است، مگر برای خشوع پیشگان.)

از امام صادق علیه السـلام روایت شـده است که فرمودنـد: هرگاه امر مهم و پیشامدی علی علیه السـلام را اندیشـناک می کرد، برمی خواست و به نماز می ایستاد و می فرمود: «استعینوا بالصبر والصلوه». از صبر و نماز کمک بگیرید(۳) . آن جناب همچنین فرمودند: صبر همان روزه

است. خـاشع به معنـای کسـی است که در نمـاز خـود حـالت ذلت در برابر خـدا به خود بگیرد و منظور از خاشـعان در این آیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام هستند.(۴)

۷_ (الّذین یظنّون انّهم ملاقُوا ربّهم و انّهم الیه راجعون)(بقره/ ۴۶)

(آن ها کسانی هستند که می دانند به لقای پروردگار خود می رسند و به سوی او بازمی گردند.)

از امام صادق علیه السلام روایت شده است: این آیه درباره ی علی علیه السلام و عثمان بن مظعون و عمار بن یاسر و دیگر اصحاب

ص:۱۴

۱- الدر المنثور

۲- شواهد التنزیل ۱ / ۱۱۱.

۳- فروع کافی ۳ / ۴۸۰.

۴- عیاشی، ۱ / ۴۳. بدیهی است که این روایت، با عمومیت معنای آیهمنافات ندارد.

خاص ایشان نازل شده است.(۱)

۸ ـ (بلی من کسب سیّئه و احاطت به خطیئه فاولئک اصحاب النّار هم فیها خالدون) (بقره / ۸۱)

(آری؛ کسی که گناه می کند تا آنجا که آثار گناه بر دلش احاطه یابد، این چنین افراد اهل آتش اند و در آن جاودانه اند.)

امام معصوم در تفسیر این آیه فرموده اند: وقتی که ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را انکار کنند، در آن صورت اصحاب آتش اند که در آن جاودانه اند.(۲)

۹ ـ (والّذین آمنوا و عملوا الصّالحات اولئک اصحاب الجنّه هم فیها خالدون) (بقره / ۸۲)

(کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، اهل بهشت اند که در آن جاودانه اند.)

ابن عباس نقل کرده که این آیه در قرآن در وصف علی علیه السلام نازل شده است، زیرا او اول مؤمن و اول نمازگزار بعد از رسول خدا بود.(۳)

۱۰ ـ (انّی جاعلک للنّاس اماماً قال و من ذرّیّتی)

(بقره / ۱۲۴)

(من تو را بر مردم امام قرار می دهم .گفت :آیا فرزندان من هم امام هستند؟)

در کتاب هایی از حافظ ابن مغازلی در مناقب علی (ج / ۱ ص ۶۲۹) و از علّامه میر محمّد صالح ترمذی در مناقب مرتضوی ص ۴۱ روایت شده از ابن مسعود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امر دعوت مردم به من و علی رسید که هیچ یک از ما هرگز بتی را سجده نکرده است. پس خدای تعالی مرا پیامبر و علی را جانشین و وصیّ من قرار داد.(۴)

۱۱ ـ (و کذلک جعلناکم امه وسطآ لتکونوا شهداء علی النّاس) (بقره/ ۱۴۳)

(و بدین سان شما را امت میانه ای قرار دادیم تا بر مردم شاهد و گواه باشید.)

سلیم بن قیس از علی علیه السلام در تفسیر آیه فوق روایت می کند : رسول خدا شاهد بر ما است. و ماییم شاهدان خدا بر مردم و بر خلق او، و ماییم حجت او در زمینش. ماییم کسانی که خداوند ـ جلّ اسمه ـ در موردمان فرموده

۱- مناقب؛ تفسیر برهان ۱ / ۹۴؛ توحید صدوق ۲۶۷.

۲- اصول کافی ۱ / ۴۲۹؛ امالی طوسی ۱ / ۳۷۴؛ المیزان ۱ / ۳۲۶.

۳- شواهد التنزیل ۱ / ۱۱۷.

۴- احقاق الحق ۳ / ۸۰.

است: «و کذلک جعلناکم امه وسطآ»(۱)

در روایات متعددی از ائمه اهل بیت علیهم السلام نقل شده که فرموده اند: «نحن الامّه الوسطی، و نحن شهداء اللّه علی خلقه و حججه فی ارضه ... نحن الشّهداء علی الناس... الینا یرجع الغالی و بنا یرجع المقصّر : ماییم امت میانه، و ماییم گواهان خدا بر خلق و حجتهای او در زمین، ماییم گواهان بر مردم. غُلوّکنندگان باید به سوی ما بازگردند و مقصّران باید کوتاهی را رها کنند و به ما بپیوندند.

۱۲ــ (یا ایّها الّذین آمنوا) (بقره / ۱۸۳)

(ای کسانی که ایمان آورده اید.)

از قول حُدیفه بن الیمان آمده است آنچه در قرآن با عبارت (یا ایها الذین آمنوا) نازل شده است، علی علیه السلام ریشه، قلب، و مغز و رأس آن ایمان آوردگان است.(۲) از ابن عباس روایت شده است که

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خدای تعالی هیچ آیه ای نازل نفرموده است که در آن (یا ایها الذین آمنوا) باشد مگر آنکه علی بن ابیطالب علیه السلام در رأس اهل ایمان و امیر آن ها است.(۳)

۱۳ ــ (و من النّاس من یشری نفسه ابتغاء مرضات اللّه) (بقره / ۲۰۷)

(از مردم کسانی وجود دارند که جان خود را به خاطر خشنودی خدا فروشند.)

این آیه به مناسبت حادثه ی لیله المبیت نازل گردید. در آن شب، علی علیه السلام با قبول خطر مرگ در بستر آن حضرت خوابید، تا وضعیت خانه ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم طبیعی جلوه کند و آن حضرت با آرامش خاطر،از مکه به مدینه هجرت نمایند. مفسران شیعه با توجه به روایات منقول از ائمه : و بسیاری از مفسران اهل سنت با استناد به انس بن مالک وابن عباس، بر این مطلب به عنوان سبب نزول آیه فوق تصریح کرده اند. طبرسی در مجمع البیان از قول ابن عباس آورده است: این آیه پس از خروج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از مکه به سمت غار و خوابیدن علی علیه السلام در بستر وی، در بین راه مکه و مدینه نازل گردید.(۴)

۱۴ ــ (الّذین ینفقون اموالهم بالّیل و النّهار سرّآ و علانیه...) (بقره / ۲۷۴)

(آنها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می کنند،...)

ابن عباس گوید: این آیه در شأن امام علی مرتضی علیه السلام نازل گردیده که چهار درهم داشت و آن را به این کیفیت ــ

۱- شواهد التنزیل ۱ / ۱۱۹.

۲- همان، ۱ / ۶۳. همچنین این روایت از ابن مردویه در کتـاب مناقبعلی علیه السـلام از حُـذَیفه با عنوان «ما نزل من القرآن فی شأن علی علیه السلام آمده است.

۳- تفسیر الدر المنثور ۱ / ۱۰۴؛ تفسیر المیزان ۱ / ۳۷۵.

۴- مجمع البیـان ۱ / ۵۳۵؛ تفسیر عیاشی ۱ / ۱۲۰ به نقـل از امام باقر علیه السـلام ؛منهـج الصادقین ۱ / ۴۷۴؛ روض الجنان ۳ / ۱۵۷؛ تفسیر جامع ۱ / ۳۱۹. بنگرید بهکتاب «لیله المبیت» نوشته غلامرضا صادقی فرد، انتشارات دلیل ما، قم.

یعنی در شب و در روز و در پنهان و در آشکار ــ انفاق کرده بود. این مضمون، از دو امام معصوم حضرت باقر و صادق علیهما السلام نیز روایت گردیده است.(۱)

سوره آل عمران

۱۵ــ (قل اونبئکم بخیر من ذلکم) (آل عمران / ۱۵)

(بگو آیا شما را از چیزی آگاه کنم که از این (سرمایه مادی) بهتر است؟)

از ابن عباس نقل شده که آیه درباره امام علی مرتضی علیه السلام و حمزه سیدالشهداء و عبیدبن الحارث نازل گردیده است.(۲)

۱۶ــ (ان اللّه اصطفی آدم و نوحا و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین) (آل عمران/ ۳۳)

(خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد.)

فخررازی در تفسیر کبیر، ذیل این آیه شریفه، از حضرت علی علیه السلام بیان می دارد: «علّمنی رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم ألف باب من العلم، و استنبطت من کل باب ألف باب»

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هزار باب از علوم را به من آموخت. و من از هر باب از آن علوم، هزار باب دیگر را استنباط کردم. (۳)

در تفاسیر «درّالمنثور» و «طبری» ذیل آیه آورده اند که مراد از آل ابراهیم، محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان ایشان است.(۴)

۱۷ــ(فمن حاجک فیه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع ابناءَنا و ابناءکم و نساءنا و نسائکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنت اللّه علی الکاذبین) (آل عمران / ۶۱)

(هرگاه بعد از علم و دانش که (درباره ی مسیح) به تو رسید، (باز) کسانی با تو به محاجّه و ستیز برخیزند، به آنان بگو : بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را فراخوانیم شما هم زنان خود را، ما نفوس خود را دعوت کنیم، شما هم نفوس خود را، آنگاه مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغ گویان قرار دهیم.)

در جریان مباهله ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با مسیحان نجران ــ در حالی که علی، فاطمه، حسن و حسین :به همراه ایشان

۱- نمونه بینات ۱۰۲.

۲- نمونه بینات ۱۰۹ به نقل از تفسیر برهان.

۳- تفسیر فخر رازی

۴- الدر المنثور ۲ / ۱۷.

حرکت می کردند ـ در محل مباهله حاضر شدند.

گروه مسیحیان به هنگام مشاهده ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و همراهان ایشان، احساس کردند که در صورت مباهله، احدی از آنان زنده نخواهند ماند. لذا به پیشنهاد خود، از مباهله چشم پوشیدند و مصالحه با پیامبر و پرداخت جزیه را ترجیح دادند.

نکته ی مهم این است که مطابق آیه ی مباهله، علی علیه السلام مصداق نفس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده و حسن و حسین علیهما السلام به عنوان فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قلمداد شدند. جریان مباهله از حوادث قطعی و متواتر تاریخ اسلام است.(۱)

۱۸ـ (واعتصموا بحبل اللّه جمیعآ و لاتفرقوا)

(آل عمران / ۱۰۳)

(و همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: همانا در میان شما دو یادگار باقی گذاشتم، کتاب خداوند تعالی را ـ که ریسمانی است کشیده شده از آسمان به سوی زمین ـ و عترت و اهل بیت خود را. و آن دو، از یکدیگر جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.(۲)

۱۹ـ (و ما کان لنفس ان تموت الا باذن اللّه...) (آل عمران/۱۴۵)

(هیچ کس، جز به فرمان خدا نمی میرد...)

۲۰ـ (و کایّن من نبی قاتل معه ربیون کثیر...) (آل عمران/ ۱۴۶)

(چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند... .)

از ابن دَأْب روایت شده است: هنگامی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام از جنگ احد بازگشت، هشتاد جراحت بر بدن او وارد آمده بود. پیامبر به عیادت نزد ایشان آمد. وقتی علی علیه السلام را در آن وضع دید ـ که از جراحت زیاد رنج می برد ـ گریست و فرمود: یا علی! هر کسی که در راه خدا صدمات و لطماتی متحمّل شود، اجر و پاداش او با خداوند خواهد بود. علی بن ابیطالب علیه السلام در پاسخ ـ در حالی که می گریست ـ گفت: پدر و مادرم فدای تو باد یا رسول اللّه؛ خدا را سپاس می گزارم که پشت به جنگ نکردم و نگریختم.(۳)

سپس پیامبر فرمود: یا علی، ابوسفیان محلّ ملاقات خود را با ما در «حمراء الاسد» قرار داده است. علی علیه السلام گفت: یا

رسول اللّه! هر قدر که او افرادی را بسیج کند و به نبرد پردازد، با او مقابله خواهیم کرد و از جنگ با او

۱- مجمع البیـان ۱ / ۷۶۲. همچنین موضوع مبـاهله در کشاف ۱ / ۳۶۹، ابنکثیر ۱ / ۳۷۹، المیزان ۳ / ۲۰۵، ابوالفتوح ۴ / ۳۵۹ آمده است.

۲- الدرالمنثور / ۶۰۲ و روح المعانی ۴ / ۱۸.

۳- ظـاهرآ آن حضـرت ضـمن سپاسـگزاری الهی از توفیـق انجـام وظیفه نسـبتبه رسول اللّه صـلی الله علیه و آله و سـلم ، بر فرار کسانی که حفظ جان خود را مقـدّم داشـتند و پا به فرارگذاشـتند نیز اشاره دارند. برخی از آنان، کسانی بودند که بعدها داعیه ی خلافتاسلامی را نیز سر دادند.

روگردان نخواهیم بود. سپس این آیات نازل گردید.(۱)

۲۱_ (الذین قال لهم الناس انّ الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم ایماناً و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل فانقلبوا بنعمه من اللّه و فضل) (آل عمران / ۱۷۴ _ ۱۷۳)

(اینان کسانی بودند که بعضی از مردم به آنها گفتند: مردم برای حمله به شما گرد آمده اند، پس بترسید از آنها. اما این سخن بر ایمان آنان افزوده و گفتند: خدا ما را بس است و نیکو سرپرستی است. به همین جهت، آنها (از این میدان) با نعمت و فضل، بازگشتند، در حالی که هیچ ناراحتی به آنان نرسید.)

جابر از امام محمدباقر علیه السلام روایت کند که هنگامی که پیامبر، علی علیه السلام و عمار را به سوی اهل مکه روانه کرد، مردم به پیامبر گفتند: چرا این جوان را به طرف آنها می فرستی؟ و مردم، این دو نفر را از اهل مکه می ترسانیدند و به آنها می گفتند که امر مهمی به آنها واگذار شده است.

علی علیه السلام می فرمود: «حسبنا اللّه و نعم الوکیل»، یعنی خدا ما را کافی است و بهترین وکیل برای ما خواهد بود.

وقتی که به مکه وارد شدند، خداوند موضوع گفتار علی علیه السلام با اهل مکه و نیز اقوال آنها با علی علیه السلام را به رسول خویش خبر داد و این آیات نازل گردید.(۲)

از طریق جمهور (اهل سنت) روایت شده که بعد از جنگ احد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام را با عده ای در طلب ابوسفیان فرستاد. در بین راه، یک عرب بیابانی، از طائفه خزاعه، علی علیه السلام را ملاقات کرد و گفت: ابوسفیان با جمعیت و سپاه خود آماده ی کارزارند، از آنها بترسید. علی و اصحاب او گفتند: خدا ما را کافی است و بهترین وکیل برای ماست. سپس این آیات در وصف حالت و بیان علی علیه السلام و اصحاب او نازل گردید.(۳)

۲۲ _ (الذین یذکرون اللّه قیاما و قعودا... * ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ربنا و آتنا ما وعدتنا علی رسلک...)(آل عمران / ۱۹۱ تا ۱۹۴)

(آنها که خدا را در حال ایستاده و نشسته و بر پهلو خوابیده یاد می کنند ... (می گویند:) پروردگارا! ما صدای منادی (تو) را شنیدیم که به ایمان فرامی خواند... پروردگارا! آنچه را به وسیله ی پیامبرانت به ما وعده فرموده ی، به ما ببخش ...)

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده که این آیات و آیات دیگر آخر سوره آل عمران، درباره ی امام علی مرتضی علیه السلام و جماعتی از اصحاب و یاران او نازل گردید. هنگامی که پیامبر بعد از مرگ عموی خود ابوطالب، مأمور هجرت به سوی مدینه گشت، قریش در برابر او با یکدیگر هم سوگند شدند که یک شب در وقتی که پیامبر در خواب باشد، بر او حمله کنند و با وارد آوردن ضربات متعدد وی را بکشند تا قاتل او معلوم نگردد و به علت معلوم نبودن قاتل کسی نتواند از او خونخواهی کند؛ بنابراین خداوند امر فرمود که امیرالمؤمنین علیه السلام در آن

۱- نمونه بینات ۱۵۵.

۲- تفسیر عیاشی ۱ / ۱۹۹.۲. نمونه بینات در شأن نزول آیات ۱۶۵.

۳- [۳]

شب به جای پیامبر بخوابد تا رسول الله بتواند شبانه به طرف مدینه هجرت کند. علی علیه السلام طبق امر خداوند به جای پیامبر خوابید و رسول خدا به طرف مدینه هجرت فرمود. مشرکان وقتی برای اجرای برنامه خود به خانه پیامبر آمدند و علی را در جای پیامبر دیدند به ناچار با تعجب برگشتند و توطئه ای که برای قتل پیامبر چیده بودند، به خواست خداوند عملی نگردید. سپس علی مرتضی به دستور و برنامه رسول خدا، زنان خانواده ی او را به طرف مدینه حرکت داد. وقتی ابوسفیان از این موضوع آگاه شد، همراه با عده ای علی مرتضی را تعقیب کرد تا شاید او را از هجرت همراه زنان به سوی مدینه بازدارد. او غلامی داشت به نام اسود که بسیار زرنگ و در عین حال قوی و نیرومند بود. ابوسفیان به غلام دستور داد که زودتر از او برود و در هرجا علی مرتضی را دید، جلوی او را بگیرد تا خودش نیز برسد. اسود با شتاب فراوان به راه افتاد تا به علیّ مرتضی رسید؛ طبق دستور، مانع علی علیه السلام و همراهان او شد و گفت: باید صبر کند تا ابوسفیان برسد. او حتّی تهدید کرد که اگر حضرتش به رفتن ادامه دهد، ناچار از جنگ خواهد شد. علی علیه السلام به اسود گفت که از سر راه او خارج شود. اسود با شمشیر به علی مرتضی حمله ور گردید، جنگ بین آن دو درگرفت، سرانجام اسود به دست علی علیه السلام کشته شد و حضرتش به راه خود همراه با زنان خاندان رسول خدا و همراهان دیگر ادامه داد. ابوسفیان وقتی به محل حادثه رسید، غلام خود ــ اسود ــ را کشته یافت، لذا با سرعت و شتاب هرچه تمامتر امیرالمؤمنین علیه السلام را دنبال کرد تا اینکه بالاخره به او رسید و گفت:

یا علی! با اجازه ی چه کسی، این زنان را که از خاندان مایند، با خود به مدینه می بری، در حالی که غلام مرا هم کشته ای؟ علی علیه السلام فرمود: با اجازه ی کسی به راه افتادم که اجازه ی من به دست اوست؛ بنابراین بهتر است که برگردی و کار خود را به جدال نکشانی. ابوسفیان اعتنایی نکرد و کار آنها به جنگ کشید. در این جنگ ابوسفیان کاری از پیش نبرد و با نومیدی بازگشت. علی علیه السلام با یاران و زنان خاندان پیامبر، به مدینه آمدند. پس از ورود به مدینه، دستور داد که همراهان به استراحت پردازند. پس از استراحت نمازگذاردند و به شکرانه ی این که سالم به مدینه رسیده اند، به ذکر خدا مشغول شدند و تا بامداد به عبارت و نماز پرداختند و شکر و سپاس خدای را به جای آوردند.

سپس نزد رسول خدا آمدند. قبل از رسیدن آنها خدمت پیامبر، جبرئیل نزد رسول خدا آمد و موضوع علیّ مرتضی را به وی خبر داد و این آیات فرود آورد. سپس پیامبر به علی فرمود: یا علی! خداوند، این آیات را درباره ی تو و اصحاب و یاران تو نازل گردانید.(۱)

۲۳ــ (یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوالّله لعلکم تفلحون) (آل عمران / ۲۰۰)

(ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر پیشه کنید، و پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید. و از خدا بپرهیزید، باشد که رستگار شوید.)

۱- نمونه بینات در شأن نزول آیات ۱۷۴ ــ ۱۷۲.

محمد بن ابراهیم النعمانی از امام علی بن الحسین علیه السلام روایت کند که عبداللّه بن عباس کسی را نزد حضرتش فرستاد تا درباره ی این آیه از او بپرسد. امام زین العابدین علیه السلام در خشم شد و به شخص سائل فرمود: خیلی میل داشتم با آن کسی که تو را به این منظور فرستاده، مستقیماً روبرو می شدم تا به خودش می گفتم. سپس فرمود: این آیه درباره ی ما اهل البیت و پدرم نازل شده است. از این به بعد، دشمنی که باید از او خویشتن را محفوظ بداریم جز از نسل او نمی تواند باشد (منظور امام، خلفاء بنی عباس بوده اند که از نسل عبداللّه بن عباس بوده و نسبت به آل محمد و ائمه اطهار علیهم السلام دشمنی فراوان ابراز داشتند).(۱)

ابوالطفیل از امام باقر علیه السلام روایت کند که فرمود: این آیه درباره ما اهل البیت نازل شده است. و دشمنی که باید از او خویشتن را محفوظ بداریم، از خود ما خواهد بود (منظور امام، خلفای عباسی بود که از نسل عباس عموی پیامبر بوده اند)(۲)

حسین بن ساعد از طریق اهل تسنن روایت کند که این آیه درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی مرتضی علیه السلام و حمزه سیدالشهدا (رضی اللّه عنه) نازل گردیده است.(۳)

سوره نساء

۲۴_ (و اعبدوا اللّه ولا تشرکوا به شیئآ و بالوالدین احسانا) (نساء / ۳۶)

(و خداوند را بپرستید، هیچ چیز را همتای او قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید.)

سلام جُعفی از امام محمد باقر علیه السلام و ابان بن تغلب از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کنند که این آیه درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی مرتضی علیه السلام نازل گردیده است زیرا بنابر حدیث نبوی که فرمود: «انا و علی ابوا هذه الامه»، مراد آیه شریفه از احسان به والدین، نیکی به رسول خدا و علی مرتضی است.(۴)

۲۵_ (یا ایها الذین اوتوا الکتاب آمنوا بما نزّلنا)

(نساء / ۴۷)

(ای کسانی که کتاب (خدا) به شما داده شده، به آنچه (بر پیامبر خود) نازل کردیم (و هماهنگ با نشانه هایی است که با شماست) ایمان بیاورید.)

۱- البرهان فی تفسیر القرآن ۱ / ۷۳۰.

۲- تفسیر عیاشی، ۱ / ۲۱۲.

۳- تفسیر برهان ۷ / ۱۳۶.

۴- نمونه بینات در شأن نزول آیات ۱۹۶.

ابن عباس گفت: رسول خدا به دانشمندان و رؤسای یهود چنین فرمود: ای معشر یهود! از خداوند بترسید و اسلام بیاورید، چرا که می دانید من راست می گویم و از روی حق و حقیقت سخن می رانم. آنها گفتند: یا محمد! آنچه که می گویی نمی دانیم چیست.

آنان با اظهار این کلمات بر ضلالت و گمراهی خویش اصرار می ورزیدند. سپس این آیه نازل گردید. نعمانی و مفید، طی احادیث مفصلی از امام باقر علیه السلام ، نزول آیه را درباره ی امام مهدی علیه السلام و خطاب آن بزرگوار به جمیع جهانیان در هنگام ظهور ذکر کرده اند.(۱)

۲۶_ (یا ایها الذین آمنوا اطیعوا اللّه و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم...) (نساء / ۵۹)

(ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و رسول خدا و صاحبان امر از خودتان را اطاعت کنید.)

در مورد مصداق اولوالامر بین مفسران شیعه و اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد.

اهل سنت در بیان مصداق اولوالامر، به تشتّت سخن گفته و مصادیقی چون خلفای اربعه، امرای سیاسی، فرماندهان نظامی و مراجع دینی را احتمال داده اند؛ در صورتی که شیعیان به استناد روایات معتبر، کسی جز امامان معصوم را مصداق اولوالامر نمی دانند. دلیل این مطلب آن است که از نظر شیعه، اولوالامر کسانی هستند که اطاعت از آنان در کنار اطاعت از خدا و رسول به شکل مطلق به مسلمانان تکلیف شده است و این افراد، مصداقی جز معصومان علیهم السلام ندارند.(۲)

شیخ مفید در کتاب اختصاص، از حسن ابن ابی العلا روایت می کند که گفت: خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم و عرض کردم: آیا اطاعت اوصیای پیغمبران واجب است؟ فرمودند: آری آنانند که خداوند در حقشان فرموده است: «اطیعوا اللّه و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم»(۳)

سوره مائده

۲۷_ (الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا) (مائده / ۳)

(امروز دین شما را کامل و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان آیین (جاودانی) بر شما پسندیدم.)

پس از آنکه در روز غدیر خم، رسول گرامی، امیرالمؤمنین علیه السلام را به عنوان جانشین خود شناساند، مسلمانان به نزد

۱- تفسیر برهان ۱ / ۳۸۰.

۲- عترت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در کتاب خدا ۱۶. همچنین ر. ك. المنار ۵ / ۲۷۹؛روح المعانی ۵ / ۶۵؛ جامع البیان

عن تأویل آیه ی القرآن ۴ / ۱۷۴؛ الدرالمنثور ۲ /۲۵۹؛ کشف الاسرار ۳ / ۱۷.

۳- اختصاص مفید ص ۲۷۷.

علی علیه السلام آمدند و این منصب را به او تهنیت گفتند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «آنان که حاضرند، این امر را به غایبان برسانند و ابلاغ کنند». هنوز جمعیت پراکنده نشده بودند که جبرئیل امین نازل گردید و این آیه را فرود آورد که: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علکیم نعمتی...»

در این هنگام، پیغمبر۶ فرمود: «اللّه اکبر بر اکمال دین و اتمام نعمت و خشنودی خدا به رسالت من و ولایت علی بعد از من»(۱)

۲۸ـ (یا ایـها الذیـن آمنـوا من یـرتّد منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبّهم و یحبّونه) (مائده / ۵۴)

(ای کسانی که ایمان آورده اید! هریک از شما که از آیین خود بازگردد، به زودی خداوند، گروهی می آورد که آنها را دوست دارد و آنها نیز خدا را دوست می دارند.)

از امام باقر و صادق علیهما السلام و نیز از حذیفه و عمار و ابن عباس روایت شده که این آیه درباره ی اهل بصره نازل شده که با امام علی مرتضی علیه السلام به جنگ پرداختند؛ چنانکه از امام علی مرتضی علیه السلام روایت شده است که در هنگام جنگ بصره فرمود: به خدا قسم، تا به امروز جماعت مصداق این آیه، به جنگ و کارزار نپرداخته بودند.(۲)

ثعلبی از مفسرین اهل سنت در تفسیر خود چنین می گوید : عبارت ادامه ی آیه (فسوف یاتی اللّه بقوم یحبّهم و یحبّونه) درباره ی علی علیه السلام نازل گردیده است.(۳)

۲۹ ـ (انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم راکعون)

(مائده / ۵۵)

(همانا ولیّ و سرپرست شما، تنها خدا و رسول او است، و کسانی که ایمان آورده اند، همان ها که نماز را به پا می دارند و زکات را می پردازند، در حالی که در رکوع به سر می برند)

نزول این آیه در فضیلت علی علیه السلام امری واضح و روشن است. آیه زمانی نازل شد که آن حضرت ۷در حال نماز، انگشتر خود را به سائلی اعطا کرد.(۴)

۱- الغدیر ۱ / ۳۴. ر. ک. کشف الاسـرار ۳ / ۱۷؛ الدر المنثور ۲ / ۲۵۹؛تفسیر جامع ۲ / ۱۵۷.۲. نمونه ی بیّنـات در شأن نزول آیات / ۲۹۲.

۲- [۲]

۳- همان مدرک.

۴- تفسیر کشاف ۱ / ۶۴۹. ر. ک. مجمع البیان ۲ / ۲۰۹؛ المیزان ۶/ ۱۵؛الکشاف عن حقائـق التنزیل ۱/۳۴۷؛ التفسیر الکبیر ۲ / ۲۶ ؛ روح المعانی ۶ / ۱۶۶.

در این آیه نیز لفظ «ولی» به معنای رهبر و سرپرست است و نه مفاهیمی چون دوست یا ناصر.

۳۰ _ (و من یتولّ اللّه و رسوله و الّذین آمنوا فانّ حزب اللّه هم الغالبون) (مائده / ۵۶)

(و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرند (پیروزند، زیرا) حزب و جمعیت خدا پیروز است.)

ابن شهرآشوب از امام باقر علیه السلام نقل می کند که این آیه درباره امام علی مرتضی علیه السلام نازل شده است. ابن بابویه از امام باقر علیه السلام روایت می کند که عده ای از یهودیان که مسلمان شده بودند، نزد پیامبر آمدند. از جمله آنها، عبداللّه بن سلام و اسید بن ثعلبه و ابن یامین و ابن صوریا بودند. آنان گفتند: یا نبی اللّه، موسی بعد از خود به یوشع بن نون وصیت کرد؛ به ما بفرمایید بعد از شما چه کسی وصی شما برای هدایت مردم خواهد بود؟ سپس آیه (انما ولیکم اللّه و رسوله) نازل گردید. بعد از نزول این آیه، پیامبر فرمود : برخیزید تا به مسجد برویم. همه از جا برخاستند، به طرف مسجد حرکت کردند و به سائلی که از مسجد بیرون می آمد برخوردند. پیامبر از او پرسید: ای سائل! آیا کسی به تو چیزی بخشیده است؟ او گفت: بلی یا رسول اللّه! این انگشتری را به من بخشیده اند. پیامبر فرمود: چه کسی آن را به تو بخشیده است؟ سائل گفت: این مرد که مشغول نماز است (و اشاره به علی علیه السلام کرد). پیامبر فرمود : در چه حالتی آن را به تو بخشید؟ گفت: در حالتی که در رکوع بوده است.

پیامبـر _ و در پـی او، تمام اهل مسجد _ تکبیر گفتند. سپس پیامبر فرمود: ای مردم! علی بن ابیطالب علیه السلام بعـد از مـن، ولـیّ امـر شما است. مـردم گفتنـد: یـا رسـول اللّه مـا خشنودیـم بـه خـدایی پروردگارمان، و به رسالت و نبوت پیامبرمان، و به پذیرفتن اسلام که دین ما است و به ولایت علی بن ابی طالب که ولیّ و سرپرست ماست. سپس این آیه نازل گردید.(۱)

۳۱ _ (یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلّغت رسالته...) (مائده / ۶۷)

(ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده به مردم برسان. و اگر چنین نکنی، رسالت او را نرسانده ای.)

این آیه نیز با شأن نزول در غدیر، بر جانشینی بلافصل علی علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دلالت می کند.

جریان غدیر خم، از حوادث قطعی و مسلم تاریخ اسلام است که نسبت به وقوع آن در زندگانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تردیدی نیست. نکته ی مهم و اساسی در حادثه ی غدیر، همان نصب کردن امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان جانشین بلافصل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. شواهد عدیده و قرائن فراوان، این مطلب را نشان می دهد، که در منابع تفصیلی آمده است.(۲)

سوره اعراف

۱- البرهان فی تفسیر القرآن ۱ / ۴۸۰.

۲- اختصاص مفید ص ۲۷۷.

۳۲ _ (و بینهما حجاب و علی الاعراف رجال یعرفون کلا بسیماهم.)(اعراف/۴۶)

(در میان آن دو (بهشتیان و دوزخیان) حجابی است. و بر اعراف، مردمانی هستند که هریک از آن دو گروه را از چهره شان می شناسند.)

بریدبن معاویه العجلی گوید: از امام محمد باقر علیه السلام درباره این آیه پرسیدم. فرمود: ایه درباره امت پیامبر اسلام نازل گردیده است و منظور از رجال در اعراف، ائمه ی اطهار از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم می باشند.(۱)

از ابن عباس نیز روایت شده که رجال اعراف، کسانی هستند که در موضعی از صراط نشسته و محبّان و دوستان خود را از طریق سفیدیِ روی ایشان و دشمنان خود را به واسطه ی سیاهی روی ایشان می شناسند. ایشان عادلان در روز قیامت و شاهدان بر اعمال هستند که یکی از نمونه های آنها در این امّت علی علیه السلام است.(۲)

سوره انفال

۳۳_ (یا ایّها الّذین آمنوا استجیبوا اللّه و للرّسول) (انفال/۲۴) (ای کسانی که ایمان آورده اید، دعوت خدا و پیامبر را پاسخ گویید.)

ابوالربیع الشامی از امام صادق درباره این آیه پرسید. حضرتش فرمود: درباره ی ولایت علی علیه السلام نازل شده است. از امام محمد باقر علیه السلام نیز روایت شده که این آیه درباره ی ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام فرود آمده است.(۳)

۳۴_ (و اتّقوا فتنه لا تصیبنّ الّذین ظلموا منکم خاصّه) (انفال/ ۲۵)

(و از فتنه ای بپرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی رسد، (بلکه همه را فراخواهد گرفت).)

در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است که تأویل این آیه درباره طلحه و زبیر است، هنگامی که با امیرالمؤمنین علی علیه السلام جنگیدند و نسبت به او ظلم و ستم روا داشتند.

در تفسیر برهان آمده که ابوعبداللّه محمد بن علی بن السراج _ دانشمند اهل تسنّن _ از عبداللّه بن مسعود روایت کرده که پیامبر بعد از نزول این آیه به او فرمود: ای ابن مسعود! بدان هرکه نسبت به علی علیه السلام ظلم و ستم روا بدارد، مانند آن است که به انکار نبوت من و پیامبران پیش از من برخیزد.(۴)

۳۵ _ (و اذ یمکر بك الّذین کفروا لیثْبتوك أو یقتلوك أو یخرجوك) (انفال/۳۰)

((به خاطر بیاور) هنگامی را که کافران نقشه می کشیدند که تو را به زندان بیفکنند یا به قتل برسانند.)

ص:۲۵

۱- البرهان فی تفسیر القرآن ۲ / ۵۵۲ _ ۵۴۶.۲. روح المعانی ۱ / ۱۲۴.

۲- [۲]

۳- نمونه بینات در شأن نزول آیات ۳۷۶.

۴- همان، ۳۷۷.

ابن عباس، مجاهد و قتاده سبب نزول آیه را چنین عنوان کرده اند که مشرکان در دارالنّدوه گردآمدند، تا مشورت کنند که چگونه رسول خدا را از بین ببرند.

ابوجهل گفت: او را بکشیم و برای این کار، از هر طایفه ای چند نفر با شمشیرهای خود در کشتن او شریک گردیم و بعد، با دادن دیه ـ به بهای ریختن خون او ـ بنی هاشم را راضی کنیم. خداوند توسط وحی به رسول خود خبر داد و امر کرد که علی علیه السلام را در جای خود بخواباند و از مکه بیرون رود. سپس پیامبر به طرف غار بیرون رفت و آیه (و اذ یمکر بک الّذین کفروا) نازل گردید.

صبح هنگام مشرکان دریافتند که در این خوابگاه امیرالمؤمنین علیه السلام خوابیده بود. و بدین سان خداوند، مکر ایشان را به خودشان برگردانید.(۱)

۳۶ـ (و اذ قالوا اللّهم ان کان هذا هو الحق من عندک فأمطر علینا حجاره من السماء أوئتِنا بعذاب الیم)

(انفال / ۳۲)

(و (به خاطر بیاور) زمانی را که گفتند: پروردگارا! اگر این امر حقی است مقرّر شده از طرف تو، بارانی از سنگ، از آسمان بر ما فرود آر، یا عذابی دردناک برای ما بفرست!)

در کافی از ابی بصیر روایت شده است که این آیه راجع به خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام است. برخی از افراد غافل یا جاهل که وابستگان آنها به دست علی علیه السلام کشته شده بودند و نیز منافقان که ملبّس به لباس اسلام شده بودند، بعد از آنکه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام را به خلافت و ولایت و امامت و وصایت منصوب داشت، پرسیدند که آیا این نصب، دلخواه شما است یا به امر الهی؟ حضرت فرمود: به امر الهی است و آیه شریفه ی (بلغ ما انزل الیک) را تلاوت فرمود؛ امّا اینها باور نکردند، به بهانه ی این که فقط میل و نظر آن حضرت است، حال آن که بر آن فرض که این نظر و میل آن حضرت هم می بود، اطاعت از آن برای هر فرد مسلمان واجب بود، زیرا «النّبی اولی بالمؤمنین من انفسهم» (احزاب آیه ۶) و «اطیعوا اللّه و رسوله» (انفال آیه ۱)(۲)

بر طبق خبر وارده، خداوند تقاضای فروفرستادن سنگ از آسمان را اجابت کرد و فرد مربوطه کُشته شد و این اعجاز، بر تحکم ابلاغ ولایت علی علیه السلام اثری مضاعف گذاشت.

۳۷ـ (و ما کان اللّه لیعذّبهم و انت فیهم و ما کان اللّه معذّبهم و هم یستغفرون) (انفال / ۳۳)

(ولی (ای پیامبر) تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد و تا آنان استغفار می کنند، خدا عذابشان نمی کند.)

مراد آیه آن بخش از مسلمانان ضعیف الایمان هستند که ظاهرآ اسلام آوردند و احکام اسلام را پذیرفتند، امّا زیر بار ولایت علی علیه السلام _ که روح ایمان است _ نرفتند. البته عذاب بر اینان در دنیا نازل نشد، از آن رو که صورت اسلام را نگاه داشتند. اخبار زیادی ذیل این آیه وارد شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «حیاتی خیر لکم و مماتی خیر لکم» پرسیدند: یا رسول الله! خیر بودن حیات شما معلوم است، اما خیریت ممات چگونه است؟ فرمودند: خداوند، اعمال بندگان را روزهای دوشنبه و پنج شنبه به نظر آن حضرت می رساند و آن حضرت هر

ص:۲۶

۱- نمونه بینات ۳۸۰ و در تفسیر برهان به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم اینقضیه بطور مفصل تری بیان گردیده است.

۲- اطیب البیان ۶ / ۱۱۲.

چه قابل شفاعت و مغفرت است شفاعت و طلب مغفرت می کند. زیرا خداوند غفار الذنوب است؛ چنان گناه را می پوشاند که حتی آن را از نامه عمل محو می کند و تبدیل به حسنات می فرماید.(۱)

۳۸ ـ (و ان یریدوا ان یخدعوک فان حسبک اللّه هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین) (انفال / ۶۲)

(و اگر بخواهند تو را فریب دهند، خدا برای تو کافی است. او همان کسی است که تو را با یاری خودو نیز به دست مؤمنان تقویت کرد.)

ابن بابویه از ابوهریره روایت کند که در عرش پروردگار چنین نوشته شده است: «انا اللّه لا اله الا انا وحدی لا شریک لی، محمد عبدی و رسولی، ایدته بعلی»

یعنی: منم خدای یکتا که معبودی جز من نیست، و شریک و انبازی ندارم. و محمد، بنده و پیامبر من است. او را به وسیله ی علی تائید کرده ام. سپس این آیه به همین منظور نازل گشت و مقصود از نصر در آیه علی علیه السلام است. هم چنین ابوصالح از ابوهریره روایت کند که این آیه درباره علی بن ابیطالب علیه السلام نازل شده و مراد از مؤمنین در آیه، وجود مبارک ایشان است.(۲)

سوره توبه

۳۹ ـ (و اذان من اللّه و رسوله الی الناس یوم الحج الاکبر ان اللّه بریءٌ من المشرکین و رسولهُ) (توبه / ۳)

(و این اعلامی است از ناحیه ی خدا و پیامبرش به مردم در روز حجّ اکبر (عید قربان)، که خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند!)

انس بن مالک بیان می دارد: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ابوبکر را به همراه عده ای از مسلمانان جهت اعلام فرمان برائت گسیل نمود. امّا فردای آن روز، حضرت به دستور الهی بیان داشتند: فرمان برائت را نمی رساند، مگر من یا مردی از اهل بیت من. به این ترتیب، علی بن ابیطالب علیه السلام را بر این امر روانه نمودند (۳)

۴۰ـ (اشتروا بایات اللّه ثمنا قلیلا فصدّوا عن سبیله انهم ساء ما کانوا یعملون) (توبه / ۹)

(آنها آیات خدا را به بهای کمی فروختند و (مردم را) از راه او بازداشتند؛ بدا کاری که می کردند!)

مراد از آیات الله ممکن است احکام تورات باشد که به هوای نفس خود تغییر دادند و برای منافع شخصیه از بین بردند و ممکن است انبیاء باشند که آن ها را تکذیب کردند، و ممکن است مراد معجزات آن ها باشد که حمل به سحر کردند و ممکن است مراد آیات قرآن باشد که زیر بار نرفتند و ممکن است ائمّه ی اطهار علیهم السلام باشد که قبول ولایت آن ها را نکردند و ممکن است مراد مجموع آن ها باشد و مراد از ثمن قلیل منافع دنیویه است که در

۱- اطیب البیان ۶ / ۱۱۳.

۲- الدر المنثور۳ / ۱۹۹.

۳- روح المعانی ۱۰ / ۴۷ ؛ الدر المنثور ۳ / ۲۱۱.

مقابل اخرویه ناچیز است.(۱)

۴۱_ (اجعلتم سقایه الحاج و عماره المسجد الحرام کمن آمن باللّه و الیوم الاخر و جاهد فی سبیل اللّه)

(توبه / ۱۹)

(آیا سیراب کردن حجاج و آباد ساختن مسجدالحرام را، همانند (عمل) کسی قرار دادید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده، و در راه او جهاد کرده است؟)

از امام باقر و صادق علیهما السلام روایت شده که این آیه درباره علی بن ابیطالب علیه السلام به عنوان مجاهد فی سبیل الله، و عباس به عنوان سقایت کننده ی حاجیان نازل گردیده است. طبری از ابن عباس روایت کند که این آیه درباره عباس در روز بدر نازل شده، زمانی که گفته بود اگر شما در اسلام آوردن سبقت جسته و به هجرت نیز پیشی گرفته اید، مانند ما سابقه ی سقایت حجاج و حفظ خانه کعبه را ندارید. سپس این آیه نازل گردید(۲)

۴۲ _ (الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل اللّه... یبشّرهم ربهم برحمه منه و رضوان...) (توبه/ ۲۱_ ۲۰)

(آنها که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند... پروردگارشان آنها را به رحمتی از ناحیه خود و رضایت (خویش)... بشارت می دهد.)

ابوالجارودازامام محمدباقر علیه السلام روایت کرده که این آیات درباره علی بن ابیطالب علیه السلام واوصاف آن بزرگوارنازل گردیده است.(۳)

۴۳_ (و السّابقون الاوّلون من المهاجرین و الانصار و الّذین اتّبوهم باحسان، رضی اللّه عنهم و رضوا عنه)

(توبه / ۱۰۰)

(پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت و آنان نیز از خدا راضی شدند.)

بسیاری از مفسّران و محدّثان می گویند: اوّل کسی که مسلمان شده و به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورده، علی بن ابیطالب می باشد و این آیه در شأن اوست.(۴)

۴۴ _ (یا ایها الذین آمنوا اتقوا اللّه و کونوا مع الصادقین) (توبه / ۱۱۹)

(ای کسانی که ایمان آورده اید، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و با صادقان باشید.)

۱- اطیب البیان ۶ / ۱۸۲

۲- مجمع البیان ۸ / ۲۹.

۳- تفسیرعلی بن ابراهیم ۱/۲۸۳.۲. کشف الاسرار وعده الابرار/۴ ۲۰۲.

۴- [۴]

سیوطی براساس دو روایت از ابن عباس و ابوجعفر می گوید :

مراد از «الصادقین» در این آیه، «علی بن ابیطالب علیه السلام » است.(۱) یعنی در تبعیت از فرمان الهی، همواره با حضرتش همراه

باشید و ایشان را الگوی خود قرار دهید.

سوره یونس

۴۵_ (قل بفضل اللّه و برحمته فبذلک فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون)(یونس/ ۵۸)

(بگو: فقط به فضل و رحمت خدا باید خوشحال شوند، که این، از تمام آنچه گردآورده اند، بهتر است.)

سیوطی می گوید: منظور از «فضل اللّه» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و منظور از «رحمت خدا»، علی بن ابیطالب علیه السلام است.(۲) یعنی نعمت پیشوای صالح الهی و پذیرش ولایت او، بالاترین نعمت است که انسان باید از داشتن آن، همواره خشنودی و رضایت قلبی و عملی داشته باشد.

سوره هود

۴۶_ (أفمن کان علی بینه من ربه و یتلوه شاهد منه...)

(هود / ۱۷)

(آیا آن کس که دلیل آشکاری (چون قرآن) از پروردگار خویش دارد و به دنبال آن، شاهدی از سوی او است...)

ذیل آیه ی شریفه، از امام علی بن ابیطالب علیه السلام نقل شده است که در مجلسی فرمود: هیچ مردی از قریش نبود، مگر آنکه بخشی از قرآن درباره ی او نازل شده است. شخصی از آن حضرت پرسید: درباره ی شما چه آیه ای نازل شده است؟ آن حضرت فرمود: آیا سوره ی هود را خوانده ای که خداوند می فرماید: «افمن کان علی بینه من ربه و یتلوه شاهد منه»؟ کسی که دلیل آشکاری از خدای خود دارد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. و گواه بر آن، منم.(۳)

سوره رعد

۴۷_ (و فی الارض قطع متجاورات و جنات من اعناب و زرع و نخیل صنوان و غیر صنوان...) (رعد / ۴)

(و در روی زمین، قطعاتی در کنار هم قرار دارد که با هم متفاوتند، و (نیز) باغ هایی از انگور و زراعت و نخل ها (و درختان میوه گوناگون) که گاه بریک پایه می رویند و گاه بر دو پایه...)

جابر روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای علی! مردمان از درختان گوناگون و متعدد می

رویند، امّا من و

ص:۲۹

۱- الدرالمنثور ۳/ ۲.۲۹۰. همان ۳/ ۳۰۸؛ روح المعانی ۱۱/۱۴۱.

۲- [۲]

۳- همان، ۳ / ۳۰۸.

تو از یک درخت واحد هستیم، سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این آیه را خواند.(۱)

۴۸_ (... انما انت منذر و لکل قوم هاد) (رعد / ۷)

(تو فقط هشدار دهنده ای. و برای هر گروهی هدایت کننده ای است...)

مفسّران آورده اند: هنگامی که این آیه نازل شد، رسول خدا دست خود را بر روی سینه ی مبارک قرار داد و فرمود: هشدار دهنده منم. سپس با دست خود اشاره به سینه علی علیه السلام کرد و فرمود: تویی هادی. ای علی! پس از من اهل هدایت تنها به واسطه ی تو هدایت خواهند شد.(۲)

۴۹_ (الّذین آمنوا و تطمئنّ قلوبهم بذکر اللّه الا بذکر اللّه تطمئنّ القلوب) (رعد / ۲۸)

(آنها کسانی هستند که ایمان آورده اند و دلهایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است، آگاه باشید، تنها با یاد خدا دلها آرامش می یابد.)

ابن مردویه گویند: از حضرت علی علیه السلام روایت می کنند هنگامی که این آیه نازل گردید، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«ذلک من احب اللّه و رسوله و احب اهل بیتی صادقآ غیر کاذب»

«اینچنین فردی کسی است که خدا و رسولش و اهل بیت مرا به راستی _ بدون دروغ _ دوست بدارد.» (۳)

یعنی: بالاترین جلوه ی یاد خدا، در داشتن محبت و دوستی و اشتیاق حقیقی به خدا و رسول او و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

۵۰ _ (الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات طوبی لهم و حسن مآب) (رعد / ۲۹)

(آن هایی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پاکیزه ترین (زندگی) نصیبشان است و بهترین سرانجام ها برای آنهاست.)

«طوبی» درختی است که در خانه ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام ریشه دارد. و شاخه های آن بر سر مؤمنین سایه افکنده است.(۴)

همه ی پاکی ها و خیرات، درگرو پیوند با رهبران آسمانی است. وقتی کوته فکران به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انتقاد کردند که چرا این همه فاطمه زهرا علیها السلام را می بوسی؟ آن حضرت فرمود: مرا در شب معراج به بهشت بردند، در آنجا

۱- همان، ۴ / ۴۴.

۲- همان، ۴ / ۴۴.

۳- کنزالعمال ۱ / ۲۵۱ بنقل از فضائل الخمسه من الصحاح السته مرتضیفیروزآبادی.

۴- بحارالانوار ۸/۱۱۷تا۲.۱۲۰. همان.۳.الدرالمنثور۴/۵۹.

درخت طوبی خوردم و وجود فاطمه از آن نشأت گرفت و پدید آمد. از این رو من هرگاه مشتاق بوی بهشت می شوم، دخترم فاطمه را می بویم.(۱)

ابن عباس می گوید: طوبی نام درختی است در بهشت که آن درخت در سرای علی بن ابیطالب علیه السلام ریشه دارد. و در هر خانه ای از منازل مؤمنان، شاخه ای از آن درخت هست.(۲)

۵۱ _ (و یقول الذین کفروا لست مرسلا قل کفی باللّه شهیداً بینی و بینکم و من عنده علم الکتاب) (رعد / ۴۳)

(آنها که کافر شدند، می گویند: «تو پیامبر نیستی». بگو کافی است که خداوند و کسی که علم کتاب (و آگاهی قرآن) نزد اوست، میان من و شما گواه باشند.)

میبدی و آلوسی ذیل آیه آورده اند. کسی که علم کتاب نزد اوست، علی بن ابیطالب علیه السلام است و مراد از کتاب، قرآن کریم است.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: کسی که علم کتاب نزد اوست، فردی به غیر از علی بن ابیطالب نمی باشد. این موضوع را محمد بن حنفیه نیز ذکر کرده است.(۳)

در تعبیر دیگر آورده اند: یکی از اطرافیان حضرت سلیمان علیه السلام که مقداری از علم کتاب را داشت، توانست در زمانی کوتاه، چشم بر هم زدن، تخت ملکه ی سبا را در پیش روی آن حضرت حاضر کند. پس اگر کسی تمام علم کتاب را داشته باشد، چه قدرتی در اختیار دارد؟ مطابق روایات، مراد از کسی که علم همه ی کتاب را دارد، حضرت علی و اهل بیت علیهم السلام است.(۴)

سوره ابراهیم

۵۲ _ (الم تر کیف ضرب الله مثلا کلمه طیبه کشجره طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماء) (ابراهیم/۲۴)

(آیا ندیدی چگونه خداوند، «کلمه ی طیبه» را به درختی پاک نهاد مَثَل زده که ریشه ی آن (در زمین) ثابت و شاخه ی آن در آسمان است.)

آلوسی ذیل آیه شریفه از امام جعفر صادق علیه السلام آورده است که از این آیه تعبیر به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی و فاطمه و حسن و حسین: آورده اند.(۵)

۱- [۱]

۲- [۲]

۳- روح المعانی ۱۱ / ۱۵۰.

۴- تفسیر نور ۶ / ۲۱۱.

۵- روح المعانی ۱۳ / ۲۱۵.

خداونـد در این آیه، بـا ذکر تمـثیلی کلمه طیبه را شـرح می دهـد: منظور از کلمه ی طیبه، کلمه ی توحیـد است. «طیبه» نامیـده شـده، چون پاک است و دارنده اش را به خیر و برکت و نیکی رهنمون می شود. این کلمه ی طیبه، چون درختی است مصفّی که ریشه اش در زمین رسوخ کرده و شاخه ها و میوه هایش به آسمان بالا رفته است.(۱)

صاحب تفسـیر المیزان در بحث روایتی خود درباره ی شـجره طیبه می نویسـد: خانـدان نبوت و پیروانش، از مصادیق شـجره ی طیّبه است که در بعضـی روایات، اصل را رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم گرفته اند و فرع علی علیه السـلام و شاخه ها امامان و میوه علم ایشان، و برگ پیروانند.(۲)

شیخ طبرسـی از قول ابن عباس می نویسد: حضـرت جبرئیل به پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم گفت: تو همان درختی و علی شاخه ی آن و فاطمه برگ آن است و امام حسن و امام حسین : میوه های آن اند.(۳)

سوره حجر

۵۳ـ (و نزعنا ما فی صدورهم من غِلّ اخواناً علی سرُرٍ متقابلین) (حجر / ۴۷)

(هرگونه غِلّ (حسد و کینه و دشمنی) را از سینه ی آنها برمی کَنیم (و روحشان را پاک می سازیم)، در حالی که همه برادرند. و بر تخت ها رو به روی یکدیگر قرار دارند.)

سیوطی می نویسـد: علی بن ابیطالب علیه السـلام فرمودنـد: قسم به خدا، این آیه (و نزعنا...) درخصوص ما اهل بیت نازل شده است.(۴)

سوره نحل

۵۴ ـ (و اقسموا باللّه جهد ایمانهم لا یبعث اللّه من یموت بلی و عداً علیه حقاً ولکن اکثر الناس لا یعلمون)

(نحل / ۳۸)

(آنها سوگنـدهای شدیـد به خدا یاد کردند که: هرگز خداوند، کسـی را که می میرد، برنمی انگیزد! آری، این وعده ی قطعی خداست (که همه ی مردگان را برای جزا باز می گرداند) ولی بیشتر مردم نمی دانند.)

ـ سیوطی در ذیل آیه آورده است: از علی علیه السلام روایت شده که این آیه در شأن آن حضرت نازل شده است.(۵)

۱- مجمع البیان ۶ / ۴۸۰.

۲- المیزان ۱ / ۹۲.

۳- مجمع البیان ۶ / ۴۸.

۴- الدر المنثور ۴ / ۱۰۱.

۵- همان، ۴ / ۱۱۸.

۵۵ ــ (و ما ارسلنا من قبلك الا رجالا نوحی الیهم فسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون) (نحل / ۴۳)

(و پیش از تو، غیر رجال مؤیّد به وحی خود کسی را به رسالت نفرستادیم اگر نمی دانید از اهل ذکر سؤال کنید.)

ــ از ابوجعفر درخصوص این آیه:

مراد از بیان آن حضرت درخصوص نحن اهل الذکر را بطور صحیح امت دانسته اند چرا که این امت اعم از امم گذشته بوده و علماء اهل بیت رسول اللّه علیهم السلام از بهترین علماء می باشند مادامی که بر سنت مستقیم بوده باشند.

نظیر ابن عباس و علی و دو فرزند ایشان جعفر و باقر، و نظیر ایشان از کسانی که تمسک به ریسمان محکم الهی زده و در صراط مستقیم قرار گرفته، و حق هر صاحب حقی را به خوبی شناخته، و نازل می شود بر هر مقامی و منزلتی که خدا و رسول بر او عطا نموده و دلهای بندگان مؤمن خود را معطوف به ایشان می گرداند.(۱)

سوره اسراء

۵۶ــ (و آت ذا القربی حقّه و المسکین و ابن السبیل ولا تبذّر تبذیرآ) (اسراء/ ۲۶)

(و حقّ نزدیکان را بپرداز و (همچنین حقّ) مستمند و وامانده در راه را. و هرگز اسراف و تبذیر مکن)

سیوطی می نویسد: مراد از ذی القربی، نزدیکان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می باشند، چنانکه خویشان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستند و آن حضرت، فرمان به اعطاء حقوق آنها از بیت المال دادند.(۲)

۵۷ ــ (و من قتل مظلومآ فقد جعلنا لولیه سلطانآ فلا یسرف فی القتل انه کان منصورآ.) (اسراء /۳۳)

(و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولیّش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم، اما در قتل اسراف نکنید، چرا که او مورد حمایت است.)

ــ محمدبن یعقوب کلینی روایت کرده که از امام صادق علیه السلام درباره ی این آیه سؤال شد. فرمود: درباره ی امام حسین علیه السلام نازل شده است. همچنین علی بن ابراهیم از امام باقر علیه السلام روایت کرده که این آیه درباره ی کشته شدن امام حسین علیه السلام نازل شده است.(۳)

۵۸ــ (یوم ندعوا کل اناس بامامهم) (اسراء / ۷۱)

(روزی که هر قومی را به نام امامشان فراخوانیم.)

از امام رضا علیه السلام روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: جبرئیل از جانب خداوند نزد من آمد گفت: خداوند تو

۱- جامع البيان ۸ / ۱۰۹.

۲- الدر المنثور ۴ / ۱۷۶.

۳- تفسير عياشى ۲ / ۸۶.

را سلام می رساند و می فرماید :

مؤمنین را که عمل صالح داشته اند و به تو و اهل بیت تو مؤمن بوده اند، به بهشت بشارت بده، زیرا ایشان را نزد من جزایی بسیار نیکوست و به زودی به بهشت وارد خواهند شد.

همچنین آن حضرت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده اند که بهشت بر کسانی که به اهل بیت من ستم کردند و با آنان به جنگ برخاستند و همچنین بر کسانی که ستمکاران را یاری کردند و اهل بیت مرا ناسزا گفتند حرام گشته است. اینان هیچ نصیبی از خیر در آخرت ندارند، خداوند در قیامت با ایشان صحبتی ندارد، به آنان نظر رحمتی نخواهد کرد، از آلودگی به گناه پاکشان ننماید و برای آنان عذابی دردناک خواهد بود.(۱)

۵۹ ـ (و لقد صرّفنا للنّاس فی هذا القرآن من کل مثل فابی اکثر النّاس الّا کفورآ) (اسراء / ۸۹)

(ما در این قرآن، برای مردم از هر چیز نمونه ای آوردیم (و همه ی معارف در آن جمع است)، اما بیشتر مردم (در برابر آن) کاری جز انکار نکردند.)

ـ محمدبن العباس از امام باقر علیه السلام روایت کرده که این آیه درباره ولایت علی علیه السلام نازل گردیده است. «فابی اکثر الناس» یعنی امتناع و خودداریِ بیشتر مردم از پذیرش ولایت علی علیه السلام .(۲)

سوره مریم

۶۰ ـ (و وهبنا لهم من رحمتنا و جعلنا لهم لسان صدق علیآ) (مریم / ۵۰)

(و از رحمت خود به آنان عطا کردیم، و برای آنها نام نیک و مقام برجسته ای (در میان امتها) قرار دادیم.)

ـ ابن کثیر ذیل آیه از ابن جریر آورده است: مراد از آن علی علیه السلام می باشد چرا که همه ی ملل و ادیان، او را شناخته و ستایش می کنند.(۳)

۶۱ـ (إنّ الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات سیجعل لهم الرّحمن ودّآ) (مریم / ۹۶)

(مسلمآ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند رحمان محبّتی نسبت به آنان در دلها قرار می دهد.)

آیه ی مذکور در شأن علی بن ابیطالب نازل شده است که دوستی آن حضرت در قلوب مؤمنین می باشد.(۴) محمدبن العباس

از ابن عباس روایت کند که این آیه درباره ی علی مرتضی علیه السلام نازل گردیده است. همچنین از امام صادق علیه السلام روایت

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام ۲ / ۲۷ تا ۲۹.

۲- البرهان فی تفسیر القرآن ۳ / ۴۴۴.

۳- تفسیر ابن کثیر ۴ / ۲۴.

۴- الدر المنثور ۴ / ۲۸۷.

شـده که این آیه درباره ی علی بن ابی طالب علیه السـلام نازل گردیـده است و مؤمنی نیست که در دل او دوستی و حب علی علیه السلام نباشد.

امام صادق علیه السلام سبب نزول آیه را چنین فرمودند: روزی علی علیه السلام مقابل پیامبر نشسته بود. پیامبر فرمودند: یا علی بگو : «اللهم اجعل لی فی قلوب المؤمنین ودّآ» یعنی: خـدایا محبت و دوستی مرا در قلوب مؤمنین قرار بده، سـپس این آیه نازل گردید.(۱)

ابـن عبـاس گویـد: پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم دست من و دست علی بن ابیطـالب علیه السـلام راگرفت وچهـار رکعت نمازبجای آورد.سـپس دست خود را به طرف آسـمان بلند کرد وگفت: خدایاموسـی از تو تقاضا کرد و گفت : «ربّ اشرح لی صـدری ویسّرلی امری، واحلل عقـده من لسانی،یفقهوا قولی، واجعل لی وزیرآ من اهلی، هارون اخی،اشدد به ازری» (۲) من هم تقاضا را از تو دارم و می خواهم که علی را وزیر من

قرار دهی.

ابن عباس گوید: شـنیدم که منادی ندا کرد و گفت: یا احمد! آنچه خواستی به تو بخشـیدم. سـپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: یا ابا الحسن! دست خود را به طرف آسمان بلند کن و خدای خود را بخوان و من از خدای خود خواهم خواست که درخواسـتهای تو را برآورد. سپس علی دستهای خود را به طرف آسمان بلند کرد و گفت: «اللهم اجعل لی عندک عهدآ و اجعل لی عندک ودآ.» سپس این آیه نازل گردید.(۳)

سوره طه

۶۲ـ (و انی لغفّار لمن تاب و آمن و عمل صالحآ ثمّ اهتدی) (طه / ۸۲)

(هرکه توبه کند، و ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، و راه هدایت را بپذیرد، آمرزش من برای او بسیار است.)

در ذیل آیه شریفه آورده اند که آمرزش گسترده ی الهی برای کسانی است که ولایت (محبت و اطاعت) اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را پذیرفته اند.(۴)

۶۳ـ (و امر اهلک بالصّلوه و اصطبر علیها لانسئلک رزقآ نحن نرزقک العاقبه للتقوی.) (طه / ۱۳۲)

(خـانواده ی خود را به نمـاز فرمان ده، و بر انجام آن شـکیبا باش، از تو روزی نمی خواهیم، (بلکه) ما تو را روزی می دهیم، و عاقبت نیک برای تقواست.)

۱- تفسیر علی بن ابراهیم ۲ / ۵۶.

۲- خدایا به من شرح صدر عطا کن، و کار مرا آسان گردان، و عقده را اززبان من بگشای، تا گفتار مرا بفهمند، برادرم هارون را که از خویشان من است وزیرمن گردان، به وسیله او پشت مرا محکم گردان. (طه / ۲۵ _ ۳۱)

۳- کتاب المناقب از ابن المغازلی شافعی از علمای عامه / ۳۱۳، نقل ازکتاب نمونه بینات ۱۰۲.

۴- جامع البیان طبری ۹ / ۱۹۱.۲. تفسیر کبیر ۲۲ / ۱۳۶.

ـ در روایت آمـده است: پس از نزول این آیه، رسول خـدا هر روز صـبح به درب منزل علی و فاطمه می رفته و می فرمودنـد : «الصلاه» و این عمل را یکماه تمام انجام می دادند. آلوسی نیز ضمن روایت مذکور، مراد آن را اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ذکر می کند.(۱)

سوره انبیاء

۶۴ـ (انّ الذین سـبقت لهم منّا الحسـنی اولئک عنها مبعدون * لا یسـمعون حسیسـها و هم فی ما اشـتهت انفسـهم خالدون * لا یحزنهم الفزع الاکبر و تتلقّاهم الملائکه هذا یومکم الذی کنتم توعدون)

(انبیاء / ۱۰۱ـ ۱۰۳)

(امـا کسانی که از قبل، وعـده ی نیک از سوی ما به آنها داده شـده (مؤمنان صالـح) از آن (جهنّم) دور نگاه داشـته می شونـد. آنها صدای آتش دوزخ را نمی شـنوند و در آنچه دلشان بخواهد جاودانه متنعم هستند. وحشت بزرگ، آنها را اندوهگین نمی کند، و فرشتگان به استقبالشان می آیند. (و می گویند): این همان روزی است که به شما وعده داده می شد.)

امام امیرالمؤمنین علیه السـلام فرمایـد: پیامبر به من فرمودنـد: خوشا به حال کسـی که تو را دوست بدارد و امامت تو را تصدیق کند. و وای بر کسـی که تو را دشـمن بدارد و امامت تو را دروغ پندارد. تویی عالم این امت بعد از من. تو و شـیعیانت، از پایه گذاران عدالت و دادگری هستید. و شمایید بهترین مخلوق خداوند. و در روز رستاخیزو روز وحشت بزرگ، در سایه ی عرش پروردگـار خواهیـد بود. در آن روزی که همه ی مردم در ترس و رعب به سر می برنـد، دوسـتداران تو در آن روز، نه ترسـی دارند و نه در حزن و اندوهی باشند.(۲)

سوره حج

۶۵ـ (هذان خصمان اختصموا فی ربهم فالّذین کفروا قطّعت لهم ثیاب من نار یصبّ من فوق رؤوسهم الحمیم) (حج / ۱۹)

(اینان دو گروهند که درباره ی پروردگارشان به مخاصـمه و جدال پرداختند. کسانی که کافر شدند، لباس هایی از آتش برای آنها بریده شده، و مایع سوزان و جوشان بر سرشان ریخته می شود.)

ـ ابوذر غفاری ـ پس از تأکیـد به سوگنـد بر صـدق گفتار خویش ـ گویـد: این آیه درباره ی مؤمنان و کافرانی است که در جنـگ بـدر مبـارزه کرده بودنـد، ماننـد حمزه بن عبـدالمطلب که در آن جنگ، عتبه بن ربیعه را کشت و علی بن ابیطالب علیه السلام که ولیدبن عتبه را کشت.(۳)

۶۶ـ (و بشّر المخبتین الذین اذا ذکر اللّه و جلت قلوبهم...) (حج ۳۴ ـ ۳۵)

(به فروتنان نوید بده، همان ها که چون نام خدا برای آنان برده می شود، دل هایشان پر از خوف (از عدل الهی) می گردد،...)

ـ محمدبن العبّاس از امام کاظم علیه السلام روایت کند که مصداق این آیات، اهل بیت اند.(۴)

۱- [۱]

۲- نمونه بینات ۵۳۵.

۳- تفسیر مجمع البیان ۱۷ / ۱۵.

۴- البرهان فی تفسیر القرآن ۴ / ۹۲.

۶۷_ (الذین اخرجوا من دیارهم بغیر حق الّا ان یقولوا ربّنا الله) (حج / ۴۰)

(همان ها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، تنها به این دلیل که می گفتند: «پروردگار ما خدای یکتاست» و...)

ثقه الاسلام کلینی روایت می کند که امام باقر علیه السلام فرمود: این آیه درباره ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام و جعفربن ابیطالب و حمزه نازل شده و از آنها به حسین بن علی علیه السلام کشانیده شد.(۱)

۶۸_ (الذین ان مَکَنّاهُمْ فی الارض اقاموا الصلوه و آتوا الزکوه...)(حج / ۴۱)

(همان کسانی که اگر در زمین به آنها قدرت بخشیم، نماز را برپا می دارند، و زکات می دهند و...)

امام کاظم علیه السلام فرمودند: روزی نزد پدرم در مسجد نشسته بودم. مردی آمد و مقابل پدرم ایستاد و گفت: یابن رسول اللّه! به این آیه از قرآن توجّه کردم و از جابربن یزید پرسیدم، به من راهنمایی کرد که خدمت شما برسم و از شما بپرسم. حضرت فرمودند: این آیه در باره ی ما اهل البیت نازل گردیده است.(۲)

۶۹_ (و الذین هاجروا فی سبیل اللّه ثم قتلوا او ماتوا لیرزقنّهم الله رزقآ حسنا و ان الله لهو خیرالرازقین)

(حج / ۵۸)

(و کسانی که در راه خدا هجرت کردند، سپس کشته شدند یا به مرگ طبیعی از دنیا رفتند، خداوند به آنها روزی نیکو می دهد، که او بهترین روزی دهندگان است.)

امام صادق علیه السلام فرمودند: این آیه درباره ی امیرالمؤمنین علی علیه السلام نازل گردیده است.(۳)

۷۰_ (و اذا تتلی علیهم آیاتنا بینات تعرف فی وجوه الذین کفروا المنکر) (حج / ۷۲)

(و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می شود، چهره ی کافران را زشت و درهم می بینی.)

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که آیه ای نازل می گردید که فضیلت علی علیه السلام را بیان می داشت و اطاعت و پیروی از آن بزرگوار در آن آیات فرض و واجب می گردید، گروهی از افراد را خوش نمی آمد و از روی رشک و حسد و خشم، منکر آن می گردیدند. این آیه در همین زمینه نازل گردید.(۴)

سوره مؤمنون

۷۱_ (قد افلح المؤمنون * الّذین هم فی صلاتهم خاشعون * والّذین هم عن اللغو معرضون * والّذین هم للزّکوه فاعلون * والّذین هم لفروجهم حافظون ... * والّذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون * و الّذین هم علی صلواتهم یحافظون *

۱- البرهان فی تفسیر القرآن ۴ / ۹۵؛ تفسیر علی بن ابراهیم ۲ / ۸۴۱.

۲- البرهان فی تفسیر القرآن ۴ / ۹۶.

۳- همان، ۴ / ۱۰۲.

۴- همان، ۴ / ۱۰۳.

اولئک هم الوارثون * الّذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون) (مؤمنون / ۱۱ _ ۱)

(به راستی اهل ایمان به رستگاری رسیدند؛ آنانی که در نماز خود، خاضع و خاشع اند؛ آنان که از سخنان بیهوده و باطل روی می گردانند؛ آنانی که زکوه می دهند؛ آنان که فروج خود را (از حرام) نگاه می دارند... ؛ آنانی که نسبت به امانت ها و پیمان های خود وفادارند؛ کسانی که در برپاداشتن نماز می کوشند. این چنین کسانی وارث (مقام عالی) هستند، بهشت فردوس را ارث می برند و در آن جاودانه اند.)

_ امام کاظم علیه السلام فرمود: این آیات درباره ی رسول خدا، امیرالمؤمنین، فاطمه، حسن و حسین :نازل گردیده است.(۱)

۷۲_ (فمن ثقلت موازینه فاولئک هم المفلحون)

(مومنون / ۱۰۲)

(کسانی که وزنه ی اعمالشان سنگین است، همانان رستگارانند.)

امام باقر علیه السلام فرمودند: این آیه درباره ی ما اهل البیت نازل گردیده است.(۲)

سوره نور

۷۳_ (اللّه نور السّموات و الارض مثل نوره کمشکوه فیها مصباح المصباح فی زجاجه الزجاجه کانها کوکب درّی یوقد من شجرهٍ مبارکه زیتونه...) (نور / ۳۵)

(خداوند، نور آسمان ها و زمین است. مَثَل نور خداوند، همانند چراغدانی است که در آن چراغی (پرفروغ) باشد، آن چراغ در حبابی قرار گیرد، حبابی شفاف و درخشنده همچون یک ستاره ی فروزان، این چراغ با روغنی افروخته می شود که از درخت پربرکت زیتونی گرفته شده است...)

در این آیه ظاهراً وجود مؤمن به قندیل و چراغ و شیشه و غیره تشبیه شده که نور هدایت و ایمان آن را منوّر و روشن کرده است.

در توحید صدوق باب ۱۵ از امام صادق علیه السلام روایت شده که از (اللهُ نور السماوات و الارض مثل نوره کمشکوه فیها مصباح) سؤال شد. فرمودند: اهل بیت علیهم السلام از لحاظ واسطه ی هدایت بودن مصداق مثل نورند و مظهر تامّ اتمّ ممکنات، وجود مقدّس محمّد رسول الله ۶است. لذا در اخبار.(۳)

مشکوه را که به معنی قندیل است به وجود او تعبیر کرده اند که در او مصباح است چراغ را در قندیل می گذارند

۱- همان، ۴/۱۰۷ ـ ۱۰۶.۲. البرهان فی تفسیرالقرآن ۴/۱۲۱.

۲- [۲]

۳- قاموس قرآن ۷ / ۱۲۹ـ ۱۲۶.

و مصباح روح مقدّس اوست که دارای جمیع کمالات است و مظهر جمیع صفات.

(المصباح فی زجاجه) زجاجه شیشه و لوله ی لامپ است که نور از داخل او ظاهر می شود لذا امیرالمؤمنین علیه السلام که تمام علم وکمالات نبوی از او ظاهر می شود مصداق آن است که پیغمبر فرمودند: (أنا مدینه العلم و علی بابها)، علی علیه السلام نفس نفیس پیغمبر است و جمیع کمالات او را جز مقام نبوّت دارد.

(الزجاجه کأنّها کوکب دری) مِثْل ستاره روشن و تلألو دارد.

(یوقد من شجره مبارکه زیتونه) شجره ی مبارکه وجود مبارک حضرت ابراهیم علیه السلام که انبیاء و بالاخص نبی اکرم و اوصیاء او از این شجره هستند و برکات الهیه تا قیامت از این شجره است.

(یکاد زیتها یضیء) زیت، علوم پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و کمالات اوست که تا دامنه ی قیامت روشن است و خاموش شدنی نیست.

(و لو لم تمسه نار) احتیاج به اسباب و روشن کردن ندارد، خاموش نمی شود تا احتیاج به روشن کردن داشته باشد.

(نور علی نور) وصیی بعد وصیی، امام بعد از امام، که از زمان آدم تا دامنه ی قیامت زمین خالی از حجّت نبوده و نیست.[(۱)]

(اللهُ نور السماوات و الارض مثل نور کمشکوه) (حضرت زهرا علیها السلام)

فیها مصباح (امام حسن علیه السلام) المصباح (امام حسین علیه السلام) فی زجاجه (امام سجّاد علیه السلام) الزجاجه (امام محمّد باقر علیه السلام) کوکب (امام صادق علیه السلام) دری یوقد من شجره مبارکه زیتونه (امام موسی کاظم) لا شرقیه و لا غربیه یکاد زیتها (امام رضا علیه السلام) یضیء و لو لم تمسه نار) (امام جواد علیه السلام) نور (امام هادی علیه السلام) علی نور (امام حسن عسگری علیه السلام) یهدی الله لنوره (امام زمان علیه السلام) من یشاء و یضرب الله الامثال للناس و الله لکل شیء علیم (نور / ۳۵)

مثل نوره (حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم) کمشکوه فیها مصباح (مثل آن حضرت (پیغمبر) علی علیه السلام است.

۷۴_ (فی بیوت اذن اللّه ان ترفع و یذکر فیها اسمه، یسبح له فیها بالغدوِّ و الآصال.) (نور / ۳۶)

((این چراغ پرفروغ) در خانه هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند خانه هایی که نام خدا در آنها برده می شود، و صبح و شام در آن جا تسبیح او را می گویند.)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این آیه را تلاوت کرد. شخصی برخاست و از آن حضرت پرسید: کدامین خانه ها منظور نظر می باشد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خانه های پیامبران.

پس از آن ابوبکر پرسید: ای رسول خدا! آیا خانه ی علی و فاطمه نیز از جمله ی آن خانه هاست؟ پیامبر در پاسخ فرمودند :

بلی، از برترین آن خانه هاست.(۲)

ص:۳۹

۱- اطیب البیان ۹ / ۵۳۰.

۲- الدر المنثور ۵ / ۵۰؛ روح المعانی ۱۸ / ۱۷۴.

۷۵_ (وعداللّه الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم، و لیمکّنن لهم دینهم الـذی ارتضـی لهم، و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم امنا یعبدوننی لا یشـرکون بی شـیئآ. و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسـقون) (نور / ۵۵)

(خداونـد به کسـانی از شـما که ایمـان آورده و کارهـای شایسـته انجـام داده انـد وعـده می دهـد.که آنها را در زمین جانشـین گرداند، چنان که پیشـینیان آنان (نیکان گذشـته) را جانشین گردانید. و دینشان را که برایشان پسندیده، برای آنها استوار دارد، و آنهـا را پس از نـاامنی به امنیت برسانـد، به گـونه ای که مرا بپرسـتند و (به دلیـل خوف از مخالفـان) چیزی را بـا من شـریک نگیرند. و کسانی که پس از این همه نعمت، کفران کنند، به راستی فاسق اند.)

عبداللّه بن سنان از امام صادق علیه السلام درباره ی این آیه پرسید. امام علیه السلام فرمودند: درباره ی علی بن ابیطالب و ائمه اطهار از فرزندان او و نیز امام قائم نازل گردیده است.(۱) صلوات الله علیهم

اجمعین.

سوره فرقان

۷۶_ (... و جعلنا بعضکم لبعض فتنه، أتصبرون و کان ربک بصیرآ)(فرقان / ۲۰)

(بعضـی از شـما را وسـیله ی امتحـان بعضـی دیگر قرار دادیم، آیا صبر و شـکیبایی می کنیـد در حالی که پروردگار تو همواره بصیر و بینا بوده است؟)

امام باقر علیه السـلام فرمودند: رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سلم روزی علی و فاطمه و حسن و حسن :را نزد خود در اطاق جمع کردند و در را بستند. سپس فرمودند: ای اهل بیت من که اهل اللّه نیز هستید، خداوند بر شما سلام می رساند. جبرئیل هم اکنون دراین اتاق نزد ما قرار دارد و می گوید: خداوند می فرماید: من دشـمنان شـما را برای شما وسیله ی آزمایش و فتنه قرار داده ام، شـما در این باره چه عقیـده ای داریـد؟ همه گفتند: ما بر این آزمایش صبر و شـکیبایی پیشه می کنیم و به قضای الهی راضـی و خشـنود می شویم تا اینکه به رحمت و لطف خداونـد واصل گردیم و بالاترین اجر و ثواب او را بـدست آوریم، زیرا می دانیم که صابران در بلایا و مصائب، به بزرگترین پاداش خیر می رسـند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از شنیدن این گفتـار به گریه افتادنـد، به گونه ای که صـدای گریه ی رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم از بیرون اتاق شـنیده می شـد. سپس این آیه (و جعلنا بعضکم لبعض فتنه اتصبرون و کان ربک بصیرآ) نازل گردید.(۲)

۷۷ _ (و هو الذی خلق من الماء بشرآ فجعله نسبآو صهرآ و کان ربک قدیرآ) (فرقان / ۵۴)

(او کسی است که از آب، انسانی را آفرید، سپس او را نَسَب و سَبَب قرار داد (و نسل او را از این دو طریق گسترش داد) و پروردگار تو همواره توانا بوده است.)

۱- البرهان فی تفسیر القرآن ۴ / ۱۴۵.

۲- البرهان فی تفسیر القرآن ۴ / ۱۵۸.

ابن سیرین گوید: این آیه درباره ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی مرتضی علیه السلام نازل گردید؛ زیرا رسول خدا دختر خود فاطمه زهرا علیها السلام را برای علی تزویج فرمود. و اگر علی بن ابیطالب علیه السلام نمی بود، هر آینه کفو و همسری برای فاطمه وجود نداشت.(۱)

ابن عباس گوید: این آیه درباره ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی مرتضی علیه السلام نازل شد، زیرا پیامبر خود فاطمه را برای علی ــ که پسر عمّ وی بود ــ تزویج فرمود که در عین نسبت خویشاوندی، داماد پیامبر هم گردید.(۲)

سوره شعراء

۷۸ ــ (لعلک باخع نفسک الا یکونوا مؤمنین) (شعراء/ ۳) (گویی می خواهی جان خود را از شدّت اندوه از دست دهی، به خاطر این که آن ها ایمان نمی آورند!)

امام صادق علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمودند: یا علی! از خدا خواستم که بین من و تو دوستی پدید آورد، خداوند آن را انجام داده است. و نیز از او خواستم که میان من و تو برادری به وجود آورد، خداوند آن را هم انجام داده است. و نیز از او خواستم که تو را وصیّ و جانشین من قرار دهد، آن را نیز برآورده است.

در این میان، مردی (از روی طعنه) گفت: به خدا قسم هر آینه یک صاع(۳) خرما بهتر از درخواستهای محمد از خدای خودش

است؛ ای کاش محمد از خداوند سلطنت تقاضا می کرد تا قدرتی به دست آورد و دشمنان خویش را منکوب کند و یا گنجی می خواست تا از فقر رها می شد. سپس این آیه نازل شد.(۴)

۷۹ ــ (ان نشا ننزل علیهم من السماء ایه فظلت اعناقهم لها خاضعین) (شعراء / ۴)

(اگر ما اراده کنیم از آسمان بر آنان آیه ای نازل می کنیم که گردنهایشان در برابر آن خاضع گردد.)

ابوبصیر گوید: از امام باقر علیه السلام درباره ی این ایه پرسیدم. فرمودند: آیه درباره ی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است که منادی به اسم و نام او، از آسمان ندا خواهد کرد.(۵)

۸۰ ــ (و انذر عشیرتک الاقربین) (شعرا / ۲۱۴)

(و خویشاوندان نزدیک خود را انذار کن.)

۱- تفسیر ثعلبی به نقل از المیزان ۱۶ / ۴۲۰.

۲- البرهان فی تفسیر القرآن ۴ / ۳۰۱.

۳- صاع: پیمانه ای برای وزن دانه گندم.

۴- تفسیر عیاشی ۲/۲۱۳.۳. البرهان فی تفسیرالقرآن ۴/ ۱۷۸.

۵- [۵]

ـ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تا سه سال مردم را به صورت مخفیانه فرا می خواند. اما به دنبال نزول آیه: «و انذر عشیرتک الاقربین»، حضرتش مأمور شد که دعوت خود را علنی سازد و در این راه، از خویشان و نزدیکان خود آغاز کرد به همین منظور، خویشان خود را به میهمانی فرا خواند، و پس از چند جلسه پذیرایی، دعوت خود را با آنان در میان گذاشت.

بستگان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روی برگرداندند امّا علی علیه السلام ـ که از همه کوچکتر بود ـ به پا خاست و فرمود: ای پیامبر خدا! من یار و وزیر شما در این کار خواهم بود.

پیامبر خطاب به آن جمع فرمود: این شخص برادر من، وصی من و خلیفه ی من در بین شماست. سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید.(۱)

سوره نمل

۸۱ ـ (امن یجیب المضطرّ اذا دعاه و یکشف السُّوء)

(نمل / ۶۲)

(آیا چه کسی دعای مضطرّ را اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می سازد؟)

امام باقر علیه السلام فرمودند: این آیه درباره ی امام قائم علیه السلام نازل شده است. آن زمان که ظهور کند و در مقام ابراهیم کنار خانه کعبه نماز گزارد و به سوی خدای خود تضرع و زاری کند.(۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: این آیه درباره ی قائم آل محمد :نازل شده است. و نیز فرمود: به خدا سوگند، اوست که با حالت اضطرار و خضوع و خشوع در مقام ابراهیم علیه السلام ، دو رکعت نماز می گذارد و خدای خود را می خواند. خداوند هم دعای او را مستجاب می کند و گرفتاری و دشواری را از او دور می سازد و وی را جانشین خود در روی زمین قرار دهد.(۳)

امام باقر علیه السلام فرماید: به خدا قسم، گوییا می بینم کسی که این آیه برای او نازل گردیده، ظهور کند، به حجرالاسود خانه کعبه تکیه دهد و خدا را حمد و ستایش کند، سپس گوید:

ای گروه مردم! هر کسی بخواهد با من درباره ی پروردگار محاجّه کند و بپرسد، من برتر و اولی از مردم نسبت به پروردگار هستم، پاسخ او را خواهم گفت.

هرکسی با من درباره ی آدم و نوح و عیسی و موسی : محاجّه نماید و بپرسد، من از تمام مردم نسبت به آنان اولی و سزاوارترم و جواب او را خواهم داد.

۱- تاریخ طبری ۲.۲/۳۲۱.۲. البرهان فی تفسیرالقرآن ۴/۲۰۷.

۲- [۲]

۳- تفسیر علی بن ابراهیم۲.۲/۱۲۹.۲. نمونه ی بینات/۵۹۴.

هرکسی بخواهد با من درباره محمد پیامبر اسلام ۶ و کتاب آسمانی او قرآن محاجّه کند و بپرسد، من از همه مردم نسبت به رسول خدا و قرآن برتر و سزاوارترم و پاسخ او را خواهم گفت.

سپس امام فرمود به خدا قسم اوست مضطرّی که گوید : «امّن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء و یجعلکم خلفاء الارض. و این آیه درباره ی او نازل گردیده است.»(۱)

۸۲ _ (من جاء بالحسنه فله خیر منها و هم من فزع یومئذ آمنون * و من جاء بالسیّئه فکُبّت وجوههم فی النّار، هل تجزون الّا ما کنتم تعملون.) (نمل / ۹۰ _ ۸۹)

(کسانی که کار نیکی انجام دهند، پاداشی بهتر از آن خواهند داشت و آنان از وحشت آن روز (قیامت) در امانند. و آنها که اعمال بدی انجام دهند، به صورت در آتش افکنده می شوند، آیا جزایی جز آنچه عمل می کردید، خواهید داشت؟)

ابوعبداللّه جدلی گفت: بر علی بن ابیطالب علیه السلام وارد شدم. آن حضرت فرمود: ای ابوعبداللّه! آیا خبر دهم تو را نسبت به حسنه ای که هرکس آن را انجام دهد، داخل بهشت شود؟ و نیز نسبت به سیئه ای که هرکس انجامش دهد، خداوند او را وارد آتش کند و هیچ عملی را از او نمی پذیرد؟

گفتم: بلی یا علی. حضرتش فرمودند :

حَسنه، حُبّ نسبت به ما (اهل بیت علیهم السلام) و سَیئه، بُغض نسبت به ما می باشد.(۲)

سوره قصص

۸۳ _ (و نرید ان نمنّ علی الّذین استضعفوا فی الارض)

(قصص / ۵)

(ما می خواهیم که بر مستضعفان زمین منّت نهیم.)

مفضل بن عمر گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نگاهی به علی و حسن و حسین : کرد و گریست و فرمود: شما بعد از من مستضعف خواهید شد.(۳)

مفضل معنای این کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را از امام صادق علیه السلام پرسید. حضرتش پاسخ داد: معنایش این است که: بعد از من شما امامید، و این آیه تا روز قیامت درباره ی ما جریان دارد و این پیشوایی تا روز قیامت در ما جاری است.(۴)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: دنیا بعد از همه ی سرکشی هایش، سرانجام زیر بار ما خواهد رفت و رو به ما خواهد

۱- [۱]

۲- کشف الاسرار وعده الابرار ۷ / ۲۶۳.

۳- یعنی مردم، شما را ضعیف وناتوان خواهند کرد وبه یاری شما نمی آیند.۲. معانی الاخبار/ ۷۹.۳. نهج البلاغه / ۵۰۶.

۴- [۴]

نمود، همانند شتری که در آغاز بچه خود را شیر نمی دهد و لگد می پراند، ولی سرانجام به وی میل و عطوفت می کند.(۱)

سوره روم

۸۴ ـ (فآت القربی حقه و المسکین و ابن السبیل)

(روم / ۳۸)

(پس حق نزدیکان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن)

سدی به نقل از ابوسعید الخدری گوید: این آیه درباره ی اقربا و خویشاوندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل گردیده است. از امامین همامین باقر و صادق علیهما السلام نیز صدور روایت آن شهرت دارد که بعد از نزول این آیه، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فدک را به دخترش فاطمه زهرا علیها السلام بخشید و به وی تسلیم فرمود.(۲)

سوره لقمان

۸۵ ـ (و وصینا الانسان بوالدیه) (لقمان / ۱۴)

(و ما به انسان درباره ی پدر و مادرش سفارش کردیم.)

امام صادق علیه السلام فرمود: این آیه درباره ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی مرتضی علیه السلام نازل گردیده است، چنانچه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شد که فرمودند :

«أنا و علی ابوا هذه الامه»، یعنی من و علی پدران این امت هستیم. و نیز روایت گردیده است که فرمودند: «أنا و علی موالی هذه الامه»، یعنی: من و علی علیه السلام صاحب اختیاران این امّت هستیم.(۳)

۸۶ ـ (و أسبغ علیکم نعمه ظاهره و باطنه) (لقمان / ۲۰)

(و (خداوند)، نعمت های ظاهری و باطنی خودرا بر شما فروریخت.)

حماد بن ابی زیاد گفت: من از آقای خودم موسی بن جعفر علیه السلام در مورد این آیه پرسیدم. فرمود:

نعمت ظاهری، امام ظاهر، و نعمت باطنی، امام غائب است.(۴)

۸۷ _ (و من یسلم وجهه الی اللّه و هو محسن...)

(لقمان / ۲۲)

(کسی که روزی خود را تسلیم خدا کند، در حالی که نیکوکار باشد...)

انس بن مالك روایت کند که این آیه درباره ی امام علی مرتضی علیه السلام نازل شده است، زیرا او نخستین کسی بوده که

۱- [۱]

۲- البرهان فی التفسیر القرآن ۴ / ۲۶۳.۲. همان، ۴ / ۲۷۳.

۳- [۳]

۴- کمال الدین ۲ / ۳۶۸.

ایمان خود را خالص برای خداوند قرار داد، در حالتی که نیکوکار بوده است.(۱)

سوره سجده

۸۸ ـ (تتجافی جنوبهم عن المضاجع یدعون ربهم)

(سجده / ۱۶)

(پهلوهایشان از بسترها در دل شب دور می شود (به پای خیزند و روی به درگاه خدا می آورند) و پروردگار خود را می خوانند.)

امام باقر علیه السلام فرمود: این آیه درباره ی امیرالمؤمنین علی علیه السلام و پیروان او و از شیعیان ما نازل گردیده که در ابتدای شب می خوابند و وقتی که ثلث شب گذشت، با حال خوف از خداوند و رغبت و میل شدید در طاعت او، برای عبادت از خواب برمی خیزند و خداوند، لطف و عنایت خویش را برای آنان به رسول خویش طی این آیه آشکار ساخت.(۲)

۸۹ ـ (افمن کان مؤمناً کمن کان فاسقاً لا یستوون)

(سجده / ۱۸)

(آیا کسی که با ایمان باشد، همچون کسی است که فاسق است؟! نه، هرگز این دو برابر نیستند.)

طبری می نویسد: این آیه درباره ی علی بن ابیطالب علیه السلام و یکی از مردان قریش (ولید بن عقبه بن ابی معیط) نازل شده است. مراد از مؤمن در آیه، علی علیه السلام و منظور از فاسق در آیه، ولیدبن عقبه است.(۳)

۹۰ـ (و جعلنا منهم ائمه یهدون بامرنا لمّا صبروا)

(سجده / ۲۴)

(و از آنان، امامان (و پیشوایانی) قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می کردند، چون شکیبایی ورزیدند.)

امام باقر علیه السلام فرمودند: این آیه درباره اولاد فاطمه ی زهرا علیها السلام نازل شده است.(۴)

سوره احزاب

۹۱ـ (من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا اللّه علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر...) (احزاب / ۲۳)

(در میان مؤمنان، مردانی هستند که بر سر عهدی که با خدا بستند صادقانه وفادارند؛ پس برخی بر آن عهد ایستادگی کردند و برخی به انتظار (فیض شهادت) مقاومت کردند...)

میبـدی می نویسـید: این آیه درباره ی حمزه بن عبدالمطلب و جعفربن ابیطالب و علی بن ابیطالب علیه السـلام نازل شده است. منظور از «فمنهم من قضی نحبه»، حمزه و جعفر است و مقصود از «و منهم من ینتظر» در آیه، علی بن

ص:۴۵

۱- همان ۴ / ۲۸۰.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه ۱/۴۸۴.۲. جامع البیان ۱۳/ ۲۵.

۳- [۳]

۴- البرهان فی تفسیر القرآن ۴ / ۲۸۸.

ابیطالب علیه السلام می باشد.(۱)

حضرت علی علیه السلام فرمود: «این آیه درباره ی ما نازل شده است و به خدا سوگند من منتظر بودم».

انتظار در وصف ایشان نشان از کمال اشتیاق به سوی شهادت است.(۲)

۹۲ _ (وَ رَدَّ اللّه الّذین کفروا بغیظهم لم ینالوا خیراً و کفی اللّه المؤمنین القتال و کان اللّه قویاً عزیزاً)

(احزاب / ۲۵)

(و خدا کافران را با دلی پر از خشم بازگرداند، بی آنکه نتیجه ای نیکو از کار خود گرفته باشند، و خداوند (در این میدان) مؤمنان را از جنگ بی نیاز ساخت (و پیروزی را نصیبشان کرد) و خدا قوی و شکست ناپذیر است.)

در ذیل «و کفی اللّه المؤمنین القتال...» آمده است که منظور از آن کشته شدن عمر و بن عبدود توسط حضرت علی علیه السلام می باشد.(۳)

۹۳_ (انما یرید اللّه لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً.)(احزاب / ۳۳)

(همانا خداوند اراده کرده است تا هرگونه ناپاکی را از شما اهل بیت و خاندان نبوت دور کند و کاملا شما را از هر عیب پاک و منزّه سازد.)

در این آیه بحث از اعمال اراده ی خداوند درباره ی گروه خاصی به نام اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که مصادیق اهل بیت علیهم السلام در زمان نزول آیه جز علی، فاطمه، حسن و حسین: نبوده اند.

این آیه بدون هیچ تردیدی اثبات کننده ی عصمت برای اهل بیت است. ضمن اینکه تعبیر «رجس» در آیه به معنای آلودگی فکری و روحی است نه آلودگی جسمی و ظاهری چرا که پاک کردن آلودگی جسمی توسط هر شخصی امکان پذیر است و نیاز به اراده ی خداوند آن هم با قید انحصاری «انّما» ندارد.(۴)

۹۴_ (ان اللّه و ملائکه یصلّون علی النّبی یا ایّها الّذین آمنوا صلّوا علیه و سلّموا تسلیماً) (احزاب/ ۵۶)

(خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و سلام گویید و کاملا تسلیم (فرمان او) باشید.)

بر مسلمانان امر و لازم شده است که بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم صلوات بفرستند. پیامبر ذیل آیه فرموده اند: بر من «درود

۱- کشف الاسرار ۲.۱۰/۳۳۲. روح المعانی ۲۱/۱۷۲.

۲- [۲]

۳- همان ۲۱ / ۱۷۳.

۴- المیزان ۶/ ۳۲۷؛ مجمع البیان ۴/۳۵۶؛ شریف لاهیجی ۳/۶۳۰؛ اثنیعشری ۱۰/۴۳۹؛ نمونه ۱۷/ ۲۹۰؛ همچنین: پژوهشی در آیه تطهیر / ۷۱ ؛ عترترسول صلی الله علیه و آله و سلم در کتاب خدا / ۹ .

نـاقص» نفرستیـد. و در توضیـح آن فرمودنـد: «درود نـاقص» آن اسـت که بر من تنهـا ــ بـدون یـاد از اهـل بیت من ــ صـلوات بفرستید.(۱)

سوره سبا

۹۵ ــ (و لقد صدّق علیهم ابلیس ظنّه) (سبا / ۲۰)

(به یقین ابلیس گمان باطل خود را به صدق حقیقت در نظر مردم جلوه داد.)

ابن سنان از امام صادق علیه السلام نقل کند که وقتی خداوند به پیامبر خود، طی آیه نازله (یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته) دستور داد که امیرالمؤمنین علیه السلام) را برای امامت نصب نماید، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر خم در حضور جمع زیادی فرمودند: من کنت مولاه فهذا علی مولاه.

در این وقت بود که پیروان ابلیس نزد وی آمدنـد و از او چـاره خواسـتند. آنها گفتنـد: پیامبر با نصب این مرد (علی) گرهی در کـار مـا ایجاد کرده است که تا روز قیامت گشودنی نیست. ابلیس به آنان گفت: چنین نیست که شـما می پنداریـد، در اطراف پیامبر کسانی هستند که به من وعده هایی داده اند که هرگز از آن تخلف نمی ورزند. سپس خداوند این آیه را نازل فرمود.

قتاده نیز از امام باقر علیه السلام درباره ی نزول این آیه پرسید و شبیه موضوعات فوق را حضرتش روایت کرده است.(۲)

سوره فاطر

۹۶ ــ (ثمّ اورثنا الکتاب الّذین اصطفینا من عبادنا فمنهم ظالم لنفسه...) (فاطر / ۳۲)

(سپس این کتـاب (آسـمانی) را به گروهی از بنـدگان برگزیـده خود به میراث دادیم (امـا) از میان آنها عـده ای بر خود سـتم کردند...)

آلوسـی در ذیـل این آیه آورده است: امـامیه از امـام جعفر صـادق و امـام محمّـد بـاقر رضـی الله عنهما نقل کرده انـد: این آیه مخصوص به مابوده و همانا از این آیه اهل بیت و ائمّه از ایشان کسانی که برگزیـده شده و کتاب به ودیعه به ایشان داده شده،

مورد نظر می باشد.(۳)

سوره صافات

۹۷_ (وقفوهم انهم مسئولون) (صافات / ۲۴)

(آنها را نگهدارید که در کارشان مسئولند.)

ص:۴۷

۱- بنگرید: شرح و فضائل صلوات، سید احمد اردکانی؛ استفاده از حدودسی کتاب در زمینه ی صلوات که در صفحات پایانی آن آمده، در این زمینه مفید است.

۲- تفسیر علی بن ابراهیم ۲ / ۱۹۹.

۳- روح المعانی ۲۲ / ۱۹۲.

از ابن عباس درخصوص این آیه نقل شـده است که منظور از آن، ولایت علی می باشد.از ابوسـعید خدری نیز درخصوص این آیه نقل شده که مراد از آن عقاید و اعمال و در رأس آن توحید (لا اله الا الله) و ولایت علی علیه السلام می باشد.(۱)

۹۸ـ (سلام علی آل یاسین) (صافات / ۱۳۰)

(سلام بر آل پیغمبر.)(۲)

از ابن عباس درخصوص آیه «سلام علی آل یاسین» روایت نقل شده است که: «نحن آل محمد آل یاسین» و مراد از آل یاسین، آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و یاسین یکی از نام های پیغمبر است.(۳)

یکی از خصـائص قرآن، تـوجه به اعتبـار و احـترام مخصـوص انبیـاء عظـام است؛ لـذا از جمله می فرمایـد: «سـلام علی نوح فی العالمین»؛ «سلام علی ابراهیم»، «سلام علی موسی و هارون»، «سلام علی المرسلین» (سوره صافات آیات ۷۸، ۱۰۹،...، ۱۸۱). در همین حال، پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم را «یس» نامید و بر خاندان حضرتش درود فرستاد.

سوره زمر

۹۹ـ (قل هل یستوی الّذین یعلمون والّذین لا یعلمون انما یتذکّر اولوا الالباب) (زمر / ۹)

(بگو: آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟ تنها خردمندان متذکّر می شوند.)

ـ این آیه درباره ی امیرالمؤمنین علی علیه السلام نازل شده است.

امام صادق علیه السـلام فرمود: در این آیه، مراد از عبارت «الذین یعلمون» (دانایان)، ماییم ـ یعنی اهل بیت؛ «الذین لا یعلمون» (نادانان)، دشمنان ما و «اولوالالباب» (خردمندان)، شیعیان ما هستند.(۴)

۱۰۰ ـ (و الّذی جاء بالصِّدقِ و صَدَّق به اولئک هم المتّقون) (زمر / ۳۳)

(اما کسی که سخن راست بیاورد و کسی که آن را تصدیق کند، آنان پرهیزگارانند.)

ابـوهریره گویـد: مراد از «والـذی جـاء بالصـدق»، رسـول خـدا صـلی الله علیـه و آله و سـلم است و مراد از «صـدّق به» علی ابن ابیطالب رضی اللّه عنه می باشد.(۵)

۱- کشف الاسرار ۸ / ۲۷۰.

۲- چند تن از صحابه و تابعین وقاریان هفتگانه ی مشهور، آیه را بدینصورت (آل یاسین) خوانده اند.

۳- ترجمه تفسیر مجمع البیان ۲۱ / ۴۳.

۴- ترجمه تفسیر مجمع البیان ۲۱ / ۱۵۳.۲.الدّر المنثور ۵ / ۳۲۸.

۵- [۵]

سوره شورا

۱۰۱ــ (قل لااسئلکم علیه اجرآ الّا المودّه فی القربی)

(شوری / ۲۳)

(بگو من هیچ پاداشی از شما مردم (برای خدمت رسالتم) نمی خواهم جز دوست داشتن نزدیکانم و (اهل بیتم).)

احمد بن حنبل نقل می کند که از رسول خدا سؤال شد نزدیکان شما چه کسانی هستند؟ فرمودند: علی و فاطمه و فرزندانشان.: (۱)

سوره زخرف

۱۰۲ــ (و جعلها کلمه باقیه فی عقبه لعلّهم یرجعون)

(زخرف / ۲۸)

(و خداوند یکتاپرستی را کلمه ی پاینده ای در تمامی نسلهای بعدی او قرار داد. شاید مردمان (به واسطه ی این پرچم هدایت) به سوی خدا بازگردند.)

امام علی علیه السلام فرمودند: این آیه و آیه ۶ سوره احزاب (و اولوا الارحام بعضم اولی ببعض فی کتاب اللّه) درباره ما نازل گردیده است زیرا امامت به دنبال امام حسین علیه السلام در نسل فرزندانش تا روز قیامت محفوظ خواهد ماند. امام غائب از نسل او دو غیبت خواهد داشت که یکی از آن دو، طولانی تر و درازتر از دیگری خواهد بود.(۲)

۱۰۳ــ (فامّا نذهبنّ بک فانّامنهم منتقمون) (زخرف / ۴۱)

(هرگاه تو را از میان آنها ببریم، حتمآ از آنان انتقام خواهیم گرفت.)

جابربن عبداللّه انصاری گوید: در حجه الوداع در منی نزدیک تر از دیگران نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودم که فرمود: می بینم عده ای از شما را که بعد از من کافر می شوید و به جان یکدیگر می افتید. قسم به خدا خواهید دید مرا که با شمشیر، گردن ها و صورت های شما را مضروب سازم.

سپس به پشت سر خود توجه نمود و افزود: یا اینکه علی کار شمشیر زدن را انجام خواهد داد. پیامبر، سه مرتبه اسم علی را تکرار نمود.

سپس جبرئیل آمد و این آیه را نازل کرد.(۳)

محمد بن العباس روایت می کند که محمدبن ربیع گفت : سوره ی زخرف را به یوسف ارزق قرائت کردم تا به

۱- احقاق الحق ۳/ ۳۰۴؛ تفسیر جامع ۶ / ۲۰۶؛ مجع البیان ۵ / ۲۷؛ نمونه۲۰ / ۴۰۷؛ مستدرک الصحیحین ۳/۱۷۲؛الدرالمنثور ۶ / ۷؛ تفسیر کبیر ۶ / ۷؛ روحالمعانی ۲۵ / ۳۰.۱. البرهان فی تفسیر القران ۴ / ۱۳۸.

۲- [۲]

۳- تفسیر مجمع البیان ۲۲ / ۲۳۰.

این آیه رسیدم، به من گفت: ای محمـد! صبر کن. من هم توقف کردم. ارزق افزود : این سوره را بر اعمش(۱) قرائت کردم: چون به این آیه رسیدم به من

گفت: ای یوسف! آیا می دانی این آیه درباره چه کسی نازل شـده است؟ گفتم: خـدا بهتر می داند. گفت: درباره ی علی بن ابیطالب نازل گردیده و خداوند می فرماید ما به وسیله ی علی انتقام خواهیم گرفت.(۲)

۱۰۴_ (ام ابرموا امرآ فانّا مبرمون.)(۳) (زخرف / ۷۹)

(بلکه آن ها تصمیم محکم (بر توطئه) گرفتند، ما نیز اراده ی محکمی (درباره ی آنان) داریم.)

امام صادق علیه السلام درباره ی این آیه و آیه بعدی فرمود: «درباره اهل البیت علیهم السلام نازل گردیده است.

بریده الاسلمی گفت: پیامبربه بعضـی ازاصـحاب فرمود : برای علی به عنوان امیرمؤمنان درود فرستید وسلام کنید. مردی از آن میـان برخـاست و گفت: نه، به خـدا سوگنـد هرگز نبوت و امـامت در یک خانواده جمع نشود. سـپس این آیه و آیه بعـد نازل گردید.

عبـداللّه بن عباس گویـد: رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم درباره ی امامت علی علیه السـلام و ولایت او، دو بار از مردم میثـاق و عهـد و پیمان گرفت؛ یک بار به آنان فرمود: آیا می دانیـد ولیّ شـما کیست؟ گفتنـد: خـدا و رسول او بهتر می دانـد. پیـامبر فرمود: ولیّ شـما صالـح المؤمنین است و بـا دست اشاره به علی بن ابیطالب فرمود. بار دوم روز غـدیر خم بوده است که فرمود :

«من کنت مولاه فهذا علی مولاه».

اما عده ای (منافق) در دل های خویش عهد بستند که این موضوع مهمّ و خطیر را به خانواده ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم واگذار نکنند و مانع ولایت و امامت علی علیه السلام شوند. خداوند، رسول خویش را از این نیات پلید و سرّ آنان مطلع فرمود. آنگاه این آیه و آیه بعد نازل گردید.(۴)

سوره احقاف

۱۰۵_(و وصیّنا الانسان بوالدیه احسانآ حملته کُرهآ)

(احقاف / ۱۵)

(ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند که مادرش او را با ناراحتی حمل کرد.)

شأن نزول این آیه به خاطر ولادت امام حسین علیه السلام است.

ص:۵۰

۱- سلیمان اعمش، تابعی برجسته که نظرات او در تفسیر قرآن، در نظر اهلسنت، اعتبار ویژه ای دارد.۳. البرهان فی تفسیر قرآن ۴ / ۱۴۴.

۲- [۲]

۳- «اَم» در آیه ی فوق، منقطعه است یعنی «بل». و «ابرام» به معنی تابیدن ومحکم کردن است (نمونه ۲۱ / ۱۲۴).

۴- البرهان فی تفسیرالقرآن ۵ / ۱۵۴.

امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی فاطمه علیها السلام به حسین علیه السلام حامله گردید؛ جبرئیل نزد رسول خدا آمد و گفت: یا رسول اللّه! فاطمه صاحب پسری خواهد گردید که بعدها به دست امت تو کشته خواهد شد. براساس همین اطلاع، فاطمه علیها السلام در حین بارداری و وضع حمل همواره در حالت ناراحتی و نگرانی بود. برای همین منظور و حالت، این آیه نازل شد.(۱)

سوره محمّد صلی الله علیه و آله و سلم

۱۰۶ــ (ام حسب الّذین فی قلوبهم مرض أن لن یخرج الله أضغانهم) (محمد صلی الله علیه و آله و سلم / ۲۹)

(آیا کسانی که در دل هایشان بیماری است پنداشتند که خداوند، کینه های درونی آن ها را آشکار نمی سازد؟)

امام باقر علیه السلام فرمود: وقتی رسول خدا در روز عید غدیر خم، علی علیه السلام را به ولایت و امامت منصوب فرمود، عده ای گفتند : پیامبر می خواهد با گرفتن زیر بازوی پسرعموی خود، او را بلندمرتبه گرداند. سپس خداوند، این آیه را بر رسول خویش نازل فرمود(۲)

۱۰۷ ــ (و لو نشآء لاریناکهم فلعرفتهم بسیماهم و لتعرفنّهم فی لحن القول. واللّه یعلم اعمالکم)

(محمد صلی الله علیه و آله و سلم / ۳۰)

(و اگر ما بخواهیم، آن ها را به تو نشان می دهیم تا آنان را با قیافه هایشان بشناسی، هرچند می توانی آن ها را از طرز سخنانشان بشناسی. و خداوند، اعمال شما را می داند.)

ــ از ابوسعید خدری درخصوص این آیه آمده است : «ببغضهم علیّ بن ابیطالب» یعنی: به واسطه ی کینه ی آن ها از علی بن ابیطالب علیه السلام (آن ها را بشناسی و از نفاقِ درونی آن ها آگاه شوی). ابن مردویه از ابن مسعود روایت می کند: ما منافقین را در زمان رسول خدا نمی شناختیم مگر از روی دشمنی ایشان با علی بن ابیطالب علیه السلام . (۳)

سوره فتح

۱۰۸ــ (انّ الّذین یبایعونک انّما یبایعون اللّه) (فتح / ۱۰)

(کسانی که با تو بیعت می کنند، (در حقیقت) دست بیعت، تنها به خدا می دهند.)

۱- البرهان فی تفسیر القرآن ۵ / ۱۷۴.

۲- نمونه ۲۱ / ۴۷۹.

۳- الدر المنثور ۶ / ۶۶. مضـمون این حدیث را جمعی از بزرگان اهل سنتدر کتاب های خود نقل کرده اند، از جمله احمد در کتاب «فضائل»، ابن عبـدالبر در«استیعاب»، ذهبی در «تاریـخ دول الاسـلام»، ابن اثیر در «جامع الاصول»، علامهگنجی در «کفایه الطالب»، «محب الدین طبری در «ریاض النضره»، سیوطی در «الدرالمنثور»، آلوسی در «روح المعانی» و گروه دیگری در کتاب هـای خود آورده انـد. زیرا ازروایـات مسـلمی است که از پیغمبر گرامی اسـلام نقـل شـده است. (برای توضـیح بیشتربه کتـاب «احقاق الحق» ۳ / ۱۱۰ مراجعه شود).

ـ این آیه درباره ی اهل حدیبیه نازل گردیده است. جابر گوید: ما، در روز حدیبیه چهارصد نفر بودیم. پیامبر فرمود: شما امروز از بهترین افراد روی زمین هستید. ما آن روز در زیر آن درخت با رسول خدا بیعت کرده بودیم که تا پای جان و تا سرحد مرگ با او باشیم. سزاوارترین فرد درباره ی مدلول این آیه علی بن ابی طالب است؛ زیرا پس از آن، جنگ خیبر پیش آمد که با دست توانای علی علیه السلام فتح و پیروزی نصیب مسلمانان گردید.(۱)

سوره حجرات

۱۰۹ـ (انّما المؤمنون الّذین آمنوا بالله و رسوله)(حجرات /۱۵)

(همانا مؤمنان واقعی کسانی اند که به خدا و رسول او ایمان آورند.)

قمی گوید:این آیه درشأن امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است.(۲)

سوره ق

۱۱۰ـ (القیا فی جهنّم کلّ کفّار عنید.) (ق / ۲۴)

((خداوند فرمان می دهد:) امروز هر کافر متکبّر لجوج را در جهنم افکنید!)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: این آیه درباره ی من و علی بن ابی طالب نازل گردیده است. هنگامی که روز قیامت برپا شود، خداوند من و علی را شفاعت خواهد کرد. سپس خطاب به ما فرماید: کسانی را که با شما دو نفر دشمنی ورزند، به جهنم فرستید. و کسانی را که دوستدار شما باشند، به بهشت وارد کنید.(۳)

در مجمع البیان از ابی سعید خدری روایت نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چون روز قیامت شود، خدای تعالی به من و علی فرمان دهد هرکس شما را به خشم آورده، در آتش افکنید و هرکس خشنودتان ساخته، داخل بهشت سازید.(۴)

سوره طور

۱۱۱ـ (والّذین آمنوا و اتّبعتهم ذرّیتهم بایمان...)

(طور / ۲۱)

(و کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردند...)

ابن عباس گوید: این آیه درباره ی رسول خدا و علی مرتضی و فاطمه و حسن و حسین : نازل شده است.(۵)

۱- البرهان فی تفسیرالقرآن ۵/۱۹۶.۲.تفسیرعلی بن ابراهیم۲/۳۲۲.

۲- [۲]

۳- [۳] .امالی شیخ طوسی ۳۴/۱۰۰.۲. مجمع البیان ۹/۱۴۷.

۴- [۴]

۵- البرهان فی تفسیر القرآن ۵ / ۲۴۱.

سوره نجم

۱۱۲ _ (و النّجم اذا هوی، ما ضلّ صاحبکم و ما غوی، و ما ینطق عن الهوی، ان هو الّا وحیٌ یوحی.)

(نجم /۴_۱)

(سوگند بر ستاره هنگامی که افول می کند، که هرگز دوست شما محمد صلی الله علیه و آله و سلم منحرف نشده و مقصد را گم نکرده است، و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید، آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست.)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من سید الناس هستم و در این باره فخری بر من نیست و علی سید المؤمنین است. بار خدایا! دوست بدار کسی را که علی را دوست بدارد و دشمن بدار کسی را که علی را دشمن بدارد. شخصی از قریش گفت: محمد درصدد تحسین و تعریف پسرعموی خویش است. سپس این آیات نازل گردید و نشان داد که گفتار پیامبر درباره ی امیرالمؤمنین، از روی هوی و هوس نبوده بلکه وحی پروردگار است.(۱)

سوره الرّحمان

۱۱۳_ (مرج البحرین یلتقیان... یخرج منها اللؤلؤ و المرجان) (الرّحمان ۱۹ و ۲۳)

((خداست که دو دریای مختلف (شور و شیرین، گرم و سرد) را در هم آمیخت... و از آن دو دریا، لؤلؤ و مرجان بیرون می آید.)

_ سیوطی از انس بن مالک روایت می کند که مراد از «مرج البحرین یلتقیان» علی و فاطمه ۸ و ازدواج آن دو بزرگوار است، و «یخرج منها اللؤلؤ و المرجان» ولادت حسن و حسین علیهما السلام است.(۲)

۱۱۴_ (یعرف المجرمون بسیماهم فیؤخذ بالنّواصی و الاقدام.) (الرّحمان / ۴۱)

(مجرمان از چهره هایشان شناخته می شوند؛ آنگاه آن ها را از موهای پیش سر، و پاهایشان می گیرند (و به دوزخ می افکنند))

امام صادق علیه السلام فرمود: آیه درباره امام قائم علیه السلام نازل شده که مجرمان را پس از ظهور، از چهره های آنها شناخته و به کیفر خواهد رسانید.(۳)

سوره حدید

۱۱۵ _ (الم یأن للّذین آمنوا ان تخشع قلوبهم لذکر اللّه و ما نزل من الحقّ ولایکونوا کالّذین اوتوا الکتاب من قبل فطال علیهم الامد فقست قلوبهم و کثیر منهم فاسقون. اعلموا انّ الله یحیی الارض بعد موتها...)

(حدید /۱۶_ ۱۷)

(آیـا وقت آن نرسـیده است که دل هـای مؤمنان در برابر یاد خـدا و آنچه از حق نازل شـده است، خاشع گردد وماننـد کسانی نباشند

ص:۵۳

۱- الدر المنثور ۶ / ۱۲۲.

۲- الدر المنثور ۶ / ۱۴۲.

۳- تفسیر المیزان ۵ / ۵۶۰.

که در گذشته به آنها کتاب آسمانی داده شد، سپس زمانی طولانی بر آن ها گذشت و قلبهایشان قساوت پیدا کرد؟ و بسیاری از آن ها گنهکارند. بدانید که خداوند، زمین را پس از مرگ آن حیات می بخشد... .)

امام صادق علیه السلام می فرماید: این قسمت از آیه (و لایکونوا کالذین اوتوا الکتاب من قبل فطال علیهم الامد) مربوط به اهل زمان غیبت امام قائم علیه السلام است. «امد»، یعنی دوری زمان غیبت و روزهای آن. و بعد از غیبت طولانی، در عصر ظهور، زمین به وسیله ی عدالت مهدی (عج) زنده شود بعد از آن که با جور مرده باشد.(۱)

۱۱۶_ (ما اصاب من مصیبه فی الارض ولا فی انفسکم الّا فی کتاب... ؛ لکیلا تاسوا علی مافاتکم ولا تفرحوا بما آتاکم...) (حدید / ۲۳ _ ۲۲)

(هیچ مصیبتی (ناخواسته) در زمین و در وجودتان روی نمی دهد، مگر آن که در کتاب (قضا) نوشته شده است... به خاطر آن که برای آنچه از دست داده اید تأسف نخورید، و برای آنچه به دست می آورید شادمان نباشید...)

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که سرِ مبارک حسین بن علی علیه السلام را نزد یزید بن معاویه آوردند، علی بن الحسین علیه السلام و دختران امیرالمؤمنین را نیز به بارگاه یزد بردند، در حالی که دست و کتف علی بن الحسین علیه السلام به غل و زنجیر بسته بود. یزید، به عنوان شماتت به علی بن الحسین علیه السلام رو کرد و گفت: شکر و سپاس خدایی را که پدر ترا به قتل رسانید. زین العابدین علیه السلام در پاسخ او فرمود: لعنت خدا بر کسانی باد که چنین قتل ناروایی را مرتکب شدند.

سپس یزید این آیه را خواند: «ما اصابکم من مصیبه فبما کسبت ایدیکم»، یعنی آن چه رنج و مصیبت به شما رسد، پیامد اعمالی است که انجام داده اید. علی بن الحسین علیه السلام فرمود: ای یزید! این آیه درباره ی ما نازل نشده، بلکه این آیات (ما اصاب... آتاکم) درباره ی ما نازل شده است. امام سجاد علیه السلام پس از تلاوت آیات، فرمود: زیرا ما از کسانی هستیم که اگر چیزی از ما در این دنیا از دست برود، دلتنگ و آزرده خاطر نمی شویم. و اگر اقبال و خوبی به ما برسد، دلخوش و فریفته نگردیم.(۲)

سوره مجادله

۱۱۷_ (یا ایّها الّذین آمنوا اذا ناجیتم الرّسول فقدّموا بین یدی نجواکم صدقه...) (مجادله / ۱۲)

(ای کسانی که ایمان آورده اید!هنگامی که می خواهیدبا رسول خدا نجوی کنید، قبل از آن صدقه ای (در راه خدا) بدهید...)

جمعی از اغنیاء خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می آمدند و با او نجوی می کردند. این کار، علاوه بر این که وقت گرانبهای پیغمبر۶ را می گرفت، مایه ی نگرانی فقرا و موجب امتیازی برای اغنیاء بود. برای چنین حالتی خداوند آیات فوق را نازل کرد و به آن اغنیاء دستور داد تا قبل از نجوی کردن با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صدقه ای به مستمندان بپردازند. اغنیاء وقتی چنین دیدند، از نجوی خودداری کردند، جز یک نفر و او امیرالمؤمنان علی علیه السلام بود، چنان که خود

حضرت علی علیه السلام می فرماید: آیه ای در قرآن است که احدی قبل از من و بعد از من به آن عمل نکرده است و نخواهد کرد،

۱- روضه ی کافی به نقل نورالثقلین ۵ / ۲۴۳.

۲- تفسیر علی بن ابراهیم به نقل نورالثقلین ۵ / ۲۴۷؛ روح البیان ۹ / ۳۷۵.

من یک دینار داشتم، آن را به ده درهم تبدیل کردم(۱) و هر زمان می خواستم

با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نجوا کنم، درهمی را صدقه می دادم.(۲)

سوره حشر

۱۱۸_ (ما افاء اللّه علی رسوله من اهل القری فلله و للرسول و لذی القربی...)(حشر / ۷)

(آنچه را خداوند، از اهل این آبادی ها به رسولش بازگرداند، برای خدا و رسول و ذی القربی است...)

امام باقر علیه السلام فرمود: این آیه به طور خصوص درباره ی ما نازل گردیده است، زیرا آنچه مربوط به خدا و رسول اوست، اختصاص به ما دارد که اولوالقربی یا خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بنی هاشم هستیم. آنان از گرفتن زکات که جزء اموال عمومی مسلمانان است محرومند.(۳)

در مجمع البیان از منهال بن عمر روایت کرده که امام علی بن الحسین علیه السلام فرمود: منظور از ذی القربی و یتامی و مساکین و ابن السبیل در آیه ی «ولذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل»، قربای ما، و مسکینان ما، و ابن السبیل ماست.(۴)

سوره تحریم

۱۱۹_ (... فان اللّه هو مولاه و جبریل و صالح المؤمنین...) (تحریم / ۴)

(خداوند، یاور اوست. جبرئیل و مؤمنان صالح (نیز به یاری او می شتابند).)

امام باقر علیه السلام فرمود: منظور از صالح المؤمنین در این آیه ی شریفه، علی بن ابی طالب علیه السلام است.(۵)

سیوطی از ابوجعفر روایت کرده است: هنگامی که این آیه نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دست علی کرم اللّه تعالی وجهه را گرفته و فرمودند : یا ایها الناس هذا صالح المؤمنین.(۶)

سوره ملک

۱۲۰_ (فلمّا راوه زلفه سیئت وجوه الّذین کفروا...)(ملک / ۲۷)

(هنگامی که کافران آن (عذاب وعده ی الهی) را از نزدیک ببینند، صورت آن ها زشت و سیاه می گردد.)

حاکم حسکانی می گوید: هنگامی که کافران، مقامات علی علیه السلام را که در دنیا تکذیب می کردند، نزد خداوند ببینند،

۱- یک دینار طلا در آن زمان، معادل با ده درهم نقره بوده است.

۲- تفسیر طبری ۲۸ / ۱۵؛ البیان فی تفسیر القرآن ۱ / ۳۷۵.

۳- نمونه ۲۳ / ۵۰۴.

۴- مجمع البیان ۹ / ۲۶۱.

۵- تفسیر قمی ۲ / ۳۷۷.

۶- الدر المنثور ۶ / ۲۴۴.

صورت های آنها از شدت خشم و غضب، سیاه می شود.(۱)

۱۲۱_ (قل أرأیتم ان اصبح مآؤکم غورآ فمن یاتیکم بماءٍ معین) (ملک / ۳۰)

((ای پیامبر) بگو: «به من خبر دهید اگر در یک صبحگاهان ببینند آب های (سرزمین) شما که مایه ی حیات شماست در زمین فرو رود، چه کسی می تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد؟!)

_ در روایاتی که از ائمه اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده، آیه ی اخیر به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و عدل جهان گستر او تفسیر شده است؛ از جمله در حدیثی از امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می خوانیم:

«نزلت فی الامام القائم علیه السلام بقول ان اصبح امامکم غائبآ عنکم لا تدرون این هو؟ فمن یأتیکم بامام ظاهر یأتیکم باخبار السموات و الارض، و حلال اللّه و حرامه، ثم قال: واللّه ما جاء تأویل هذه الایه، ولا بدّ ان یجییء تأویلها.

یعنی: «این آیه درباره امامی نازل شده است که قیام به عدل الهی می کند.

اگر امامتان از شما پنهان گردد و نمی دانید کجاست؟ چه کسی برای شما امامی می فرستد که اخبار آسمان ها و زمین و حلال و حرام خدا را برای شما شرح دهد.» سپس حضرت فرمودند: به خدا سوگند تأویل این آیه هنوز نیامده است و به یقین تأویل آیه خواهد آمد.(۲)

روایات در این زمینه فراوان است و باید توجه داشت که همه از بابت تطبیق است و به تعبیر دیگر ظاهر آیه مربوط به آب جاری است که مایه ی حیات موجودات زنده است و باطن آیه مربوط به وجود امام و علم و عدالت جهان گستر اوست که آن نیز مایه حیات جامعه ی انسانی است.(۳)

سوره قلم

۱۲۲_ (و انّک لعلی خلق عظیم * فستبصر و یبصرون * بایّیکم المفتون * انّ ربّک هو اعلم بمن ضلّ عن سبیله و هو اعلم بالمهتدین) (قلم/ ۷ _ ۴)

(و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری. و بزودی تو می بینی و آنان نیز می بینند. که کدام یک از شما مجنونید. پروردگارت بهتر از هرکس می داند چه کسی از راه او گمراه شده، و هدایت یافتگان را بهتر می شناسد.)

_ منظور این بوده که دین اسلام بر کمال هر خلق پسندیده هست و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دارای آن بوده.(۴)

در مجمع البیان به سندی که به حاکم رسیده و او با سندی که به ضحاک رسانده روایت کرده که وقتی قریش دیدند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام را بر سایرین مقدم داشت و او را بزرگ داشت. به بدگویی از علی علیه السلام پرداختند و گفتند: محمد مفتون علی شده است.

خدای تعالی در پاسخ آنان این آیات را نازل فرموده که ای پیامبر ما! تو مفتون و مجنون نیستی و بهتر از هرکس

۱- مجمع البیان ۱۰ / ۳۳۰.

۲- نورالثقلین ۵ / ۳۸۷.

۳- نمونه ۲۴ / ۳۶۰.

۴- تفسیر قمی ۲ / ۳۸۲.

به هدایت الهی، علی علیه السلام و عظمت او را می شناسی.(۱)

سوره حاقه

۱۲۳ــ (لنجعلها لکم تذکره و تعیها اذنٌ واعیه)

(حاقه / ۱۲)

(تا آن را وسیله تذکری برای شما قرار دهیم و گوش های شنوا آن را دریابد و بفهمد.)

بریده گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: یا علی! من مأمورم که به تو تعلیم بدهم و به تو نزدیک باشم و از تو دور نگردم و حق تست که آنچه به تو تعلیم می دهیم فراگیری. سپس این آیه نازل گردید. هنگامی که این آیه نازل شد پیامبر فرمودند: «اللهم اجعله اذن علی» یعنی خدایا آن گوشی که باید این حقایق را در خود جمع نماید گوش علی قرار بده.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرماید: از آن به بعد هیچ موضوعی را فراموش نمی کردم و هیچ حقایقی از آنچه پیامبر به من تعلیم می داد از یاد نمی بردم.

امام باقر علیه السلام فرمودند: رسول خدا به خانه ی علی علیه السلام رفت و فرمود یا علی! امشب این آیه بر من نازل شد و من از خدا خواستم که گوش ترا مصداق این آیه قرار بدهد.(۲)

۱۲۴ــ (... یحمل عرش ربک فوقهم یومئذٍ ثمانیه.)

(حاقه / ۱۷)

(عرش پروردگارت را آن روز هشت نفر حمل می کنند.)

در تفسیر قمی آمده امام علیه السلام فرمودند: عرش را هشت نفر حمل می کنند؛ چهار نفر از اولین و چهار نفر از آخرین. اما چهار نفر اولین عبارتند از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی : و چهار نفر آخرین عبارتند از محمد و علی و حسن و حسین :(۳) .

سوره معارج

۱۲۵ــ (سأل سائل بعذاب واقع) (معارج / ۱)

(تقاضا کننده ای تقاضای عذابی کرد که واقع شد.)

ــ سفیان بن عینیه درباره ی این آیه از امام صادق علیه السلام سؤال کرد. امام فرمودند: در روز غدیرخم پیامبر در ضمن خواندن خطبه ی خود دست علی را بلند کرد فرمود: ای گروه مردم «من کنت مولاه فهذا علی مولاه اللّهم و آل من والاه و عاد

من عـاده» پس از انتشـار این کلاـم پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم ، حارث بن نعمان الفهری سوار ناقه ی خویش شـد و نزد رسول خدا آمد و گفت: ای بنده ی خدا! ما را به یکتایی پروردگار خود دعوت کردی پذیرفتیم؛ سپس به نبوت

۱- مجمع البیان ۱۰ / ۳۳۴ و ترجمه تفسیرالمیزان ۱۹ / ۶۳۱.

۲- مجمع البیان ۲۲ / ۲۹۹.

۳- تفسیر قمی ۲ / ۳۸۴.

خـود دعوت نمودی آن را نیز نپـذیرفتیم؛ و بعـد به مـا گفـتی نمـاز بخوانیم و روزه بگیریم آن را هم انجـام دادیم؛ و بعـد به ما گفتی به حـج بپردازیم آن را نیز انجام دادیم؛ الان به ما می گویی که علی بن ابی طالب را بر ما ولی قرار دادی. آیا این گفتار از جـانب خودت است یـا خـدای تو؟ پیـامبر فرمود: مقـام ولـایت علی از جـانب پروردگـار است و این جواب را سه بـار تکرار فرمود. در مقابل این کلام حارث بن نعمان الفهری به خشم و غصب افتاد و گفت : خـدایا اگر این گفتار محمد راست باشد از آسـمان بر سـر ما سـنگی بباران و عذاب خود را بر ما برسان و اگر دروغ باشد عذاب خود را بر او نازل گردان و بعد سوار ناقه شد و به راه افتاد. سپس سنگی بر سر او فروافتاد و در دم جان سپرد و این آیه و آیات ۲ و ۳ سوره نازل گردید.(۱)

سوره جن

۱۲۶ــ (قل انّی لا املک لکم ضرآ و لا رشدآ) (جن / ۲۱)

(بگو: من مالک زیان و هدایتی برای شما نیستم.)

محمـدبن یعقوب کلینی نقل نمایـد که پیامبر مردم را به ولایت علی بن ابی طالب فراخوانـد. قریش نزد او جمع شدنـد و گفتند ای محمـد ما را از گرویـدن بولایت علی معاف بدارد. پیامبر فرمودند: این از دسـتورات پروردگارت است. آنان پیامبر را متهم نمودند که از جانب خود اوست و از نزد وی بیرون رفتند. سپس این آیه نازل گردید.(۲)

سوره مدثر

۱۲۷ــ (کل نفس بما کسبت رهینه * الا اصحاب الیمین)

(مدثر / ۳۹ ــ ۳۸)

((آری) هرکس در گرو اعمال خویش است. مگر اصحاب یمین (که نامه ی اعمالشان را به نشانه ی ایمان و تقوایشان به دست راستشان می دهند).)

ــ در ذیل آیه در تفاسیر وجوه متعددی برای اصحاب یمین شمرده شده است. فخررازی می گوید: مراد از اصحاب یمین، علی بن ابی طالب علیه السلام است.(۳)

سوره انسان

۱۲۸ــ (انّ الابرار یشربون من کاس * عینآ یشرب بها عباداللّه * یوفون بالنذر * و یطعمون الطعام علی حبه مسکینآ

۱- مجمع البیان ۱۰ / ۳۵۲ و الدر المنثور ۶ / ۲۶۳ و المیزان ۲۰ / ۱۴.

۲- نمونه بیانات ۸۳۸ به نقل از تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن.

۳- جامع البیان ۳۰ / ۲۱۰.

و یتیماً و اسیراً * انّما نطعمکم لوجه اللّه لا نرید منکم جزاءً و لا شکوراً) (انسان / ۹ _ ۵)

(به یقین ابرار و (نیکـان) از جامی می نوشـند که با عطر خوشـی آمیخته است. از چشـمه ای که بنـدگان خاص خـدا از آن می نوشـند. آن هـا به نـذر خود وفا می کننـد... و غـذای خود را با این که به آن علاقه و (نیاز) دارنـد برای رضا و دوستی خـدا به مسـکین و یتیم و اسـیر می دهنـد. (می گوینـد) ما شـما را به خاطر خـدا اطعام می کنیم و هیـچ پاداشـی و سپاسـی از شـما نمی خواهیم.)

_ ابرار کسانی هسـتند که عمل خیر را به خاطر ایمان به خدا و رسول او و روز جزا انجام می دهند، زیرا ایمانشان ایمان رشد و بصـیرت است. مفسـرین خاصه و عامه روایت کنند که این آیات درباره ی علی و فاطمه و حسن و حسـین :نازل گردیده اسـت زیرا آنان مسـکین و یتیم و اسیر را در سه شب با غذای افطاری خود سیر کردند و خود گرسنه ماندند. خداوند با این آیات آن ها را ستایش فرمود و این سوره را به خاطر آن ها نازل گردانید.(۱)

۱۲۹_ (انّ هذه تذکره فمن شاء اتّخذ الی ربه سبیلا)(انسان / ۲۹)

(این یک تذکّر و یادآوری است، و هر کس بخواهد (با استفاده از آن) راهی به سوی پروردگارش برمی گزیند.)

در روایت از معصـوم علیه السـلام در مـورد «انّ هـذه تـذکره» نقـل شـده است که منظـور ولایـت است که به وسـیله ی آن راه حرکت به سوی پروردگار هموار می شود.(۲)

۱۳۰_ (یدخل من یشاء فی رحمته و الظّالمین اعدّ لهم عذاباً الیماً) (انسان / ۳۱)

(هرکس را بخواهـد (و شایسته بدانـد) در دریـای رحمت خود وارد می کنـد، و برای ظالمـان عـذاب دردنـاکی آمـاده ساخته است.)

در مورد آیه مزبور از معصوم سؤال شـد. فرمودنـد: رحمت الهی «ولایـت مـا» است که خـدا هرکس را بخواهـد در این ولایت

داخل می نماید.[(۳)] همچنین فرمودند: کسانی که از رحمت الهی و

ولایت الهی دور می شوند، به خود ظلم می کنند و جزای آن نیز عذاب دردناک آخرت می باشد.

سوره مطففین

۱۳۱ـ (انّ الّذین اجرموا کانوا من الّذین آمنوا یضحکون) (مطففین / ۲۹)

(بدکاران (در دنیا) پیوسته به مؤمنان می خندند.)

محمدبن العباس بعد از دو واسطه از امام صادق علیه السلام نقل می کند که از این آیه تا آخر سوره درباره ی علی مرتضی علیه السلام و افرادی از بنی امیه و منافقین که او را مسخره می کردند نازل گردیده است. افراد قریش از اصحاب رسول خدا عیب جویی می کردند و آن ها را مسخره می کردند تا این که روزی علی بن ابیطالب بر آن ها گذشت؛ به او

۱- تفسیر قمی ۲ / ۳۹۸ و امالی ۲۱۲ و مناقب ۲۷۲ المیزان ۲۰ / ۲۱۴ والدر المنثور ۶ / ۲۹۹.

۲- اصول کافی ۲ / ۳۱۵.

۳- اصول کافی ۲ / ۳۱۶ و کنزالدقائق ۱ / ۱۳۸.

خندیدند و مسخره کردند و گفتند این شخص برادر محمد است. سپس این آیه نازل گردید.(۱)

سوره ضحی

۱۳۲ـ (و لسوف یعطیک ربّک فترضی) (ضحی / ۵)

(بزودی پروردگارت آن قدر به تو عطا خواهد کرد که خشنود شوی.)

آورده اند که رسول خدا بر فاطمه وارد شد درحالی که او با آسیاب آرد فراهم می کرد و پوششی از پوست شتر بر دوش خود انداخته بود؛ پس هنگامی که رسول خدا او را در این حال مشاهده نمود فرمود :

فاطمه جان گرمی و حرارت دنیا را جرعه جرعه بنوش تا به نعیم و بهشت آخرت برسی. آن گاه خداوند آیه فوق را نازل فرمود.(۲)

سوره انشراح

۱۳۳ـ (فاذا فرغت فانصب) (انشراح / ۷)

(پس هنگامی که از کار مهمی فارغ می شوی به مهم دیگری پرداز.)

محمدبن العباس با چهار واسطه از امام صادق نقل نماید که فرمود: این آیه درباره ی نصب علی بن ابیطالب علیه السلام به ولایت و سرپرستی نازل شده است که ای رسول ما هنگامی که از اعمال حج فارغ و آسوده شدی، علی را برای ولایت جهت مردم نصب فرمای.(۳)

سوره بیّنه

۱۳۴ـ (انّ الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات اولئک هم خیر البریه) (بیّنه/ ۷)

(هر آینه آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند آن جماعت بهترین خلق هستند.)

از یزیدبن شراحیل انصاری کاتب و منشی حضرت علی علیه السلام روایت شد که گفت از علی علیه السلام شنیدم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: افراد موردنظر خدا در آیه فوق، تو و شیعیان تو هستند. میعاد من و شما کنار حوض کوثر است.(۴)

درامالی ازجابرروایت شده است که حضورپیغمبربودم؛ امیرالمؤمنین علیه السلام واد شد.پیغمبرباخشنودی فرمود:علی آمد.آنگاه توجهی به خانه کعبه نمودوبادست مبارک اشاره کردوفرمود:به خدائی که جانم دردست قدرت اوست،روزقیامت

علی و شیعیان او رستگاران عالمند. سپس فرمود:علی ازحیث ایمان اول شما است.

ص:۶۰

۱- مجمع البیان ۱۰ / ۴۵۷ و تفسیر کشاف ۴ / ۷۲۴ و تفسیر قمی ۲ /۴۱۲ و تفسیر کبیر ۱ / ۱۰۲.

۲- الدر المنثور ۶ / ۳۶ و کشف الاسرار ۱۰ / ۵۲۴.

۳- نمونه بینات / ۸۶۹.

۴- شواهد التنزیل ۱ / ۳۵۶.۲. تفسیر عمومی جامع ۷ / ۴۶۴.

هروقت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حضرت علی علیه السلام را می دید می فرمود : خیرالبریه آمد و چون آیه ی فوق نازل شد فرمود: یا علی! مراد از آیه تو هستی و شیعیانت، وعده گاه تو و آن ها فردای قیامت کنار حوض کوثر است.(۱)

سوره القارعه

۱۳۵_ (فامّا من ثقلت موازینه _ فهو فی عیشةٍ راضیةٍ)

(القارعه / ۷ _ ۶)

(پس هرکس در آن روز میزان اعمال نیکش در دادگاه عدل الهی سنگین است، در یک زندگی خشنود کننده در بهشت خواهد بود.)

محمدبن العباس بعد از دو واسطه از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و ایشان از اجداد گرامی خود نقل فرمایند که این آیات درباره ی علی بن ابیطالب علیه السلام نازل گردیده است.(۲)

سوره تکاثر

۱۳۶_ (ثم لتسئلنَّ یومئذ عن النّعیم) (تکاثر / ۸)

(سپس در آن روز (همه ی شما) از نعمت هایی که داشته اید بازپرسی خواهید شد.)

آلوسی درذیل این آیه آورده است:ازابوحنیفه سؤال شد منظورازنعیم چیست؟ پاسخ داد: مراد از نعیم اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستند که خداوند به بندگان خود انعام کرده است.(۳)

در بعضی از روایات آمده است نعیمی که بشر از آن بازخواست می شود رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم است که خداوند او را بر همه اهل عالم انعام کرد تا از گرداب ضلالت نجاتشان دهد. در هر حال آنچه به عنوان نعمت بزرگ الهی قطعاً مورد بازخواست قرار می گیرد، نعمت هدایت الهی است که به واسطه ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه : این هدایت عرضه شده است.(۴)

سوره عصر

۱۳۷_ (والعصر * انّ الانسان لفی خسر * الّا الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات) (عصر / ۳ _ ۱)

(به عصر سوگند، که انسان ها همه در زیانند. مگر کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند.)

ابن مردویه از ابن عباس در تفسیر آیه ی (والعصر انّ الانسان لفی خسر) گفت: منظور از این انسان ابوجهل بن

۱- [۱]

۲- البرهان فی تفسیر القرآن ۴ / ۴۹۸.۲. روح المعانی ۳۰ / ۲۲۶.

۳- [۳]

۴- تفسیر برهان ۴ / ۵۰۲.

هشام است. همچنین در تفسیر آیه ی (الّا الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات) گفت : منظور علی و سلمان می باشند.(۱)

در تفسیرقمی به سند خود از عبد الرحمان بن کثیر از امام صادق علیه السلام درتفسیرآیات سوره مزبور،مراد ازایمان،ایمان به ولایت علی علیه السلام وفرزندان معصوم او ومرادازتوصیه به حق، توصیه فرزندان ونسل های خویش به این ولایت تفسیر شده است.(۲)

ازعکرمه ازابن عبّاس نقل شده است که آن چه درقرآن با عبارت(الّذین آمنواوعملوا الصالحات)آمده،جزاین که علی علیه السلام امیر ایمان آورندگان و شریف ترین آن هاست منظور نیست و خداوند ملامت کرده کسی را که علی علیه السلام را یاد کند جز به خوبی.(۳)

ابن عبّاس می گوید: برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام ۱۸ منقبت و فضیلت وجود دارد که تنها یکی از آن ها در نجات و رستگاری او کافی بود. در روایات دیگر آمده است که علی را ۱۸ منقبت بود و هیچ کس دیگر از این امّت دارای مناقب او نبود.(۴)

سوره کوثر

۱۳۸_ (انّا اعطیناک الکوثر * فصلّ لربّک و انحر * انّ شانئک هو الابتر) (کوثر / ۳ _ ۱)

(ما به تو کوثر (خیر وبرکت فراوان) عطا کردیم . پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن. (و بدان که) دشمن تو قطعاً بریده نسل است.

از آنجا که مشرکان، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به دلیل وفات فرزندان پسرش مورد شماتت قرار داده، ابتر خطاب می کردند. خدای تبارک و تعالی با رد نسبت ابتر به مخالفان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، وی را صاحب کوثر اعلام نمود. مراد از کوثر اولاد و فرزندان رسول خداست. و معنی سوره این است که خداوند به او نسلی می دهد که در طول زمان باقی می ماند. خدای تبارک و تعالی از طریق وجود مبارک فاطمه ی زهرا علیها السلام نسل پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم را در سراسر عالم منتشر ساخت.(۵)

۱- الدر المنثور ۶ / ۳۹۲.

۲- المیزان ۲۰ / ۶۱۳.

۳- شواهد التنزیل ۱ / ۳۰.

۴- شواهدالتنزیل/ ۲۲.

۵- عترت رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم در کتاب خدا/ ۳۷ و آیات فوق هم چنین درتفاسـیر ذیل آمـده است: مجمع البیان ۵ / ۵۴۸ ـ تفسیر القمی ۲ / ۴۴۵ ـ نمونه ۲۷ /۳۷۱ ـ فرات کوفی ۱ / ۶۰۹ کنزالدقائق ۱۴ / ۴۵۹ ـ تفسیر المنیر ۸ / ۲۹۴ ـ منهجالصادقین ۱۰ / ۳۶۲.

ف_ص_ل دوم: بحث و بررسی پیرامون آیات

مق_دم_ه

در فصل قبل با بیش از ۱۴۰ آیه از آیات کتاب الهی آشنا شدیم که شأن نزول و یا تأویل آن ها براساس مدارك و مستندات شیعه و اهل سنّت، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت معصوم ایشان بودند. این تعداد آیات اشاره شده، تنها بخش اندکی از آیاتی بود که در بیان مقامات معصومین در قرآن کریم آمده است. توجه به تعدّد آیات، موضوعات و فرازهای تاریخی آن ها، خود حکایت از عنایت الهی در معرفی ویژی این بزرگان دارد و در واقع بیان و معرفی مقام امامت و ولایت اختصاص به ماه های واپسین عمر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و غدیر ندارد؛ بلکه این معرفی، همگام با تکوین و استحکام پایه های دین الهی، صورت گرفته است.

در این فصل به بررسی ده آیه شاخص در مورد اهل بیت علیهم السلام و توضیح آن ها و پاسخ به برخی شبهات اهل سنت در این خصوص می پردازیم.

آیه ی ایثار

اشاره

آی_ه ای_ثار(۱)

ص:۶۳

۱- برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: ۱ _ تفسیر روض الجنان و روح الجنان (۳ / ۱۵۷) ۲ _ تفسیر مجمع البیان (۱/ ۳۰۱) ۳ _ تفسیر گازر (۱/۲۵۷) ۴ _ تفسیر مواهب علیه (۱ / ۷۲) ۵ _ تفسیر منهجالصادقین (۱ / ۴۷۴) ۶ _ تفسیر شریف لاهیجی (۱ / ۱۹۲) ۷ _ تفسیر انوار درخشان(۲ / ۱۶۷) ۸ _ تفسیر جامع (۱ / ۳۱۹) ۹ _ تفسیر حجه التفاسیر (۳ / ۱۵۸) ۱۰ _تفسیر کشف الحقایق (۱ / ۱۴۴) ۱۱ _ تفسیر خسروی (۱ / ۲۶۷) ۱۲ _ تفسیر مخزنالعرفان (۲ / ۲۶۲) ۱۳ _ تفسیر المیزان (۲ / ۱۰۱) ۱۴ _ تفسیر آسان (۲ / ۱۰) ۱۵ _تفسیر عاملی (۱ / ۳۶۲) ۱۶ _ تفسیر روان جاوید (۱/۲۶۱) ۱۷ _ تفسیر نمونه (۲ /۴۶) ۱۸ _ تفسیر احسن الحدیث (۱ / ۳۷۶) ۱۹ _ تفسیر اطیب البیان (۲ / ۳۸۶) ۲۰ _تفسیر انوار العرفان (۴ / ۱۶) ۲۱ _ تفسیر راهنما (۲ / ۴۲) ۲۲ _ تفسیر روشن (۳ /۷۹) ۲۳ _ تفسیر طبری (۱/۲۴۲) ۲۴ _ تفسیر فرات کوفی (۱ / ۶۵) ۲۵ _ تفسیر قمی(۱ / ۷۱) ۲۶ _

تفسیر عیاشی (۱ / ۱۰۱) ۲۷ _ تفسیر التبیان (۲ / ۱۸۳) ۲۸ _ تفسیروجیز (۱ / ۱۷۶) ۲۹ _ تفسیر نهج البیان (۱ / ۲۷۸) ۳۰ _ تفسیر صافی (۱/۲۲۱) ۳۱ _تفسیر برهان (۱ / ۴۴۱) ۳۲ _ تفسر نورالثقلین (۱ / ۲۰۴) ۳۳ _ تفسیر کنزالدقائق (۲ /۳۰۵) ۳۴_ تفسیر شبر (۱ / ۳۲) ۳۵ _ تفسیر الجواهر الثمین (۱ / ۲۰۹) ۳۶ _ تفسیربیان السعاده (۱ / ۱۸۸) ۳۷ _ تفسیر مقتنیات الدرر (۲ / ۴۶) ۳۸ _ تفسیر مصطفیخمینی (۹ / ۲ / ۱۲۵) ۳۹ _ تفسیر جدید (۱ / ۲۴۵) ۴۰ _ تفسیر تقریب القرآن (۲ /۶۳) ۴۱ _ تفسیر فرقان (۳ / ۲۲۵) ۴۲ _ تفسیر من وحی القرآن ح(۴ / ۷۹) ۴۳ _تفسیر الکاشف (۱ / ۳۱۰) ۴۴ _ تفسیر الامثل (۱ / ۲۶) ۴۵ _ تفسیر منیر (۱ / ۲۷۲)۴۶ _ تفسیر من هدی القرآن (۱/۳۶۴) ۴۷ _ التفسیر الکبیر (۳ / ۲۲۱).

(و من النّاس من یشری نفسه ابتغاء مرضات اللّه و اللّه رءوف بالعباد) (بقره / ۲۰۷)

(بعضی از مردم جان خود را به خاطر خشنودی خدا عرضه می کنند (می فروشند) و خداوند نسبت به بندگان مهربان است.)

شأن نزول آیه

این آیه در شأن حضرت علی علیه السلام نازل گردیده است. هنگامی که مشرکان مکّه تصمیم بر قتل رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم داشتند، آن حضرت از شهر خارج شدند و به غار ثور پناه بردند. در آن شب مولای مؤمنان، برای نگهبانی از جان رسول گرامی و برای رفع سوء قصدی که کفار قریش به جان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در سر می پروراندند، در جایگاه ایشان خوابید.

این عمل که خطر مرگ را برای علی علیه السلام به همراه داشت، به خاطر عموزادگی نبود! چرا که هرکس جان خود را از دیگری بیشتر دوست دارد. این عمل فقط برای رضای خدا بود. مرد فانی در حق، در راه او، از جان مایه می گذارد و افتخار شهادت را لذت بخش تر از زندگی می بیند. درواقع این حادثه حکایت از عمق فداکاری علی علیه السلام نسبت به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و دین الهی دارد؛ چرا که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سؤال می کند: آیا با این عمل من، شما سالم می مانید؟ و وقتی پاسخ مثبت می شنود، با خشنودی به این حکم الهی عمل می نماید.

آری امیرالمؤمنین علیه السلام حاضر شد جان خود را عرضه کند و رضایت پروردگار را به دست آورد، به همین جهت در جای پیامبر گرامی آرمید. به این واقعه لیله المبیت نیز می گویند.

این آیه در بین مکه و مدینه نازل شد. نقل شده است وقتی حضرت علی علیه السلام در رختخواب پیامبر خوابید، جبرئیل در بالای سر علی علیه السلام و میکائیل در پائین پایش ایستاده بودند و جبرئیل فریاد می زد: آفرین، آفرین بر مثل تو باد که خداوند به تو بر ملائکه مباهات نمود.(۱)

خداوند عالم به علی علیه السلام مباهات می کند

در روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود حق تعالی در آن شب به امیرالمؤمنین بر فرشتگان مباهات کرد. خداوند به جبرئیل و میکائیل فرمود: من در آسمان میان شما دو نفر برادری قرار داده ام. کدامیک از شما حاضر است جان فدای برادر خود کند؟ ایشان هریک در پاسخ دادن مکث کردند. خداوند فرمود علی از شما جوانمردتر است که جان خویش فدای برادرش کرده و در بستر او خفته است تا به جای او علی را بکشند. به

۱- ترجمه مجمع البیان ۲ / ۲۶۸.

عزّت من بروید و بر او موکّل باشید و دشمن را از او دفع کنید.

آن دو آمدند و بر بالین علی علیه السلام نشستند و گفتند :

بخّ بخّ یابن ابی طالب هیّئاً لک یا بن ابی طالب سبقت الملائکه المقربین.(۱)

تبریک تبریک و گوارا باد بر تو ای پسر ابی طالب که بر ملائکه ی مقرّب الهی سبقت گرفتی.

نظرات اهل سنت

علمای شیعه بالاتفاق معتقدند که آیه (و من النّاس من یشری...) در شأن علی علیه السلام نازل شده است. اکثریت علمای اهل سنت نیز این مطلب را در تفاسیر و کتاب های خود آورده اند و شأن نزول آیه را بر خوابیدن حضرت علی علیه السلام بر جای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دانسته اند.

از جمله می توان به نیشابوری و حافظ ابونعیم در نزول آیات، سمعانی در فضایل و غزالی در احیاء العلوم اشاره کرد. غزالی که یکی از اعاظم فضلاء اهل سنت است در کتاب احیاء العلوم و نیز در کیمیای سعادت آورده است:

«انّ هذه الآیه نزلت فی علی بن ابیطالب علیه السلام حین بات علی فراش رسول اللّه»

همانا این آیه درباره ی علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد آن هنگام که در بستر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفت.

ثعلبی ـ از بزرگان اهل سنت ـ در تفسیر خود آورده است : چون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که حکم خدا در آن است که تو در جای من بخوابی، امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: مرا خبر ده که اگر چنین کنم آسیبی به رسول اللّه نمی رسد؟ پیامبر فرمودند: بلی یا علی! اگر چنین کنی آزاری از ایشان به من نرسد و من از شر آنها در امن الهی باشم.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام چون این بشارت شنید فرمود :

«الان طاب الموت یا رسول اللّه »

«این زمان که مرا به سلامتی خود بشارت دادی من از مرگ خود خوشحالم و هیچ باک از کشته شدن ندارم.»

محمد بن یوسف گنجی و ابن شبع مغربی که هر دو از اکابر اهل سنت هستند نیز بر صحت این خبر تأکید کرده راستی و درستی این حدیث را پذیرفته اند. همچنین ثعلبی در تفسیر خود آورده که چون این عمل از علی بن ابیطالب صادر شد ملائکه زمین آسمان و جن و انس از این حال در تعجب شدند زیرا که چنین عمل و ایثاری از طبیعت بشری بعید است.(۲)

در برابر این تأییدات بزرگان اهل سنّت، معدودی نیز به برخوردهای متفاوتی با آیه پرداخته اند تا به تضعیف فضایل و ولایت

علی علیه السلام بپردازند :

۱- روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر قرآن ۳ / ۱۵۷.

۲- منهج الصادقین ۱ / ۴۷۴.

سید قطب تنها شأن نزول آیه را «صُهَیْب بن سنان» رومی می داند و اشاره ای به خوابیدن امیرالمؤمنین در جای پیغمبر نمی کند.

المنار هم از بحث در شأن نزول صرف نظر کرده است.

فخررازی روایت ارزنده ای در خوابیدن علی علیه السلام در فراش نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آورده است.(۱) ولی با لطایفی سعی دارد این روایت

را که حاکی از شأن نزول آیه کریمه است، نادیده انگارد. وی برای فرار از حقیقت و اثبات تطبیق آیه با سرگذشت «صُهیب به معنی «اشتراء یا خریدن »(۲) و کسی که برای کسب رضای پروردگار

اقدامی می کند، جان خود را از آتش خریده است! و نتیجه گیری می کند که آیه منطبق با عمل «صُهیب» است زیرا او برای فرار از چنگ مکّیان و پیوستن به صف مسلمانان و نبی اکرم و رفتن به مدینه، تمام اموال خود را داد. پس او مال داد و پیوستن به پیغمبر گرامی را خریداری کرد.

پاسخ: به شبهه فخررازی

در پاسخ باید گفت: متأسفانه این بزرگان اهل سنت در جمعبندی خود پا راازعدالت علمی فراترنهاده اند وکلمه ی «یشری» راکه جایگاه معنی آن «عرضه کردن و فروش»است با معنی «خریدن» جابجا کرده اند وبا پیش کشیدن داستان «صهیب» سعی نموده اند ارزش فضیلت مقام و ولایت علی علیه السلام رابه بوته ی فراموشی بسپارند. آیا کلمه «شراء» درقرآن کریم یا درلغت و عرف، مترادف «اشتراء» است؟ «اشتراء» قبول «شراء» است؛ مشتری خریدار است و قبول شراء، «شراء» را معین در فروش می کند.

در چهار آیه از قرآن کریم، کلمه «شراء» بکار رفته است و در چهار مورد «شراء» معنی فروش دارد. به آیات توجه نمایید :

۱ـ (فلیقاتل فی سبیل اللّه الّذین یشرون الحیوه الدّنیا بالاخره)(۳)

(کسانی که زندگی دنیا را «می فروشند» و آخرت می خرند بایستی در راه خدا کارزار نمایند.)

۲ـ (و شروه بثمن بخس دراهم معدودهٍ)(۴)

(یوسف را ارزان فروختند.)

۳ـ (... و لبئس ما شروا به انفسهم لو کانوا یعلمون)(۵)

(و چه زشت و بد فروشی کردند که خویشتن (به سحر و جادو) فروختند، اگر می دانستند.)

۱- تفسیر کبیر جزء پنجم صفحه ۲۲۳ به نقل از کتاب علی علیه السلام در قرآن وسنت / محمود جوهرچی.

۲- اهل البیت / ۱۶.

۳- نساء / ۷۴. ۲. یوسف / ۲۰. ۳. بقره / ۱۰۲.

۴- [۴]

۵- [۵]

۴ _ آیه ی چهارم آیه ی مورد بحث است که معنی آن بر همین سیاق مشخص است.

کاری که امیرالمؤمنین علی علیه السلام انجام داد قابل انطباق بر فروش است که شأن نزول آیه است؛ امّا کار صهیب مسلمان، قابل انطباق بر خرید است که ارتباطی به آیه شریفه ندارد.

بنابراین شأن نزول آیه ی شریفه تنها داستان علی علیه السلام است که نقل شد، نه صهیب. این حقیقتی است که امثال سید قطب، محمد عبده و فخر رازی آن را نادیده می گیرند.

در اینجا مناسب است به نکته ای دیگر مرتبط با آیه مورد بحث و جریان های پس از آن اشاره نماییم:

پیروان مکتب خلفا وقتی قصد ذکر فضایل ابی بکر را دارند، یکی از موارد فضیلت را همنشینی ابوبکر با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در غار می دانند و عقیده دارند برای کسی این سعادت حاصل نشد که سه شب همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در غار باشد و خداوند نیز در قرآن می فرماید: (ما بر او (پیامبر) سکینه و آرامش نازل کردیم.)

باید از اینان پرسید: هرچند در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودن و از ایشان بهره معنوی بردن ارزش بسیاری دارد، امّا آیا خوابیدن در جای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و قرار گرفتن در مقابل خطرات بیشتر فضیلت داردیا دور بودن از دسترس دشمنان و در غاری استراحت کردن؟ نکته جالب این است که حضرت علی با اینکه از مکر دشمنان در امان نبود ولی با خیال آسوده در جای پیامبر آرمید و هیچ اثری از نگرانی و اضطراب در او وجود نداشت ؛ ولی ابوبکر در غار، در کنار وجود شریف رسول اللّه هم آرامش نداشت تا جائی که پیامبر به استناد آیه قرآن به ابوبکر فرمودند: «فانزل اللّه سکینه علیه...» که اکثر قریب به اتفاق مفسرین عقیده دارند که ضمیر (هُ) در (علیه) به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برمی گردد یعنی خداوند آرامش را بر پیامبرش نازل کرد؛ علت این امر هم آن است که کفّار مکه در صدد قتل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند و خداوند در حمایت از رسولش، سکینه و آرامش به قلب او داد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز به ابوبکر که از ترس جان به شدت نگران بود و بی تابی می کرد اطمینان داد که گزند و آسیبی به او نمی رسد.

پس، این چه افتخاری است که به ابوبکر نسبت می دهند، در حالی که خداوند به خوابیدن علی در بستر پیامبر بر فرشتگان مباهات کرد و آیه (و من یشری نفسه ابتغاء مرضات اللّه و اللّه رؤف بالعباد) را در شأن او نازل کرد و در این هماهنگی برای حفظ جان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ایثار علی علیه السلام و قدردانی خداوند از او، اساساً ابوبکر نقشی ندارد؛(۱) آن چنان که برخی می گوئید حضور ابوبکر در

کل ماجرا تصادفی بوده و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را برای جلوگیری از افشای هجرت، همراه خود برد.

به هر حال در این آیه، فروشنده انسانی بزرگوار است و خریدار خدا؛ و متاع، جان و بهای معامله، خشنودی پروردگار.

لیله المبیت پاسخ تمام شبهه ها

در پایان یادآور می شویم که این آیه نکته های لطیف بسیاری در عظمت مقام علی علیه السلام در خود پنهان دارد که به دو

مورد آن اشاره می کنیم:

۱ ــ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در لیله المبیت از میان تمام صحابه، علی علیه السلام را برای این مقام (فدا کردن جان برای رسول خدا به

ص:۶۷

۱- مجمع البیان ۱ / ۵۳۵، تفسیر عیاشی ۱ / ۱۲۰ به نقل از امام باقر علیه السلام .

منظور حفظ دین خدا) برگزید تا همگان پی به افضلیت علی علیه السلام ببرند.

_ در جنگ تبوک نیز هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خواستند عازم جنگ شوند، مقام حکومت را به علی علیه السلام سپردند تا همگان بدانند پیامبر به دلیل شجاعت علی علیه السلام ، شبانگاه او را بر بسترش می خواباند و در روز به دلیل علم و شجاعت او، علی علیه السلام را نایب خود در تمام شئون می کند.

۲ _ اگر خوب در ذات این عمل بنگریم، می بینیم که آرمیدن امیرالمؤمنین علی علیه السلام در لیله المبیت نیز همچون ضربه وی در جنگ خندق افضل عبادات جنّ و انس است. زیرا نفس این عمل _ که منجر به حفظ جان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شد _ در حقیقت برای پیروزی اسلام و رونق دین خدا و گسترش آن را در تمام جهان زمینه سازی کرد. اگر عبادت تمام انس و جن در طول تاریخ را در یک کفه ترازو قرار دهیم و خوابیدن علی علیه السلام در لیله المبیت را در کفه ی دیگر، باز عمل علی علیه السلام بر اعمال تمامی جن و انس برتری دارد.

علی علیه السلام همه وجودش برای خدا بود. اگر عبادت کرد «للّه» بود و اگر جهاد کرد «فی اللّه» و اگر نان داد «لوجه اللّه» و اگر جان داد «ابتغاء مرضات اللّه» بود.

آیه ی مباهله

اشاره

آیـه مباهله(۱)

ص:۶۸

۱- برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: ۱ _ تفسیر روض الجنان و روح الجنان ۳ / ۳۶۳) ۲ _ تفسیر مجمع البیان (۱/ ۴۵۱) ۳ _ تفسیر گازر (۲ / ۶۰) ۴ _ تفسیر مواهب علیه (۱ / ۱۵۳) ۵ _ تفسیر منهجالصادقین (۲ / ۲۴۳) ۶ _ تفسیر شریف لاهیجی (۱ / ۳۳۲) ۷ _ تفسیر اثنی عشری (۲/ ۱۲۴) ۸ _ تفسیر انوار درخشان (۳ / ۹۶) ۹ _ تفسیر جامع (۱ / ۴۳۹) ۱۰ _ تفسیرحجه التفاسیر (۳ / ۳۲۸) ۱۱ _ تفسیر کشف الحقایق (۱ / ۲۴۶) ۱۲ _ تفسیرخسروی (۲ ۱۲/) ۱۳ _ تفسیر پرتوی از قرآن (۵ / ۱۶۷) ۱۴ _ تفسیر المیزان (۳/ ۲۴۳) ۱۵ _ تفسیر آسان (۲ / ۳۰۸) ۱۶ _ تفسیر عاملی (۲ / ۹۱) ۱۷ _ تفسیر پرتوی ازقرآن (۵ / ۱۶۷)

۱۷ _ تفسیر روان جاوید (۱ / ۴۲۶) ۱۸ _ تفسیر نمونه (۲ / ۴۳۷)۱۹ _ تفسیر احسن الحدیث (۲ / ۹۴) ۲۰ _ تفسیر اطیب البیان (۳ / ۲۲۷) ۲۱ _ تفسیرانوار العرفان (۶/۴) ۲۲ _ تفسیر راهنما (۲ / ۴۶۹) ۲۳ _ تفسیر فرات الکوفی (۱ /۸۷) ۲۴ _ تفسیر قمی (۱ / ۱۰۴) ۲۵ _ تفسیر عیاشی (۱ / ۱۷۶) ۲۶ _ تفسیر التبیان(۲ ۴۸۴/) ۲۷ _ تفسیر صافی (۱ / ۳۱۸) ۲۸ _ تفسیر البرهان (۱ / ۶۳۰) ۲۹ _ تفسیرنورالثقلین (۱/ ۳۴۸) ۳۰ _ تفسیر معین (۱ / ۱۶۰) ۳۱ _ تفسیر وجیز (۱ / ۲۴۲) ۳۲ _تفسیر کنزالدقائق (۳ / ۱۱۶) ۳۳_ تفسیر شبر (۱ / ۵۷) ۳۴ _ تفسیر الجواهر الثمین (۱/ ۳۲۹) ۳۵ _ تفسیر بیان السعاده (۱ / ۲۶۹) ۳۶ _ تفسیر مقتنیات الدرر (۲ / ۲۰۹)۳۷ _ تفسیر جدید (۲ / ۷۴) ۳۸ _ تفسیر تقریب القرآن (۳ / ۹۰) ۳۹ _ تفسیر الفرقان(۵ / ۱۶۸) ۴۰_ تفسیر من وحی القرآن (۶ / ۳۵) ۴۱ _ تفسیر الکاشف (۲ / ۱۵۷) ۴۲_ تفسیر المنیر (۲ / ۵۵) ۴۳ _ تفسیر من هدی القرآن (۱ / ۵۷۸) ۴۴ _ تفسیر الدرالمنثور (۲ / ۳۸) ۴۵ _ التفسیر الکبیر (۴ / ۸۸) ۴۶_ تفسیر الکشاف (۱ / ۳۶۸) ۴۷ _تفسیر طبری (۳ / ۳۰۰) ۴۸ _ تفسیر کشف الاسرار (۲ / ۱۴۷)

(فمن حاجّک فیه من بعد ما جاءَک من العلم فقل تعالواندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنت اللّه علی الکاذبین)

(آل عمران / ۶۱)

(هرگاه بعد ازعلم ودانشی که (درباره ی مسیح) به تو رسیده، (باز)کسانی باتو،به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو : «بیایید ما فرزندان خود رادعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت نمائیم، شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود، آنگاه مباهله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.)

شرح جریان مباهله

ابوالفتوح رازی درمورد شأن نزول این آیات می نویسد :

چون رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مکه رافتح کرد واسلام منتشر شد، نمایندگانی ازقبایل مختلف نزد پیامبرآمدند وایمان آوردند.از جمله گروه هایی که به حضورپیامبررسیدند،دههانفرمسیحیان نجران بودندکه درمیان آن هااحبارورؤسای مسیحی حضورداشتند.

آنها روی به رسول خدا کردند و گفتند: «ما تقول فی السیّد المسیح؟» یعنی: در مورد عیسی چه می گویی؟

پیامبر فرمودند: «عبد اصطفاه اللّه» یعنی: بنده ای بود که خدای تعالی او را برگزید.

گفتند: یا محمد پدر او را می شناسی؟ رسول اللّه فرمودند : او از نکاح زاده نشد تا دارای پدر باشد.

گفتند: هیچ بنده مخلوق را دیده ای که از نکاح نباشد و پدر نداشته باشد؟ خدای تعالی این آیه را فرستاد.

(انّ مثل عیسی عنداللّه کمثل ءادم خلقهُ من تراب ثم قال له کن فیکون) (آل عمران / ۵۹)

(همانا ولادت عیسی علیه السلام نزد خدا همچون خلقت اولیه آدم ۷ از خاک است که سپس خدا اراده کرد که خلق شود و او دفعتاً خلق شد.)

(... فنجعل لعنه اللّه علی الکاذبین) (آل عمران / ۶۱)

(پس لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: چون شماقول مراباورندارید، بیائید تامباهله کنیم.خدامراخبردادکه بردروغ گوعذاب فرودآورد.(۱)

مسأله مباهله یا نفرین طرف مقابل، یکی از مسائلی بوده که از قدیم الایام در بین گروه های مختلف جریان داشته است، به این معنا که وقتی طرفین، استدلال یکدیگر را نمی پذیرند هریک از دو طرف بحث و جدل، که خود را اهل حق می داند، دعا کند و عذاب را برای گروهی که باطل است از خداوند بخواهد. در این آیات خداوند به

۱- روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن ۴ / ۳۵۹ (با تصرّفمختصر و بازنویسی عبارات)

پیامبر خود می فرماید :

(بگو بیائید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و خویشان نزدیک خودمان و خویشان نزدیک خودتان را بخوانیم آنگاه مباهله کنیم و لعنت خدا رابر دروغگویان قرار دهیم.) (۱)

نصارای نجران دو نفر از بزرگان خود به نام های (عاقب) و (سید) و چند نفر دیگر را برای مباهله نزد رسول خدا فرستادند.

پیغمبر به قصد مباهله خارج شدند و همراهان ایشان علی علیه السلام ، فاطمه علیها السلام و حسن و حسین علیهما السلام بودند.

عاقب و سید چون نگاهشان به این جمع افتاد، گفتند: به خدا قسم این ها که ما می بینیم چهره هایی هستند که اگر بخواهند به قدرت الهی کوه ها را از بُن برکنند.(۲)

آری با دیدن این قیافه های ملکوتی، از مباهله منصرف شدند و به مصالحه با پیغمبرصلی الله علیه و آله و سلمپرداختند.

واقعه مباهله در منابع اهل سنت

اهل سنت در برخورد با واقعه ی تاریخی مباهله به سه گونه برخورد نموده اند:

گروه اول ــ در بعضی از تفاسیر اهل سنت داستان مباهله به صورت کامل بیان شده و مسأله وجود اهل بیت علیهم السلام در واقعه مباهله به طور دقیق و کامل ذکر شده است که به مواردی اشاره می کنیم:

۱ــ زمخشری در تفسیر خود «الکشاف عن حقایق التنزیل» این واقعه را به طور مبسوط شرح می دهد و ذکر می کند: رسول اللّه صلوات اللّه علیه و آله به سمت محلّ مباهله در حرکت بودند، در حالی که دست حسن و حسین را گرفته بودند و فاطمه به دنبال آن ها می رفت و علی پشت سر آن ها حرکت می کرد. در آن حال اسقف نجران گفت: ای گروه نصاری من چهره هایی می بینم که اگر از خدا بخواهند کوه را از جایش بکند، خداوند حتماً چنین خواهد کرد. پس با آنان مباهله نکنید که حتماً هلاک خواهید شد و تا روز قیامت یک نصرانی بر روی زمین باقی نمی ماند.

سپس نصاری به پیامبر عرض کردند: یا ابوالقاسم، ما با تو مباهله نمی کنیم ولی مصالحه می کنیم.

زمخشری سپس نتیجه می گیرد که این واقعه دلیلی قوی بر فضیلت اصحاب کساء :می باشد.(۳)

۲ــ ابوبکر رازی می گوید: این آیه دلالت می کند که حسن و حسین فرزندان پیامبر هستند و فرزند دختر هم در حکم فرزند واقعی خودش است.

۳ــ ابن ابی علان می گوید: جریان مباهله و حضور حسنین علیهما السلام دلالت دارد که حسن و حسین در آن حال مکلّف

۱- آل عمران / ۶۱۲.تاریخ کامل ابن اثیر ۲ / ۲۹۳.

۲- [۲]

۳-الکشاف عن حقائق التنزیل ۱ / ۱۹۳.

بوده اند، زیرا مباهله جز در حال بلوغ جایز نیست و اصحاب ما به این آیه استدلال کرده اند که امیرالمؤمنین و فرزندان ایشان به دو جهت افضل صحابه بوده اند:

الف ــ موضوع مباهله شاهدی بر تشخیص اهل حق از اهل باطل بود و این تنها با کسی انجام می شود که باطنش مورد اطمینان، عقیده اش خالص و صحیح، و برترین مردم نزد خدا باشد.

ب ــ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به امر الهی برای عینیت بخشیدن به آیه ی شریفه، مصداق ابناءنا را حسن و حسین دانست، و نیز برای نساءنا فاطمه علیها السلام و برای انفسنا، نفس خود و نفس علی را اراده کرد و او را همانند نفس خود قرار داد. شاید بگویند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حسن و حسین را با وجود این که غیربالغ و غیر مستحقّ بودند در مباهله وارد کرده است لذا افضل صحابه نبودند، در پاسخ باید گفت که آن دو، بالغ و مکلف بوده اند، چون بلوغ و کمال عقل نیاز به شرط حتمی سنّی ندارد، سخن گفتن عیسی علیه السلام در گهواره نشان داد که او مکلّف و عاقل بوده است. پس کوچکیِ سن آن ها مانع از معرفت و طاعت خدا نمی شود.(۱)

گروه دوم ــ در بعضی از تفاسیر اهل سنت سعی شده که موضوع مباهله به نحوی کتمان شود. مثلا سیوطی در تفسیر خود «الدّر المنثور» هیچ اشاره ای به واقعه مباهله نکرده است. درواقع این دسته از علمای اهل سنت با تغافل خویش، خواسته اند این حقیقت مهم تاریخی مربوط به فضیلت اهل بیت علیهم السلام را از صفحه ذهن تاریخ پاک نمایند.

گروه سوم ــ گروه سوم از اهل سنت، ضمن نقل واقعه ی مباهله، به خدشه در آن و ایجاد شبهه به منظور تضعیف جایگاه والای اهل بیت علیهم السلام پرداخته اند که در ادامه به مواردی اشاره می شود و به اختصار به پاسخ گویی می پردازیم:

نویسنده ی تفسیر المنار می گوید: بر حسب روایات، انتخاب علی و فاطمه و دو فرزند آن ها از طرف نبی اکرم، بی تردید است؛ اما مصادر آن جز از طریق شیعه نیست. آیا کدام عرب می گوید کلمه ی (نساءنا) می تواند بر «بنت النبی» منطبق باشد؟ بویژه آنکه نبی اکرم در زمان وقوع مباهله همسرانی داشته است. آیا این کلمه ی جمع، قابل تطبیق بر یک فرد، آن هم دختر پیغمبر است؟ بالاتر از این ادعا، انطباق کلمه جمع «أنفسنا» بر علی علیه الرضوان است که یک نفر است.

در نقد و بررسی سخنان صاحب تفسیر المنار باید گفت:

اولا مباحث مقدّس احادیث شیعه به دور از پیرایه هایی است که در ذهن ایشان خلجان نموده است. احادیث شیعه در نهایت به ائمه اطهار علیهم السلام برمی گردد که با قطع نظر از درجه امامت که مورد اختلاف است، تمام امت اتفاق دارند که آن بزرگواران در جایگاه رفیع مرجعیت علمی قرار داشته اند و درواقع در مقام انتخاب، سخنان آن ها باید در صدر سخنان صحابه و تابعین باشد؛ چه رسد به این که استناد در ردّ و انکار امامان معصوم به امثال

۱- التبیان فی تفسیر القرآن ۲ / ۲۴.

ابوهُریره هـای دروغ زن برسـد. به علاـوه آن که دربـاره ی آن بزرگواران، نصوص قطعی از سوی پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم وارد شده که در منابع شـیعه و سنّی آمده است. اگر فرمایشات پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم را در نظر آوریم مبنی بر این که «حسن و حسـین آقایـان جوانـان اهـل بهشت هسـتند» و یا امام باقر علیه السـلام «باقرالعلوم» یا «شـکافنده ی علوم» است، بطلاـن مقـایسه ی آن بزرگواران بـا یـک محـدّث آشـکار می گردد. اگر به این مسأله توجّه نماییم که در میان هزاران شاگرد مکتب امام صادق علیه السـلام ، برخی بزرگان اهل سـنت نیز حضور داشـته اند و آن ها در مختصر علوم دینی خود نیز وام دار علوم صادق آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند، بی پایگی استدلال صاحب تفسیر المنار روشن می گردد.

ثانیاً ذکر مصادیق مباهله تنها به روایات و تاریخ نگاری شـیعه محدود نیست و بزرگانی از اهل سنّت نیز به ذکر آن پرداخته اند که در صفحات پیشین به ذکر و معرّفی مواردی پرداختیم و اینک به دو مورد دیگر اشاره می نماییم:

۱ ــ حاکم در مستدرک می گوید: مراد از «انفسنا» در آیه مباهله علی بن ابیطالب و منظور از «ابنائنا» حسنین و از «نسائنا» فاطمه است.

۲ ــ بیهقی نیز در کتاب دلایل النبوه خود، افراد انتخاب شده از سوی پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم برای مباهله را حسنین و فاطمه معرفی می کند.(۱)

ثالثـاً هیچیـک از عالمـان شـیعه مفهوم «نسائنا» در آیه مباهله را فاطمه زهرا علیها السـلام بنت النبی نگفته انـد. و هیچیک انکار نکرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همسرانی داشته اند و نفرموده اند که همسران نمی توانند ذیل مفهوم کلمه نسائنا قرار بگیرند؛ بلکه آنچه مطرح است آن که مباهله بر پایه ی مبانی اعتقادی و در جایگاه حق و باطل و نمایش حق و اضـمحلال باطـل شـکل می گیرد لـذا منـاسب ترین کسـانی که می تواننـد در آن حضور یابنـد، کسـانی هسـتند که در این تراز قابل طرح باشـند. بر این اسـاس، پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم خردهـای دینی خویش را برای مبـاهله همراه خود می برد نه خردهای نَسَبی و حَسَبی را. شایسته ترین افراد برای این امر مهم، والاترین افراد در جایگاه دینی و خالص ترین و نیکوترین ها در آستان الهی هستند؛ آن کسانی که پیامبر پیشتر نیز آن ها را به این ویژگی معرفی کرده است :

«أنا و علی ابوا هذه الامّه»(۲)

«من و علی ۷ پدران این امت هستیم.»

«فاطمه علیها السلام پاره تن من است، هرکس او را بیازارد مرا آزرده است و هرکس مرا بیازارد، خدا را آزرده است.»

«أنا مدینه العلم و علیّ بابها»

«من شهر علمم و علی درگاه و آستان ورود به آن شهر است.»

۱- دلایل النبوه / ۲۵.

۲- اهل البیت / ۱۶ .

بر همین اساس و برای تبیین جایگاه ویژه اهل بیت علیهم السلام، دستور دادند که درب منازل همه ی صحابه به مسجد النبی بسته شود و تنها درب منزل علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام بازماند.

این نکته اضافه شود که قرآن در قصه ی بنی اسراییل از دختران تعبیر به نساء کرده است. (یُذّبحون أبنائهم و یستحیون نسائهم) بنابراین مفهوم نسائنا دختر نیست بلکه عالی ترین مصداق زنان در اسلام فاطمه علیها السلام است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در سیره ی خویش بر آن تأکید داشته اند.

جالب است که عزم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جریان مباهله احقاق حق و هدایت مردم بوده است و پس از نزول آیه و در همین راستای هدایت، ایشان علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن و حسین علیهما السلام را فرامی خوانند. و اظهار می دارند خدایا این ها اهل بیت من هستند.(۱)

رابعاً درخصوص به کارگیری صیغه ی جمع در آیه که به حسب ظاهر بر یک نفر (فاطمه زهرا علیها السلام یا علی علیه السلام یا دو نفر (حسن و حسین علیهما السلام) اطلاق نمی گردد باید گفت:

۱ ـ براساس احادیث و اقوال مندرج در منابع شیعه و سنّی، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جریان مباهله، غیر از علی علیه السلام ، فاطمه علیها السلام و حسنین علیهما السلام فرد دیگری را همراه خود نیاورد که این موضوع قرینه ی آشکاری برای تفسیر آیه می باشد.(۲)

۲ ـ اطلاق صیغه جمع بر یک یا دو نفر در قرآن و در ادبیات عرب از پیشینه برخوردار است.

در قرآن:

(انّ ابراهیم کان امّه قانتاً للّه) (نحل / ۱۲۰)

(همانا ابراهیم علیه السلام امّتی خاضع در پیشگاه خدا بود.)

در این آیه، اطلاق جمع بر یک نفر، برای بزرگداشت حضرت ابراهیم علیه السلام می باشد.

(الّذین قال لهم النّاس ان النّاس قد جمعوا لکم فاخشوهم) (آل عمران / ۱۷۳)

(کسانی از مردم به آن ها گفتند دشمنان (برای حمله به شما) اجتماع کرده اند، از آنها بترسید.)

در این آیه طبق تصریح جمعی از مفسران، منظور از کلمه «ناس» فردی به نام «نعیم بن مسعود» بوده است که از ابوسفیان اموالی گرفته بود تا با تبلیغ قدرت مشرکان، بین مسلمانان ترس و رعب ایجاد نماید.

آیه ی اولی الأمر

اشاره

ص:۷۳

۱- صحیح مسلم، باب فضایل علی بن ابی طالب علیه السلام / ۱۲۱ _ ۱۲۰، نقل از کتاب امامت در پرتو کتاب و سنت/۲۹۹ .

۲- مجمع البیان ۱ / ۷۶۲، کشاف ۱ / ۳۶۹، ابن کثیر ۱ / ۳۷۹.

آی_ه اولی الأمر(۱)

(یـا ایّهـا الّـذین ءامنـوا اطیعـوا اللّه و اطیعـوا الرّسول و اولی الامـر منکم فـان تنـازعتم فی شـیء فرّدوه الی اللّه و الرّسول ان کنتم تومنون باللّه و الیوم الآخر ذلک خیر و احسن تاویلا) (نساء / ۵۹)

(ای کسانی که ایمان آورده ایـد! خدا و پیامبر و اولوالامر (اوصـیای پیامبر) را اطاعت کنید. پس اگر در چیزی نزاع داشتید، آن را به خـدا و پیامبر بازگردانیـد (و از آنها داوری بطلبیـد) اگر به خـدا و روز رسـتاخیز ایمان دارید. این (کار) برای شـما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است.)

نظر شیعه درباره ی آیه اولی الامر

علما و مفسـران شـیعه با الهام از سرچشـمه جوشان احادیث اهل بیت علیهم السـلام نظراتی را ابراز داشـته اند که اهمّ آن به این قرار است:

۱_ در آیه «اولی الامـر» خداونـد، اطـاعت از اولی الامـر را در کنار پیروی از رسول اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم قرار داده است.(۲) از همین جا

می توان به نکته ای ظریف پی برد و آن اینکه چون خداوند اطاعت از اولی الامر را بدون هیچ قید و شرطی همچون اطاعت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سـلم دانسـته است، پس لازم است اولی الامر فردی باشد همچون خود رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سلم که اطاعت از او مخالف و متضادّ اطاعت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نباشد.(۳)

۱- برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: تفسیر گازر (۲ / ۲۳۲) ۲ _ تفسیر منهج الصادقین (۳ / ۵۲) ۳ _ تفسیر شریفلاهیجی (۱ / ۴۹۵) ۴ _ تفسیر اثنی عشری (۲ / ۴۷۸) ۵ _ تفسیر انوار درخشـان (۴ /۹۲) ۶ _ تفسیر جامع (۲ / ۷۹) ۷ _ تفسیر خسروی (۲/۲۲۴) ۸ _ تفسیر المیزان (۳ /۲۴۳) ۹ _ تفسیر آسان (۳ / ۲۷۶) ۱۰ _ تفسیر عاملی (۳ / ۳) ۱۱ _ تفسیر روان جاوید(۲ / ۷۱) ۱۲ _ تفسیر احسن الحدیث (۲ / ۳۹۰) ۱۳ _ تفسیر اطیب البیان (۴ / ۱۱۳)۱۴ _ تفسیر انوار العرفان (۸ / ۴۱۲) ۱۵ _ تفسیر راهنما (۳ / ۴۳۳) ۱۶ _ تفسیر فراتالکوفی (۱ / ۱۰۸) ۱۷ _ تفسیر القمی (۱/۱۴۱) ۱۸ _ تفسیر عیاشی (۱ / ۲۴۹) ۱۹ _تفسیر التبیان (۳ / ۲۵۳) ۲۰ _(تفسیر الصافی (۱ / ۴۲۷) ۲۱ _ تفسیر البرهان (۲ /۱۰۳) ۲۲ _ تفسیر نور الثقلین (۱ / ۴۹۷) ۲۳ _ تفسیر الدر المنثور (۲ / ۲۵۹) ۲۴ _تفسیر کنزالدقائق (۳ / ۴۷۳) ۲۵ _ تفسیر الجوهر الثمین (۲ / ۵۸) ۲۶ _ تفسیر بیانالسعاده (۲ / ۲۹) ۲۷ _ تفسیر الجدید (۲ / ۷۴) ۲۸ _ تفسیر تقریب القرآن (۵ / ۴۷)۲۹ _ تفسیر الفرقان (۷ / ۱۳۲) ۳۰ _ تفسیر من وحی القرآن (۷ / ۲۲۵) ۳۱ _ تفسیرالکاشف (۲ / ۳۵۷) ۳۲ _ تفسیر روض الجنـان و روح الجان (۴ / ۳۶۳) ۳۳ _ تفسیرمواهب علیه (۱ / ۱۵۳) ۳۴ _ تفسیر حجه التفاسیر (۳ / ۳۲۸) ۳۵ _ تفسیر کشفالحقایق (۱ / ۲۴۶) ۳۶ _ تفسیر پرتوی از قرآن (۵ / ۱۶۷) ۳۷ _

تفسیر نمونه (۲ /۴۳۷) ۳۸ _ تفسیر طبری (۱ / ۲۴۷) ۳۹ _ تفسیر معین (۱ / ۱۶۰) ۴۰ _ تفسیر وجیز(۱ / ۲۴۲) ۴۱ _ تفسیر شبر (۱ / ۵۷) ۴۲ _ تفسیر مقتنیات الدرر (۲ / ۲۰۹) ۴۳ _تفسیر المنیر (۲ / ۵۵) ۴۴ _ تفسیر من هدی القرآن (۱ / ۵۷۸) ۴۵ _ تفسیر کشفالاسرار (۳ / ۱۷)

۲- بررسی مسائل کلی امامت / ۷۷.

۳- همان / ۷۸.

به عبارت دیگر اولوالامر باید همچون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معصوم باشد وگرنه در تبیین و انتقال کلام الهی تناقض پیش می آید؛ زیرا از یک طرف خداوند اطاعت از اولوالامر را واجب می داند و از طرف دیگر اولوالامر معصوم از گناه نباشد ممکن است مردم را به دستوری برخلاف رضای الهی فراخواند.

۲ــ بر طبق روایاتی که از ائمه معصوم علیهم السلام به ما رسیده است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مصداق اولوالامر را دقیقاً مشخص فرموده اند ؛ از جمله جابر الجعفی از جابربن عبداللّه انصاری روایت می کند که زمانی که آیه اولوالامر نازل شد، جابر به خدمت رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم می رسد و عرض می کند: یا رسول اللّه ما خدا و رسول را می شناسیم ولیکن اولوالامر چه کسانی هستند که خدای تعالی اطاعت آن ها را به اطاعت شما و اطاعت خود پیوند زد؟

پیامبر فرمودند:

«ای جابر ایشان جانشینان و امامان مسلمانان پس از من هستند؛ اوّلشان علی، و سپس حسن و سپس حسین، و سپس علی بن الحسین و آنگاه محمد بن علی که در تورات به باقر معروف است و تو او را دریابی و چون او را بینی از طرف من بر او سلام برسان»

آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یک یک جانشینان خویش را نام برد تا به نام آخرین جانشین خویش حضرت حجّت (عج) رسیدند و فرمودند :

«... و سپس امر پیشوایی به مردی سپرده می شود که نامش نام من و کنیه او کنیه من و حجت خدای در زمین است و بقیه اللّه در بین بندگانش می باشد. خدای تعالی به وسیله او مشارق و مغارب زمین را بگشاید. او همان است که از شیعیانش غایب شود، غیبتی که با طولانی شدن آن، بر تبعیت از امامت او نمی ماند، مگر مؤمنی که خدای تعالی دل او را به ایمان امتحان کرده باشد.»

تغییر این حدیث که به صراحت دلالت دارد که اولوالامر ائمه معصوم از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشند به صورت گسترده و متواتری در منابع شیعه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه هدی :نقل شده است.

دیدگاه اهل سنت

تعدادی از دانشمندان اهل سنت مصداق تفسیری این آیه را تنهابر اهل بیت علیهم السلام دانسته اند از جمله :

۱ ــ مفسّر مشهور ابو حیان اندلسی مغربی در تفسیر «البحر المحیط» می نویسد که این آیه در حق علی و ائمه اهل بیت علیهم السلام نازل گردیده است.

۲ــ ابوبکر مؤمن شیرازی در رساله اعتقاد (طبق نقل مناقب کاشی) از ابن عباس نقل می کند: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام را در غزوه تبوک در مدینه به جای خود گمارد، آیه فوق درباره ی آن حضرت نازل شد. علی علیه السلام عرض کرد: ای پیامبر آیا مرا همانند زنان و کودکان در شهر قرار می دهی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

فرمود: آیـا دوست نـداری نسـبت به من هماننـد هارون نسـبت به موسـی باشـی؟ آن زمانی که موسـی به او گفت: در میان بنی اسرائیل جانشین من باش و اصلاح کن، سپس خداوند عزوجل فرمود: (...و اولی الامر منکم)

۳ _ شیخ سلیمان حنفی قندوزی در کتاب «ینابیع المودّه» از کتاب «مناقب» از سلیم بن قیس هلالی» نقل می کند: روزی مردی به خدمت علی علیه السلام آمد و پرسید: کمترین چیزی که با آن فرد جزء کافران و گمراهان قرار می گیرد

ص:۷۵

کدام است؟

امام فرمودند: کمترین چیزی که انسان به سبب آن در زمره گمراهان درمی آید، این است که حجت و نماینده خدا و شاهد و گـواه او را که اطـاعت و ولایـت او لازم است نشـناسد. آن مرد گفت : یـا امیرالمـؤمنین آن هـا را به من معرفی کن. علی علیه السلام فرمودند : همان ها که خداوند در ردیف خود و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار داده و فرموده است:

(یا ایّها الّذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرّسول و اولی الامر منکم)

آن مرد گفت: فـدایت شوم باز هم روشـنتر بفرما. علی علیه السـلام فرمودند: همان هایی که رسول خدا در موارد مختلف و در خطبه روز آخر عمرش از آن ها یاد نمودند و فرمودند:

«انّی ترکت فیکم امرین لن تضلّوا بعدی ان تمسّکتم بهما کتاب اللّه و عترتی اهل بیتی»

«من در میان شـما دو چیز بیادگار گذاشـتم که اگر دست به دامن آن ها بزنید هرگز بعد از من گمراه نخواهید شد، کتاب خدا و خاندانم» (۱)

۴ _ همان دانشـمند در کتاب ینابیع الموده می نویسد : صاحب کتاب مناقب از تفسیر مجاهد نقل کرده که این آیه درباره علی علیه السلام نازل شده است.(۲)

برخی دیگر از مفسران اهـل سنّت از آنجـا که بـا منبع الهی احادیث اهل بیت علیهم السـلام ارتباط برقرار نکرده انـد، از روی ناآگاهی و یااز روی تعمد نظرات غیرمنطقی در مورد واژه «اولی الامر» بیان کرده اند:

رشید رضا صاحب تفسیر «المنار»(۳) در کتاب خود در تفسیر کلمه «اولی الامر» می نویسد:

منظور از اولوالامر نمایندگان عموم طبقات، حکام و زمامداران و علما و صاحب منصبان در تمام شئون زندگی مردم هسـتند، امـا اطـاعت از آن هـا به طور مطلق و بـدون قیـد و شـرط نیست، بلکه اطـاعت آن ها مشـروط به این است که فعل و امر آن ها برخلاف احکام و مقررات اسلام نبوده باشد.

آلوسـی نیز در تفسیر معروف خود «روح المعانی» اولوالامر را به معانی مختلفی گرفته است. او می گوید اولوالامر ممکن است به معنی اُمراء سریه ها باشد یا خلفاء و سلاطین و قضات و غیر آنها(۴)

سیوطی نیز عقیده ای نظیر آلوسی دارد و در تفسیر «الدر المنثور» خود اشاره می کند که اولوالامر حاکمان و زمامداران هستند؛ امّا طبق احادیثی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسیده است رسول اکرم فرمودند: اطاعت از اولوالامر فقط در

۱- ینابیع الموده ۱۳۴ به نقل از کتاب امامت در پرتو کتاب و سنت ۱۴۶.

۲- تفسیر نمونه ۳ / ۴۴۰. بنگرید: به اثبات الهداه ۳ / ۱۲۳ و تفسیرعیاشی ۳ / ۲۵۳ و بحارالانوار ۲۳ /۳۰۰. ۳. المنار ۵ / ۲۷۹ .

۳- [۳]

۴- روح المعانی ۵ / ۶۵.

حق است و اگر امراء، شما را به باطل امر کردند از آنان اطاعت نکنید.(۱)

طبری صاحب تفسیر «جامع البیان» همین تعبیرات را به کار برده و عقیده دارد این والیان امر باید معصیت خدا را ترک و مردم را به اطاعت الهی دعوت کنند.(۲)

خواجه عبداللّه انصاری نظری جداگانه دارد و اولی الامر را خلفاء راشدین و یا ابوبکر و عمر به تنهایی می داند.

بعضی از مفسران اهل سنت نیز اولوالامر را به معنی صحابه و یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و برخی دیگر اولی الامر را زمامداران معنوی و فکری یعنی علماء و دانشمندان معرفی کرده اند.

نقد و بررسی

در مقام نقد و بررسی این سخنان، به اختصار به موارد ذیل اشاره می نماییم:

۱ـ عده ای از آنان اولوالامر را زمامداران و حکام مصادر امور در هر زمان و در هر محیط دانسته اند و هیچ استثنایی برای آنان قائل نشده اند. در این صورت باید گفت به عقیده ی این گروه، خداوند پیروی از هر حکومتی را ـ چه عادل و چه جائر و ستمگر ـ بر مسلمانان واجب دانسته است چرا که اطاعت از اولوالامر در کنار اطاعت خدا و پیامبر آمده است. بطلان این دیدگاه و استدلال در بطن آن نهفته است. کدام عقل سلیمی می تواند قبول کند که خداوند اطاعت از هر حکومتی را در هر محیطی و در هر شرایطی و بدون هیچ قید و شرطی همچون اطاعت از خدا و پیامبر بداند؟ مسلم است که این گفتار با قوانین عقل و منطق و جهان بینی توحیدی سازگاری ندارد و پذیرفته نیست. چرا که از سویی پذیرش اضداد غلط است و از سوی دیگر دین و فرامین الهی اساساً دارای بارِ ارزشی است، حال آن که دیدگاه فوق عملا نفی ارزش ها را می نماید که با اساس دین در تضاد است.

۲ـ دیدگاه آنان که ـ همچون صاحب «المنار» ـ اولوالامر را حکماء و زمامداران و صاحب منصبان در تمام شئون زندگی مردم می دانند مشروط بر اینکه دستورات آن ها برخلاف احکام و مقررات اسلام نباشد، نیز دیدگاهی باطل است زیرا این چنین تفسیری با اطلاق آیه ی شریفه سازگار نیست چرا که آیه اطاعت از اولوالامر را بدون قید و شرط و هم ردیف اطاعت خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم لازم و واجب شمرده است.

۳ـ برداشت گروهی از مفسرین که اولوالامر را به علماء و دانشمندان تفسیر کرده اند نیز با اطلاق آیه سازگار نیست. پیروی از علماء و دانشمندان شرایطی دارد؛ از جمله اینکه گفتار آن ها برخلاف کتاب و سنت نباشد؛ بنابراین اگر آن ها مرتکب اشتباهی شوند (زیرا معصوم نیستند و امکان اشتباه دارند) و یا به هر علت دیگر از حق منحرف شوند، اطاعت آن ها لازم نیست. در صورتی که آیه اطاعت اولوالامر را به طور مطلق همانند اطاعت

۱- الدر المنثور ۲ /۱۷۶.

۲- جامع البيان عن تأويل آى القرآن ۴ / ۱۴۷.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم لازم شمرده است. بنابراین معرفی علماء و دانشمندان به عنوان اولوالامر واجب الاطاعه هم ردیف خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ناصحیح می باشد.

۴ــ در جواب گروهی که اولوالامر را منحصراً در خلفاء چهارگانه یا دوگانه پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می دانند باید گفت مفهوم کلام اینست که اطاعت از اولوالامر در آن دوره عینیت داشته و امروز مصداقی برای اولوالامر در میان مسلمانان وجود نداردو خداوند بندگان خود را رها گذاشته و باب هدایت و نجات از ضلالت برای آن ها گشوده نیست که پرواضح است حکمت الهی هیچگاه چنین اقتضایی ندارد. علاوه اینکه هیچگونه دلیلی برای تخصیص اولوالامر به خلفای یاد شده در دست نیست.(۱)

۵ــ همان طور که مشاهده می شود دیدگاه اهل سنّت از پراکندگی و تشتّت آراء برخوردار است که هریک از این دیدگاه ها می تواند نافی دیدگاه دیگر باشد.

۶ــ پذیرش و معرفی علی علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام به عنوان اولوالامر براساس روایات از سوی برخی از علماء اهل سنّت که در بالا ـ به برخی از آن ها اشاره شد، نافی دیدگاه سایر اهل سنّت می باشد که همواره درصدد مخالفت و تضعیف جایگاه عظیم و فضایل گسترده ی اهل بیت پیامبر علیهم السلام بوده اند.

۷ ــ دیدگاهی که ابراز می دارد اولوالامر صحابه و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشند نیز به دو دلیل غلط است. اوّلاً ـ تکلیف اینکه اولوالامر پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و یاران و اصحاب ایشان چه می شود نامشخص است. ثانیاً یاران و اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همگی در یک رتبه و جایگاه نبودند و صرفنظر از ورود به بحث ملاک های صحابه، در بین اطرافیان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم منافقین نیز حضور داشتند که بسیاری آیات کتاب الهی در همین رابطه نازل شده است. به علاوه اینکه تضاد و اختلافت بین اصحاب و اطرافیان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زیاد بود به گونه ای که با تشدید آن در ساعات پایانی عمر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، ایشان حتی موفق به نوشتن وصیت در معرفی جانشین خود نشدند.

۸ــ برخلاف دیدگاه متشتت و بعضاً متضاد اهل سنت، شیعه با اتّکاء به احادیث متواتر وارده از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه :، تنها مصادیق اولوالامر را اهل بیت عصمت و طهارت و ائمه دوازده گانه :می داند که در قول و فعل و علم نیز شبیه ترین افراد عالم دوران خود به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده اند.

آیه ی اکمال دین

اشاره

ص:۷۸

۱- تفسیر نمونه ۲ / ۴۳۴_ و تفسیر عیاشی ۱ / ۲۵۲.

آی_ه اکمال دین(۱)

(... الیوم یئس الّذین کفروا من دینکم فلا تخشوهم واخشون الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً...) (مائده / ۳)

امروز، کافران از (کارشکنی) آئین شما مأیوس شدند، بنابراین، از آنها نترسیده، و از (مخالفت) من بترسید! امروز، دین شما را کامل کردم، و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم.

شأن نزول آیه

خداوند در این آیه می فرماید: من امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خودم را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آئین نمونه بر شما پسندیدم.

این «روز» چه روزی است؟ هرچه هست باید روزی مهم و سرنوشت ساز باشد که ظرفیت چنین کمالاتی را داشته است.

شیخ طبرسی در احتجاج و شیخ ابوعلی محمدبن احمدبن علی معروف به «ابن فارسی» _ از اجلّه ی قدماء امامیه _ از حضرت باقر علیه السلام نقل می کنند که فرمودند :

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در سفر حج، احکام حج و موضوع ولایت را برای مردم بیان فرمودند. جبرئیل نازل شد و گفت خداوند به تو سلام می رساند و می فرماید: من هیچ پیغمبری را قبض روح نکردم مگر آنکه دین او را کامل نمودم و حجت خود را مؤکد ساختم. بر تو از واجبات احکام دین و شریعت، جز ابلاغ ولایت واجبه و خلافت بعد از خودت چیزی باقی نمانده است زیرا من هرگز زمین را خالی از حجت خود نمی گذارم.

و باز جبرئیل در غدیر خم پنج ساعت از روز گذشته نازل شد و این آیه را نازل کرد :

(یا ایّها الرّسول بلّغ ما انزل الیک من ربّک و ان لم تفعل فما بلّغت رسالته و اللّه یعصمک من النّاس)

قافله های اولین حج از غدیر گذشته و به جحفه نزدیک شده بودند. پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم امر فرمودند که آنها را برگردانند. هفتاد هزار نفر در محل غدیر اجتماع نمودند؛ آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امر پروردگار را به مردم ابلاغ فرمودند و علی علیه السلام را به

۱- برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: ۱ _ تفسیر مجمع البیان (۲ / ۱۵۶) ۲ _ تفسیر گازر (۲ / ۳۲۲) ۳ _ تفسیرمواهب علیه (۱ / ۲۹۹) ۴ _ تفسیر منهج الصادقین (۳ / ۱۶۸) ۵ _ تفسیر شریفلاهیجی (۱ / ۶۰۶) ۶ _ تفسیر اثنی عشری (۳ / ۱۳) ۷ _ تفسیر

انوار درخشان (۴ /۳۲۴) ۸ _ تفسیر جامع (۲ / ۱۵۴) ۹ _ تفسیر حجه التفاسیر (۲ ۱۲۸/) ۱۰ _ تفسیرخسروی (۲ / ۳۴۸) ۱۱ _ تفسیر المیزان (۵ / ۱۷۳) ۱۲_ تفسیر آسان (۴ / ۹۴) ۱۳ _تفسیر عاملی (۳ / ۲۱۲) ۱۴ _ تفسیر روان جاوید (۲ / ۱۷۰) ۱۵ _ تفسیر نمونه (۴ /۲۵۸) ۱۶ _ تفسیر احسن الحدیث (۳ / ۱۴) ۱۷ _ تفسیر اطیب البیان (/۴ ۲۹۵) ۱۸ _تفسیر راهنما (۴ / ۲۳۱) ۱۹_ تفسیر فرات الکوفی (۱ / ۱۱۷) ۲۰ _ تفسیر القمی(۱/۱۶۱) ۲۱ _ تفسیر عیاشی (۱ / ۲۹۱) ۲۲ _ تفسیر التبیان (۳ / ۴۲۸) ۲۳ _ تفسیرالصافی (۲ / ۷) ۲۴ _ تفسیر البرهان (۲ / ۲۱۹) ۲۵ _ تفسیر نورالثقلین (۱ / ۵۸۵) ۲۶_ تفسیر المعین (۱ / ۲۷۴) ۲۷ _ تفسیر وجیز (۱/۳۶۱) ۲۸ _ تفسیر کنزالدقائق (۴ /۲۷) ۲۹ _ تفسیر شبر (۱ / ۱۰۷) ۳۰ _ تفسیر الجوهر الثمین (۲ / ۱۳۹) ۳۱ _ تفسیربیان السعاده (۲ / ۷۳) ۳۲ _ تفسیر مقتنیات الدرر (۳ / ۲۴۵) ۳۳ _ تفسیر تقریبالقرآن (/۶ ۴۳) ۳۴ _ تفسیر الفرقان (۸ / ۴۰) ۳۵ _ تفسیر من وحی القرآن (۸ /۳۲)۳۶ _ تفسیر الکاشف (۳ / ۹) ۳۷ _ تفسیر المنیر (۳ / ۶) ۳۸ _ تفسیر الدر المنثور (۲ /۲۵۹).

روی دست بلند کرده به مردم نشان دادند و خطبه مفصّلی ایراد و قرائت فرمودند تا آنجا که فرمودند: ای مردم! بدانید خداوند به من فرموده است اگر امر ولایت علی را به شما نرسانم، هیچ تبلیغ رسالت نکرده ام و فرمودند: جبرئیل تا به حال چندین بار بر من نازل شد و مرا از جانب پروردگار مأمور نصب خلافت و معرفی علی علیه السلام نمود تا به هرکس اعم از سیاه و سفید، که حضور دارد، بشناسانم که علی بن ابیطالب علیه السلام برادر و وصی و خلیفه و امام بعد از من می باشد.

ای مردم! این آخرین مکانی است که من در حضور شما و چنین جمعیتی می باشم. امر پروردگار خود را بشنوید و اطاعت کنید که پروردگار شما صاحب و مولای شماست. از امرا و رسولش محمد صلی الله علیه و آله و سلم که در برابر شما ایستاده و سخن می گوید اطاعت کنید. پس از من، علی به امر پروردگارم امام و پیشوای هدایت شماست و بعد از علی، امامت در ذرّیه من ـ که از صلب علی است ـ تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات کنید تداوم می یابد.

چیزی حلال نیست مگر آنکه خدا آن را حلال کرده باشد و حرامی نیست مگر آنکه خدا، حرام نموده باشد. خداوند حلال و حرام را به من نیاموخت مگر آنکه آن را به علی تعلیم نمودم و علمی نیست مگر آنکه خداوند آن را برشمرد و در امام مبین محدود فرمود و علی آن امام مبین است.

ای مردم! نسبت به علی تعدّی نکنید و از ولایت علی استنکاف ننمائید. او مردم رابه سوی حق هدایت و رهبری می کند و به حق عمل می نماید و باطل را از بین می برد.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به تمام مردم حاضر و رؤسای آن ها امر فرمودند تا با امیرالمؤمنین بیعت نمودند. آن گاه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند :

شما را دعوت نمودم تا در حضور پروردگار شاهد باشید که من امر او را درباره ی علی به شما رسانیدم. اینک اگر عمل کنید یا نکنید خداوند از شما مؤاخذه و سؤال می فرماید.

هنگامی که ماجرای غدیر و خطبه ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نصب امیرالمؤمنین علی علیه السلام و بیعت مردم با ایشان به پایان رسید، فرشته ی وحی اینچنین آیه نازل نمود: (الیوم اکملت لکم دینکم...)(۱)

واقعه غدیر خم درس ولایت است

اسرار زیادی در آیه اکمال دین وجود دارد که برخی از آن ها بیان می شود :

ـ کافران حتی در سال های آخر عمر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز امیدوار بودند تا ریشه اسلام را از بیخ و بن برکنند. اما با نزول این آیه امیدشان به کلی قطع شد واز شکست دین اسلام مأیوس شدند.

۲ـ خداوند در این آیات، از مسلمانان می خواهد که از هیچ قدرتی جز خدا نترسند، زیرا تمامی قدرت ها مقهور قدرت الهی

است.

۳ـ روز غدیرخم، روز اکمال دین و اتمام نعمت خداوند بر مسـلمانان است زیرا با توجه به شأن نزول آیه و روایات متعدد، در روز غدیرخم بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حضرت علی علیه السلام را به امامت منصوب کرد.

۴ـ ولایت و امامت، قوام اسلام و نیز روح نعمت های خداوند بر مردم است.

ص:۸۰

۱- تفسیر جامع ۲/ ۱۵۷ وبنگرید به ارشاد شیخ مفید واعلام الواری ۱/ ۲۵۹و سیره المصطفی ۶۹۳ بحث غدیرخم.

۵ــ روزی که حضرت علی علیه السلام به امامت و رهبری نصب شد، روز یأس دشمنان اسلام می باشد و دقت در آیه می رساند که یأس دشمنان، ریشه در اکمال دین دارد و این کمال و تمامیت (با توجه به شأن نزول) با نصب علی علیه السلام تحقق پذیرفته است.

۶ــ اسلامی که همراه با ولایت و امامت است، دین کامل و مورد رضایت خداوند است.

۷ ــ خداوند، خود، تعیین کننده حضرت علی علیه السلام به ولایت و امامت بر مؤمنان است، چرا که می فرماید: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی...»

۸ ــ دین اسلام، شریعتی کامل و مورد رضایت خداوند است.

۹ ــ اسلام، نام رسمی دین خاتم پیامبران است: «و رضیت لکم الاسلام دینا...»(۱)

آیه اکمال دین در منابع پیروان مکتب خلفا

موضع پیروان مکتب خلفا در ارتباط با این آیه متفاوت است به طوری که بعضی از آنان به راحتی از کنار این مسأله گذشته اند و هیچ اشاره ای به ماجرای غدیرخم و انتصاب امیرالمؤمنین علیه السلام نکرده اند. ولی عده ای نیز نتوانسته اند چنین واقعه مهمی را رها کنند و به راحتی از کنار آن بگذرند. البته عده ای نیز بوده اند که خواسته اند با اشکال تراشی مانع ظهور این حقیقت بزرگ گردند.

از کسانی که به این مطلب اشاره کرده اند، دانشمند معروف سنی ابن جریر طبری است که در کتاب ولایت از زیدبن ارقم صحابی نقل می کند که این آیه در روز غدیرخم درباره علی علیه السلام نازل شد.

حافظ(۲) ابونعیم اصفهانی در کتاب «ما نزل من القرآن فی

علی علیه السلام » از ابوسعید خدری (صحابی معروف) نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در غدیرخم، علی علیه السلام را به عنوان ولی و سرپرست به مردم معرفی کرد و مسلمانان حاضر متفرق نشده بودند تا اینکه آیه (الیوم اکملت لکم...) نازل شد. در این موقع پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود :

«اللّه اکبر علی اکمال الدّین و اتمام النّعمه و رضی الرّب برسالتی و بالولاء و بالولایه لعلیّ ۷ من بعدی، ثم قال : من کنت مولاه فعلیّ مولاه اللّهمّ و ال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله.»

«الله اکبر بر تکمیل دین و اتمام نعمت پروردگار و خشنودی خداوند از رسالت من و ولایت علی علیه السلام بعد از من سپس فرمود: هرکس من مولای اویم علی علیه السلام مولای او است. خداوندا، آن کسی که او را دوست دارد، دوست بدار، و آن کسی که او را دشمن دارد، دشمن بدار، هرکس او را یاری کند، یاری کن و هرکسی دست از یاریش بردارد دست از او

بردار.» (۳)

۱- کتـاب مسائل کلی امامت ۵۸ و همچنین در کتاب های سـیره ی ابن هشام۴ / ۲۵۰ و الغدیر ۲ / ۱۰۹ _ ۱۱۳ و فرازهایی از تاریخ اسلام ۵۱۲ _ ۵۱۸ و تفسیرعیاشی ۱ / ۳۶۰ در موارد فوق اشاراتی آمده است.

۲- اهل سنت به کسی که یکصد هزارحدیث حفظ داشته باشد، حافظ گویند.

۳- مجمع البیان ۳ / ۲.۲۴۶. تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۲۹۰ذیل احوال حبشون بن موسی؛ به نقل از ترجمه الغدیر ج ۲ ص ۳۹۱.

حافظ ابوبکر خطیب بغدادی در کتاب تاریخ خود از ابوهریره از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل کرده که بعد از جریان غدیرخم و پیمان ولایت علی علیه السلام و گفتار عمربن خطاب که به علی علیه السلام گفت: بخّ بخّ یابن ابی طالب! اصبحت مولای و مولا کل مسلم (به به! ای پسر ابی طالب؛ اکنون تو مولای من و مولای هرکسی که مسلم است گردیدی)، آیه الیوم اکملت لکم دینکم نازل گردید.(۱)

در کتاب «احقاق الحق» از جلد دوم تفسیر ابن کثیر صفحه ۱۳۴ و از «مقتل خوارزمی» صفحه ۴۷ نزول این آیه را در مورد داستان غدیر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است.(۲)

میبدی در «کشف الاسرار» می گوید: پس از نزول آیه، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند :

«الله اکبر بر اکمال دین و اتمام نعمت و رضایت رب نسبت به رسالت من و ولایت و سرپرستی علی بن ابیطالب پس از من.»

سیوطی نیز در تفسیر «الدر المنثور» سخنی شبیه میبدی را دارد.(۳)

نظیر این تصریحات نسبت به نزول آیه اکمال دین پس از ماجرای غدیر و نصب امیرالمؤمنین علیه السلام به امامت و خلافت از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در منابع معتبر دیگری از اهل سنت نیز ثبت و ضبط شده است که در جلد دوم کتاب گرانقدر الغدیر علامه امینی صفحات ۱۱۵ تا ۱۲۶ به حدود ۱۵ مورد آن اشاره شده است.

در برابر این تصریحات گسترده بر شأن نزول آیه درخصوص ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام توسط عالمان اهل سنت، برخی از آنان نیز که همواره درصدد ولایت زدایی از آیینه ی دیدگان و دل مسلمانان بوده اند، در حالی که در تفسیر خود از قرآن همواره بر تجزیه و تحلیل آیات و ارائه شأن نزول آن اهتمام داشته اند، درخصوص این آیه به سکوت برگزار کرده اند. از جمله این موارد می توان به صاحب «تفسیر المنار» اشاره داشت که با کمترین تفسیر در مورد آیه و عدم اشاره به شأن نزول آن، از کنار آن عبور کرده است.

همچنین موارد نادری نیز دیده شده اند که سعی بر تضعیف سند حدیث در تجزیه و تحلیل خود داشته اند. از این دست موارد، می توان به آلوسی اشاره نمود که در تفسیر خود موسوم به «روح المعانی» تلاش نموده تا با تضعیف سند یکی از اخبار، کلّ موضوع را تکذیب نماید؛ حال آن که صرفنظر از بررسی های تاریخی و رجالی در همان مورد، ایشان درخصوص سایر اسناد و احادیث و مستندات آن، دچار تغافل و خودسانسوری شده است. باید گفت بسیار جای تعجّب است که ایشان این قدر وسعت نظر ندارند تا با رجوع به احادیث وارد شده از سوی ائمه اطهار و ذراری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، نسبت بـه موضوع درک صحیحی پیدا نمایند.این به دور از انصاف است که برخی از اهل سنّت آن بزرگان را ـ حتّی به میزان یک راوی حدیث نیز ـ مورد توجه قرار نداده اند. در همین راستا می توان به فرمایش حضرت علی علیه السلام در خطبه الوسیله اشاره نمود که هفت روز پس از شهادت رسول خدا

۱- [۱]

۲- تفسیرنمونه۴/ ۲۶۳۴.کشف الاسرار۳/۱۷،الدرالمنثور۲/۲۵۹.

۳- [۳]

۶ایراد نمودند. ایشان می فرمایند :

«فکانت ولایتی کمال الّذین و رضا الرّب جلّ ذکره»(۱)

«پس ولایت من کمال دین و رضایت خداوند عزّوجل است.»

همـان طور که در متن این فرمـایش مشـخص است، بحث کمـال دین و رضایت الهی که موضوع آیه ی مورد بحث این فصـل است، از سوی خود امیرالمؤمنین علی علیه السـلام یـک هفته پس از شـهادت پیامبر، ولایت و امامت آن امام همام معرفی شـده است.

علاـوه بر موارد یـاد شـده، شـبهات دیگری به قرار ذیـل نسـبت به آیه و موضوع آن یعنی ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السـلام مطرح گردیده است که به شرح ذیل طرح و پاسخ ارائه می شود :

۱ــ سؤال شـده است که شـیعه چگونه می گویـدآیه ی «اکمال دین» مربوط به جریان غـدیر ونصب علی علیه السـلام به امامت وخلافت است وحال آنکه قبل وبعدآیه مربوط به احکام صید وشکار است؟ توجّه به سیاق آیات نشان می دهد که اکمال دین با بیان احکام صید وشکار آشکار می گردد.

در پاسخ توجه خواننده محترم را به موارد ذیل جلب می نماییم:

اولاًاگر «اکمال دین» بانزول احکام شـرعی فقهی باشـد،بایـد بگوییم که بعـد ازاین آیه، دیگرنباید حکمی نازل شود.حال آنکه مشاهـده می شود بعـد از عبارت «اکملت لکم دینکم...» درآیه مزبور، مجـدّداً بقیه ی احکام صـید و شـکار بیان شده است لذا استـدلال به سـیاق آیات از کارآیی ساقط می شود. به علاوه آن که بنابر گفته ی خود اهل سـنت، آیه یاد شـده آخرین آیه ی نازله بر پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم نمی باشـد و آیاتی دیگر در مباحثی نظیر ربا، ارث، قتل عمد و... واحکام آن ها پس ازآیه ی اکمال دین برپیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است(۲)

که نتیجه می شود اگراکمـال دین بابیـان احکـام منـدرج درآیه یاد شـده واتمام تبیین تمامی احکام تاآن زمان صورت پـذیرفته است،نزول آیات بعدی درموارد یاد شده بی دلیل بوده است.

ثانیـاًاینکه اساسـاًسـیاق آیـات ملاـک فهم آیـات نیست.برای فهم آیـات بایـد به مفسّـِرین حقیقی قرآن رجوع کرد؛ کسانی که همچون پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم امین وحی و کلاـم و فرامین الهی باشـند و موضوع آیه مورد بحث در بـاب تضـمین معرفی و انتصاب مفسّر حقیقی قرآن ائمه اطهار علیهم السلام می باشد.

۲ــ گفته اند که حتی اگر آیه مزبور مربوط به واقعه ی غدیر باشد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در فرمایش خویش در آن مراسم علی علیه السلام را به عنوان «مولی» یعنی «دوست و یاور» به مردم معرفی کرده است نه به عنوان پیشوا و سرپرست.

در پاسخ این اشکال می گوئیم، بیان دوستی علی علیه السلام نیاز به این همه تشریفات و خطبه خواندن و متوقف ساختن

۱- روضه ی کافی حدیث ۴ _ تفسیر نورالثقلین ج ۱ / ص ۵۸۸ حدیث ۲۸.

۲- صحیح بخاری / ج ۶ ص ۳۵۶ و ۳۷۸ و ۴۷۳ و ۳۸۳ و ۴۰۳. همچنینکتاب التفسیر باب ۲۵۳ و ۲۹۲ و ۴۳۳ و ۳۰۳ و ۳۴۰ با تحقیق قاسم الشماعیالرفاعی، چاپ دارالقلم بیروت سال ۱۴۰۷.

جمعیت در وسط بیابـان خشـک و سوزان نـداشت. این دوستی مطلبی نبود که خداونـد بـا این لحن، که اگر ابلاغ نکنی تبلیغ رسالت نکرده ای، با پیامبرش سـخن بگویـد؛ به علاوه اگر منظور، بیان یک دوستی ساده بود، چرا پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم در خطبه خود قبلا از مردم اینگونه اقرار می گیرد :

«الست اولی بکم من انفسکم.»

«آیا من نسبت به شما از خود شما سزاوارتر و صاحب اختیارتر نیستم؟»

آیـا این جمله هیـچ تنـاسبی بـا بیان یک دوستی ساده دارد؟ آیا ضـرورت داشت برای یک دوستی ساده، مردم ــ حتی شـخص عمر ــ به علی علیه السلام با جمله «اصبحت مولای و مولا کل مؤمن و مؤمنه» تبریک و تهنیت بگویند؟(۱)

گذشته ازهمه این ها، چه رابطه ای میان حدیث ثقلین و تعبیرات آمیخته با وداع پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دوستی علی علیه السـلام می تواند وجود داشـته باشد؟ آیا هر ناظر بی طرفی از این تعبیر نمی فهمد که در اینجا مساله رهبری مطرح است و معرفی علی علیه السـلام به عنوان رهبر بعدازرحلت پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم منظورنظربوده است. به علاوه آن که ابراز محبت ودوستی ابوبکر وعمر درمراسم غـدیربا علی علیه السـلام و برخورد دوگانه ی آن ها درفاصـله ی انـدکی پس از رحلت پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم با ایشان، خود حکایت جداگانه ای دارد که نشان دهنده ی میزان صداقت آنان با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت ایشان است.

یادآور می شود در بحث پیرامون آیه ولایت نیز به این موضوع نگاهی مجدد خواهیم داشت.

۳ــ اشکال کرده اندکه آیا حضور دو ولیّ در یک زمان ممکن است؟ اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام را در غدیرخم به ولایت و رهبری و خلافت نصب کرده باشد لازمه اش وجود دو رهبر و دو پیشوا در زمان واحد خواهد بود.

در جواب این دسـته باید گفت: توجه به شـرایط و اوضاع خاص زمان نزول آیه و همچنین قرائنی که در گفتار پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم وجود دارد این اظهـار را به کلی برطرف می کنـد؛ زیرا می دانیم که این جریـان در ماه های آخر عمر پیامبر صلی الله علیـه و آلـه و سـلم واقع شـد. در حـالی کـه آن حضـرت آخریـن دسـتورات را به مردم ابلاغ می کرد و به صـراحت فرمودند: من به زودی از میان شـما می روم و دو چیز گرانمایه را در میان شـما می گذارم. آشکار است کسی که این سخن را می گوید درصدد تعیین جانشین خویش است و برای آینده برنامه ریزی می کند نه برای زمان حاضر. بنابراین روشن است که منظورش وجود دو رهبر و دو پیشوا در زمان واحد نیست.

از سوی دیگر در حالی که بعضی دانشـمندان اهل سـنت ایراد فوق را مطرح می کنند، بعضـی دیگر ایرادی در نقطه مقابل آن مطرح کرده اند و می گویند :

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خلیفه چهارم را تعیین کرد، پس چرا خلیفه اول و دوم و سوم را تعیین نکرد!

از خدا می خواهیم که ما را از تعصبات و کج فهمیها در دین حفظ کند.(۲)

یادآور می شود که دیدگاه شیعه در خصوص امام معصوم و حجّت الهی حکایت از آن دارد که لازمه ی این

۱- تفسیر مفاتیح الغیب ۱۲ / ۵۰.

۲- نمونه ۵ / ۱۰.

منصب الهی طهارت و عصمت و قابلیت دایمی در تمامی طول زندگانی است آن طور که به صریح آیات شریف کتاب قرآن، حضرت عیسی علیه السلام در روزهای ابتدای ولادت و در گهواره لب به سخن گشود و رسالت خویش را بیان فرمود.پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز در مورد معرفی امیرالمؤمنین علی علیه السلام به عنوان وصی خود در وقایع مختلف اقدام نمودند و در غدیر مراسم ابلاغ عمومی و نصب را انجام دادند. در هر حال حضور دو پیشوای الهی تعارضی ندارد آن چنان که در زمان حضرت موسی علیه السلام اتفاق افتاد. در بحث آیه ولایت نیز مجدداً به این موضوع اشاره خواهیم داشت.

آیه ی ولایت

اشاره

آیه ولایت (۱)

(انّما ولیّکم اللّه و رسوله والّذین آمنوا الّذین یقیمون الصّلوه و یوتون الزّکوه و هم راکعون)

(سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آن ها که ایمان آورده اند، همانها که نماز را برپا می دارند، و در حال رکوع، زکات می دهند.)

شأن نزول آیه

بخشی از حوادث و رویدادهایی که همزمان با حیات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به وقوع پیوست آنچنان جالب و سازنده و با ارزش بود که در جهت تایید آن از سوی خدا، آیه و یا آیات و یا حتّی سوره هائی نازل شده است.

۱- برای اطلاع بیشتر ر _ ك به: ۱ _ تفسیر مجمع البیان (۲ / ۲۰۹) ۲ _ تفسیر گازر (۲ / ۳۸۹) ۳ _ تفسیرمواهب علیه (۱ / ۳۳۰) ۴ _ تفسیر منهج الصادقین (۳ / ۲۵۵) ۵ _ تفسیر شریفلاهیجی (۱ / ۶۹۹) ۶ _ تفسیر اثنی عشری (۳ / ۱۱۳) ۷ _ تفسیر انوار درخشان (۴ /۳۵۴) ۸ _ تفسیر جامع (۲ / ۲۳۹) ۹ _ تفسیر کشف الحقایق (۱ / ۴۹۰) ۱۰ _ تفسیرخسروی (۲ / ۴۰۷) ۱۱ _ تفسیر المیزان (۶ / ۹) ۱۲ _ تفسیر آسان (۴ / ۱۹۷) ۱۳ _تفسیر روان جاوید (۲ / ۲۳۰) ۱۴ _ تفسیر نمونه (۴۲۱/۴) ۱۵ _ تفسیر احسنالحدیث (۳ / ۹۲) ۱۶ _ تفسیر اطیب البیان (۴/۴۰۰) ۱۷ _ تفسیر راهنما (۴ /۴۵۰)۱۸ _ تفسیر طبری (۱ / ۲۵۸) ۱۹

ـ تفسیر فرات کوفی (۱ / ۱۳۳) ۲۰ ـ تفسیر قمی(۱ / ۱۷۰) ۲۱ ـ تفسیر عیاشی (۱ / ۳۲۸) ۲۲ ـ تفسیر التبیان (۳ / ۵۵۸) ۲۳ ـ تفسیرصافی (۴ / ۴۲) ۲۴ ـ تفسیر برهان (۲/۳۱۵) ۲۵ ـ تفسیر نورالثقلین (۱ / ۶۴۳) ۲۶ ـتفسیر المعین (۱ / ۲۹۹) ۲۷ ـ تفسیر وجیز (۱ / ۳۸۷) ۲۸ ـ تفسیر کنزالدقائق (۴ /۱۴۴) ۲۹ ـ تفسیر شبر (۱ / ۱۱۷) ۳۰ ـ تفسیر الجواهر الثمین (۲ / ۱۸۸) ۳۱ ـ تفسیرمقتنیات الدرر (۴ / ۳۹) ۳۲ ـ تفسیر جدید (۲ / ۴۸۲) ۳۳ ـ تفسیر تقریب القرآن (۶ /۱۰۷) ۳۴ ـ تفسیر فرقان (۹ / ۴۴) ۳۵ ـ تفسیر من وحی القرآن (۸ / ۱۴۶) ۳۶ ـتفسیر الکاشف (۳/ ۸۱) ۳۷ ـ تفسیر من هدی القرآن (۴/۴۰۷) ۳۸ ـ تفسیر الدرالمنثور (۱۹۸/۵) ۳۹ ـ تفسیر طبری (۱۲ / ۵) ۴۰ ـ تفسیر کشف الاسرار (۵ / ۸)۴۱ـ تفسیر ابن کثیر (۴ / ۵۲۶) ۴۲ ـ تفسیر روح المعانی (۲۲ / ۱۴)

یکی از حوادثی که باعث نزول آیاتی از قرآن کریم گردید حادثه ای بود که همگامی صلوه با زکوه را، که در اکثر آیات، از آن ها قرین یکدیگر یاد شده است، تجسم بخشید. محور این تجسّم نیز امیرالمؤمنین علی علیه السلام می باشد که در حال رکوع نماز، به یک نیازمند زکات اعطا نمودند.

در تفسیر «مجمع البیان» در مورد شأن نزول آیه چنین آمده است: از ابن عباس روایت کرده اند که بر کنار چاه زمزم نشسته بود و برای مردم از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حدیث نقل می کرد.

در این وقت مردی که صورت خود را پوشیده می داشت وارد شد. ابن عباس رشته سخن را قطع کرد و گفت ترا به خدا سوگند می دهم که خود را معرفی کن. آن مرد دستار از چهره برداشت و گفت: من ابوذر غفاری هستم.

آنگاه ابوذر گفت: یکی از روزها همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز ظهر را به جماعت می گزاردم؛ مرد تهیدست و بینوائی در مسجد از مردم درخواست کمک می کرد، کسی به او چیزی نداد. این مرد بینوا دستها را سوی آسمان برگرفت و گفت:

خدایا! تو گواه باش که من در مسجد رسول اللّه از مردم درخواست کمک مالی نمودم لکن کسی چیزی به من نپرداخت.

علی علیه السلام که همزمان با این جریان در حال رکوع نماز به سر می برد، دست راست خود را به طرف سائل نشانه رفت و اشاره کرد انگشتری را از انگشت بیرون کشد تا حاجت خویش را برآورد. سائل انگشتری را از دست آن حضرت بیرون کشید.

آنگاه که پیامبر اکرم نماز را به پایان برد سر به سوی آسمان برداشت و گفت: خدایا! برادرم موسی علیه السلام درخواستی با تو در میان گذاشت و گفت :

(ربّ اشرح لی صدری. ویسّرلی امری. واحلل عقده من لسانی.یفقهواقولی.و اجعل لی وزیرآ من اهلی. هارون اخی. اشدد به ازری، واشرکه فی امری» (طه / ۳۱ ــ ۲۵)

«پروردگارا، سینه ام را بگشای، کارم را آسان و زبانم را باز کن تا سخنم را بفهمند. برادرم هارون را که از خویشان من است وزیر من گردان، پشتم را به او قوی کن و او را در کارها شریکم گردان.»

پروردگارا! تو به او وحی کردی که به زودی بازویت را به برادرت محکم می کنیم و برای شما قدرتی قرار می دهیم که آن ها به شما دسترسی پیدا نکنند.

پروردگارا! منم محمد، پیامبر و برگزیده تو. خدایا، سینه ام را بگشای و کارم را آسان و علی را وزیر من گردان و پشت مرا به او محکم کن.

ابوذر گفت: بخدا سوگند هنوز سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تمام نشده بود که جبرئیل از جانب خدا نازل شد و

گفت: ای محمد! بخوان. فرمود: چه بخوانم؟ عرض کرد بخوان: «انّما ولیّکم اللّه و رسوله...»

ابوبکر رازی در کتاب «احکام القرآن» بنابر نقل مغربی و رمانی و طبری روایت کرده است که این آیه هنگامی

نازل شد که علی علیه السلام در حال رکوع، انگشتری خود را صدقه داد.(۱)

آیه ولایت در تفاسیر اهل سنت

با مطالعه در تفاسیر اهل سنت به خوبی مشخص می شود که آنان نیز به شأن نزول آیه ولایت در مورد علی علیه السلام براساس نقل قول های مختلف به صراحت اشاره می نمایند که نمونه هایی ذکر می شود.

در تفسیر «الدّر المنثور» سیوطی می خوانیم:

«خطیب در متفق از ابن عباس نقل می کند که گفت: علی علیه السلام در رکوع نماز، انگشتری خویش را صدقه داد. پس پیامبر به سائل گفت: چه کسی این انگشتر را به تو داد؟ گفت: آن مرد رکوع کننده (و علی علیه السلام را نشان داد.) پس آیه نازل شد.

ونیز طبرانی در الاوسط و ابن مردویه از عمار بن یاسر نیز همین ماجرا رااینگونه نقل می کند: سائل کنارعلی علیه السلام که درحال رکوع نمازبود توقف ودرخواست کمک کرد.علی علیه السلام انگشترخود را ازدست بیرون آورد وبه سائل داد. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمدند واز موضوع اطلاع حاصل کردند آیه ولایت بر ایشان نازل شد.(۲)

همچنین زمخشری در تفسیر «کشاف» نزول این آیه را به علی علیه السلام نسبت می دهد که در حال رکوع، انگشتری را به نیازمندی بخشید.(۳)

فخر رازی نیز در تفسیر خود موسوم به «تفسیر کبیر» از عبداللّه بن سلام چنین نقل می کند: هنگامی که این آیه نازل شد، من به رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم که با چشم خود دیدم که علی علیه السلام انگشترش را در حال رکوع به نیازمند صدقه داد و به همین دلیل ولایت او را می پذیرم.(۴)

آری، فضیلت علی علیه السلام همچون خورشید تابناکی در حال درخشش است و فقط آنان که چشم دل ندارند از دیدن این منبع سرشار فیض الهی ناتوانند. علی کسی است که دوست و دشمن متفقآ اذعان دارند صفاتی دارد که در هیچ فرد دیگری نیست.

در برتری او همین بس که در عبادت، نماز و زکات را با هم جمع کرد و احدی به این فیض نرسیده است. امّا در عین حال طرح مسایلی نسبت به مفاد آیه صورت گرفته است که در ادامه به آن می پردازیم.

شبهاتی که بر آیه ولایت وارد شده و پاسخ آن ها

۱ــ ولایت به معنای امامت و سرپرستی و امکان تصرّف در امور برای حضرت علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۱- شأن نزول آیات ۲۹ _ ۲۸، و همچنین مراجعه کنیـد به مجمع البیان ۶ /۱۸۶ _ مجمع البیان ۳ / ۲۱۰ الدر المنثور ۲ / ۲۹۴، الجامع القرآن: قرطبی ۶ / ۲۲۲،التفسیر الکبیر ۱۲ / ۴۶، روح المعانی ۶ / ۱۶۶ _ ۱۶۷، المنار ۶ / ۴۴۲.

۲- الدر المنثور ۲ / ۲۹۳.۲. الکشاف عن حقائق التنزیل ۱ / ۳۴۷.

۳- [۳]

۴- التفسیر کبیر ۲ / ۲۶.

است نه پیش از آن.(۱)

آنچه که جناب فخر رازی مطرح نموده اند به یک معنا اشکال بر آیه و شأن نزول آن درباره ی حضرت علی علیه السلام و ولایت ایشان نیست چرا که شاکله ی اصلی تجلّی این ولایت و سرپرستی، بعد از رحلت و شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بروز می نماید؛ چنانچه در نقلی در مورد عبدا.. بن سلام (یهودی مسلمان شده) و همراهانش آمده است که او برای تشخیص جانشین بعد از رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم خدمت آن حضرت رسیده بود و با نزول آیه به مقصود خویش رسید و بیعت خویش با امیرالمؤمنین علی علیه السلام را ابراز نمود.

در عین حال ما در زندگی روزمره ی خود نیز شاهد تعیین وصیّ توسط افراد برای بعد از فوت آن ها هستیم. در چنین شرایطی، در حالی که فرد هنوز در قید حیات است وصیّ او نیز برای سایرین شناخته شده می باشد. هنگامی که در بین افراد عادی جامعه چنین مسأله ای وجود دارد پیش بینی و معرفی وصی و جانشین از سوی پیامبر الهی یک امر منطقی و عادی است که منشاء انتخاب و تصدیق نیز خالق هستی است. فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در استشهاد به آیات ۲۵ الی ۳۱ سوره ی طه و شرح تقاضای حضرت موسی علیه السلام از خدا برای وزارت حضرت هارون علیه السلام که در صفحات پیشین ارائه شد از دو جهت جالب توجه است:

نخست آن که تقاضای پذیرش وصی و ابلاغ از سوی خداوند قادر مطرح است.

در ثانی همانطور که حضرت موسی علیه السلام وزارت هارون علیه السلام را برای دوران نبوّت خویش از خداوند طلب کرد، استبعادی ندارد که وصایت حضرت امیر علیه السلام دارای کارکرد و اثر جاری در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم داشته است. امیرالمؤمنین علیه السلام در زندگی خویش نیز نزدیک ترین فرد به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مؤمن ترین فرد به دین و فداکارترین شخص در خدمت اسلام، آن هم بدون هرگونه چشم داشت مادّی (مالی، شخصیتی، سیاسی و...)، بوده است.

۲_ می گویند: رکوع به معنی خضوع و کوچکی کردن است.(۲)

در واقع می توان گفت کسی که این اشکال را مطرح نموده است مدّ نظر داشته است تا حالت انحصاری مصداق و شأن نزول آیه را در مورد علی علیه السلام تضعیف نماید و اطلاقی عام تر برای آیه نتیجه گیری نماید و درنتیجه کسانی که نماز به پا می دارند و زکات می پردازند و منش و روش آن ها خضوع و تواضع است در جایگاه ولایت و سرپرستی قرار می گیرند.

در پاسخ به این ایراد بهتر است معنی لغت رکوع را از لسان کارشناس زبان عرب جستجو نموده بشنویم. راغب در کتاب مفردات خود می گوید: رکوع، انحنا و خم شدن است ؛ گاهی برای تواضع و کوچکی و گاهی در

۱- تفسیر الکبیر ۲ / ۲۸.

٢- روح المعانی ۶ / ۱۶۶.

شکل مخصوص آن (یعنی نماز).(۱)

بـا عنـایت به معنی فوق و مفـاد آیه که بحث از اقامه ی نماز است، معنی حقیقی رکوع در آیه، همان عملی از نماز است که از ارکان آن نیز محسوب می گردد.

از سوی دیگر روایـات و نقل های متعـدّد منقول در منابع اهل سنّت و شـیعه ــ که پیشتر به برخی اشاره شـد ــ نیز مؤیـد همین معنی از رکوع می باشد. در نتیجه تنها مصداق و شأن نزول آیه وجود مقدّس حضرت امیر علیه السلام می باشد.

۳ــ بسیاری از اهـل سـنت معمولاـ کلمـه ی «ولی» بـه معنی «دوسـت و یـاری کننـده» و نظـایر آن تفسیر می کننـد نـه به معنی سرپرست، صاحب اختیار و متصـرّف. همین تعبیر و تفسیر از کلمه ی ولی در جایگاه های دیگر از جمله موضوع غدیر و نصب امیرالمؤمنین علیه السلام به خلافت و سرپرستی و فرمایش ایشان ــ «من کنت مولا فهذا علی مولاه» ــ نیز مطرح می گردد.

در پاسخ می توان به موارد ذیل توجه نمود :

اوّلا روح تعالیم دین اسـلام تأکید فراوان بر شرافت انسانی و تکریم آن دارد لذا در مباحث اخلاقی و اجتماعی همواره به یاری یکـدیگر، دوستی و مهرورزی، گـذشت و ایثار و... توصـیه شده است. در همین راسـتا آیات و روایات متعدد و سـیره ی عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قابل استشهاد است.

«انّما المؤمنون اخوه»

«همانا مؤمنان برادر یکدیگر هستند.»

روح این کلام به این معنی است که مؤمنین به دین حنیف، وظیفه دارنـد تا دیگر مؤمنین را برادران خود دانسـته و به دوستی و یـاری آن هـا بشـتابند. پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم به جهت همین یاری رسانی و جهت رفع پاره ای مشـکلات مسـلمانان صدر اسـلام، پس از مهاجرت مسلمین از مکّه به مدینه، پیمان اخوّت را به صورت عملی نیز پیاده کردند تا عموم مهاجرین زیر چتر حمایتی انصار (مسـلمانان مدینه) قرار بگیرند. عقد اخوّت یک مسـلمان مکّه با یک مسـلمان مدینه به معنی بی تفاوتی آن مسـلمانان به سایر مسـلمین نبوده است و توصیه و دستور عمومی و فراگیر دین نسبت به یاری و محبّت به دیگر مؤمنین کماکان به قوّت خود باقی بود. در عین حال پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در همان پیمان گزاری، علی علیه السلام را که ــ او نیز از مهـاجرین بـود ــ به عنـوان برادر و یـار و یـاور خود انتخـاب و معرفی نمود که این عمـل، علاـوه بر پیمـان اخوّت، از فلسـفه ی بالاتری نیز برخوردار است.

ثانیـآ در آیه ی شـریفه ی مورد بحث فرد یـا گروه خاصّـِی به عنوان «ولی» معرّفی شـده انـد که در حال اقامه نماز و رکوع آن، زکـات نیز می پردازنـد. وقتی آموزه ی نظری و عملی دین مبین اسـلام برای تمـامی مسـلمین «دوستی و یـاری رسانی» به دیگر مؤمنین است، محـدود کردن این ویژگی برای مؤمنین خاصّـِی در آیه شـریفه، حکـایت از تعـارض دارد که در ذات دسـتورات کتاب الهی چنین تعارضی وجود ندارد. بنابراین می توان در برداشت اهل

۱- مفردات الفاظ قرآن ۲۰۸. همچنین نگاه کنید به قاموس قرآن ۳ / ۶۰.

سنت از کلمه ی «ولی» در آیه تشکیک نمود.

ثالثآ آیه ی شریفه فرد یا افراد خاصّی از مؤمنین با صفات ویژه ای را در ردیف خدا و رسول قرار می دهد لذا موضوع آیه از شمول عام یک توصیه یا دستور عمومی خارج است و بر امر خاصّی دلالت دارد.

رابعآ احادیث و اقوال ارائه شده در قبل، گواه این نکته است که تنها مصداق آیه و شأن نزول آن وجود مبارک حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می باشد که پس از نزول آیه، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ایشان را به عنوان «ولی و سرپرست» و «وصی» خود به مسلمانان حاضر معرّفی فرمودند.

۴ــ فخررازی وبعضی دیگرایرادکرده اند که علی علیه السلام باآن توجه خاصی که درحال نمازداشت وغرق درمناجات پروردگار بود ــ تا جایی که به هنگام نماز، تیرازپایش بیرون آوردند ــ چگونه ممکن است صدای سائلی را شنیده و به او توجه پیدا کند؟(۱)

در جواب باید گفت: شنیدن صدای فقیر و استجابت تقاضای او توجه به خود نیست بلکه عین توجه به خداست. سرتاسر قرآن کریم توصیه به گذشت مالی و انفاق و ایثار و دستگیری از بندگان خداست. علی علیه السلام در حال نماز از خود بیگانه بودند نه از خدا. پرداختن زکات در نماز، انجام دو فعل در راستای یکدیگر و عبادت در ضمن عبادت است، نه انجام یک عمل مباح در ضمن عبادت. آنچه با روح عبادت سازگار نیست، توجه به مسائلی مربوط به زندگی مادی و شخصی است و توجه به آنچه که در مسیر رضای خداست، کاملا با روح عبادت سازگار است.(۲)

۵ ــ می گویند علی علیه السلام چه زکات واجبی بر ذمه داشت، با اینکه از مال دنیا چیزی برای خود فراهم نساخته بود؟

در پاسخ باید بگوییم منظور از زکات در اسلام، مطلق حق الله است در جنبه ی مالی و اقتصادی که یکی از بخش های آن خمس است؛ از جمله دیگر موارد زکات می توان به ردّ مظالم و نذرهای مالی و... اشاره نمود. خدایی که بند بند وجود ما و یکایک سلول های بدن ما تعلّق به او دارد و هرگونه تغییر و تحوّل در عالم و در زندگی بشر به اراده و مشیّت و تأیید او وابسته است و هرگونه خیر و برکت از اوست نسبت به اموال و دارایی های بشر چقدر حق دارد؟ آیا جز این است که تمامی دارایی های بشر از آن خداست؟ خداوند از سر مرحمت گفته است: ای مؤمن و بنده ی من! تو زندگی خود را بر مبنای تلاش و بندگی سامان ببخش و از مازادهای آن بخشی را در راه خدا بده. اگر خواستی قدم های بیشتری در جهت قرب الهی برداری، انفاق از مانده ی مزبور نیز بکن. حضرت علی علیه السلام در نگاه الهی خود همه ی هستی و دارایی خویش را از آن خدا می بیند و گوشه ای از آن حقوق الهی را در عبادت خود به فقیری اعطا می کند. این فعل آن حضرت اساسآ، خارج از بحث

۱- تفسیر الکبیر ۲ / ۳۱.

۲- تفسیر نمونه ۴ / ۴۲۸.

زکات واجب بر ذمّه او می باشد؛ هرچند که امیرالمؤمنین از کوشاترین افراد در عرصه های مختلف حتّی در امور کار و زندگی بوده است و در سایه ی درآمدهای ناشی از این تلاش ها در زمان های مختلف می توانستند بنده بخرند و آزاد کنند، یتیم نوازی کنند، به مستمندان شبانه و روزانه سرکشی و کمک نمایند و باغات آباد شده را برای نیازمندان وقف نمایند.

۶ــ می گویند این تفسیر با آیات قبل و بعد سازگار نیست، زیرا در آن ها ولایت به معنی دوستی آمده است.

در پاسخ می گوئیم: آیات قرآن چون تدریجآ و در وقایع مختلف نازل گردیده همیشه پیوند با حوادثی دارد که زمینه آن نازل شده است و چنان نیست که آیات یک سوره یا آیاتی که پشت سر هم قرار دارند، همواره پیوند نزدیک از نظر مفهوم و مفاد داشته باشند؛ لذا ممکن است دو آیه پشت سر هم باشد ولی از لحاظ شأن نزول متفاوت باشند.

۷ ــ می گویند علی علیه السلام انگشتری با آن قیمت گزاف را که در تاریخ نوشته اند از کجا بدست آورده است؟(۱)

در جواب می گوئیم: شاید آنچه درباره قیمت آن انگشتر نوشته شده است بیشتر مبالغه باشد به گونه ای که در روایت ضعیفی، قیمت آن معادل مالیات سرزمین شام ذکر شده است. اساسآ یکی از راه های بی ارزش نشان دادن یک مسأله، گفتارهای مبالغه آمیز پیرامون آن است که اصل مسأله را تحت الشعاع قرار می دهد. هرچند که نمی توان یک واقعیت تاریخی را با اینگونه سخنان پرده پوشی کرد.

در عین حال از جمله گفته شده است که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام انگشتر خویش را که هزار دینار ارزش داشت به پیرمرد سائل داد؛ انگشتری که نجاشی پادشاه حبشه برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هدیه فرستاده بود و آن حضرت نیز انگشتر را به علی علیه السلام بخشیده بود.(۲)

همان گونه که می دانیم فرستادگان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حبشه، در دیدار با نجاشی، پس از گفتگو پیرامون دیدگاه قرآن و اسلام در مورد حضرت مسیح ۷ با استقبال گرم او روبرو شدند. از سوی دیگر چندان دور از ذهن نیست که هدیه ی یک پادشاه برای یک پیامبر الهی، هدیه ای گران قیمت باشد.

امّا آنچه که اهمیت بسیار دارد آن است که:

واقعه ی رجوع پیرمرد به مسجد برای دریافت کمک، اعطاء انگشتری توسط امیرالمؤمنین علی علیه السلام و نزول آیه مورد بحث در شأن آن حضرت اتّفاق افتاده است و زرق و برق های مادّی در برابر دیدگان مردان الهی ــ نظیر مولا علی علیه السلام ــ رنگ و جلوه ای ندارند و ایشان به قصد قربهً الی الله عمل خویش را انجام داده اند.

آیه ی تبلیغ

اشاره

۱- التفسير الكبير ۲۱ / ۳۱.

۲- علی علیه السلام در قرآن و سنت / محمود جوهرچی / ص ۳۰.

آیه تبلیغ (۱)

(«یا ایّها الرّسول بلّغ ما انزل الیک من ربّک و ان لم تفعل فما بلّغت رسالته واللّه یعصمک من النّاس ان اللّه لا یهدی القوم الکافرین) (مائده / ۶۷)

(ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملا (به مردم) برسان، و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای. خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم نگاه می دارد، و خداوند، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی کند.)

شأن نزول آیه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در آخرین سال عمر شریفشان مراسم حجه الوداع را با تعداد بسیار زیادی از مسلمانان سرزمین های مختلف که گفته می شود حدود هفتاد تا صد و بیست هزار نفر بودند، بجا آوردند. در این مراسم باشکوه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تمام احکام حج را به طور کامل برای مسلمانان بیان و اجرا کردند. مسلمانان نیز خوشحال بودند که در این سفر در کنار پیامبرشان حضور دارند و توفیق انجام این عبادت بزرگ را یافته اند.

در هنگام بازگشت از سفر حج، مسلمانان به سرزمین جحفه و سپس به بیابان های خشک و سوزان «غدیر خم» رسیدند. غدیر خم در حقیقت چهار راهی است که مردم سرزمین حجاز را از هم جدا می کند. یک راه به سمت مدینه در شمال ــ راهی به سمت عراق در شرق ــ و یک راه به سمت غرب و سرزمین مصر ــ و یک راه هم به سمت سرزمین یمن در جنوب پیش می رود.(۲) در همین

۱- برای اطلاع بیشتر ر ــ ک به: ۱ ــ تفسیر مجمع البیان (۲ / ۲۲۲) ۲ ــ تفسیر گازر (۲ / ۴۰۲) ۳ ــ تفسیرمواهب علیه (۱ / ۳۳۵) ۴ ــ تفسیر منهج الصادقین (۳ / ۲۷۳) ۵ ــ تفسیر شریفلاهیجی (۱ / ۶۸۲) ۶ ــ تفسیر اثنی عشری (۳ / ۱۳۴) ۷ ــ تفسیر انوار درخشان (۵ /۷۱) ۸ ــ تفسیر جامع (۲ / ۲۳۶) ۹ ــ تفسیر کشف الحقایق (۱ / ۴۷۹) ۱۰ ــ تفسیرخسروی (۲ / ۴۲۳) ۱۱ ــ تفسیر المیزان (۶ / ۴۲) ۱۲ ــ تفسیر آسان (۴ / ۲۱۸) ۱۳ ــتفسیر روان جاوید (۲ / ۲۴۳) ۱۴ ــ تفسیر نمونه (۵ / ۲) ۱۵ ــ تفسیر احسن الحدیث(۳ / ۱۰۸) ۱۶ ــ تفسیر اطیب البیان (۴ / ۴۲۲) ۱۷ ــ تفسیر راهنما (۴ / ۴۹۱) ۱۸ ــتفسیر حبری (۱ / ۲۶۲) ۱۹ ــ تفسیر فرات کوفی (۱ / ۱۲۹) ۲۰ ــ تفسیر قمی (۱/۱۷۱) ۲۱ ــ تفسیر عیاشی (۱ / ۳۳۱) ۲۲ ــ تفسیر التبیان (۳ / ۵۸۷) ۲۳ ــ تفسیرصافی (۲ / ۵۱) ۲۴ ــ تفسیر برهان (۲/۳۳۴) ۲۵ ــ تفسیر نورالثقلین (۱ / ۶۵۲) ۲۶ ــتفسیر المعین (۱ / ۳۰۳) ۲۷ ــ تفسیر

الوحیز (۱ / ۳۹۱) ۲۸ _ تفسـیر کنزالدقائق (۴ /۱۶۶) ۲۹ _ تفسیر شبر (۱ / ۱۱۹) ۳۰ _ تفسـیر الجوهر الثمین (۲ / ۱۹۷) ۳۱ _ تفسیرمقتنیات الدرر (۴ / ۵۴) ۳۲ _ تفسیر جدید (۲ / ۴۹۷) ۳۳ _ تفسیر تقریب القرآن (۶ /۱۱۸) ۳۴ _ تفسیر فرقان (۹ / ۹۵) ۳۵ _ تفسـیر من وحی القرآن (۸ / ۱۶۹) ۳۶ _تفسیر الکاشف (۳ / ۹۶) ۳۷ _ تفسـیر من هدی القرآن (۲/ ۴۲۸) ۳۸ _ تفسیر المنیر(۳ / ۷۰) ۳۹ _ الدر المنثور (۲ / ۲۹۸).

۲- تاریخ پیامبر اسلام ۵۱۲.

سرزمین آخرین خاطره و مهم ترین مأموریت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به شرح ذیل شکل گرفت :

روز پنجشنبه سال دهم هجرت بود. درست هشت روز از عید قربان می گذشت که دستور توقف از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مسلمانان داده شد. مسلمانان با صدای بلند، آنهایی را که پیشاپیش قافله در حرکت بودند به بازگشت دعوت کردند و مهلت دادند تا عقب افتادگان نیز برسند. آخر فرشته ی وحی برای چندمین بار اجرای دستور الهی را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تأکید کرده بود :

(یا ایّها الرّسول، بلّغ ما اُنزل الیک من ربّک و ان لم تفعل فما بلّغت رسالته...)

خورشید به شدت می تابید. موذّن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با صدای اللّه اکبر مردم را به نماز ظهر دعوت کرد. مردم برای انجام مراسم نماز آماده می شدند، ولی گرمی هوا به حدی بود که عده ای مجبور شدند قسمتی از عبای خود را به زیر پا و طرف دیگر را به روی سر بیفکنند. نه سایبانی بود و نه سبزه و درختی. نماز ظهر که به پایان رسید، مسلمانان خواستند فورآ به خیمه های کوچکی که با خود حمل می کردند پناه ببرند، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آنها اطلاع دادند که همه باید برای شنیدن پیام تازه الهی خود را آماده کنند. همه با خود می گفتند این چه پیام مهمی است که ما را به خاطر آن در این گرمای سوزان نگاه داشته اند. مسلمآ مسأله کوچک و کم اهمیتی نبود.

برای اینکه همه مسلمان چهره ملکوتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را ببینند، منبری از جهاز شتران ترتیب دادند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر فراز آن قرار گرفت. نخست حمد و سپاس پروردگار را به جای آورد و خود را به خدا سپرد و سپس مردم را مخاطب ساخت و فرمود:

من به همین زودی دعوت خدا را اجابت کرده، از میان شما می روم. من مسئولم شما هم مسئولید. شما درباره من چگونه شهادت می دهید؟

مردم صدا بلند کردند و گفتند:

نشهد انّک قد بلّغت و نصحت وجهدت فجزاک اللّه خیرآ.

ما گواهی می دهیم تو وظیفه رسالت را ابلاغ کردی و شرط خیرخواهی را انجام دادی و آخرین تلاش و کوشش را در راه هدایت ما نمودی. خداوند تو را جزای خیر دهد.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: آیا شما گواهی به یگانگی خدا و رسالت من و حقانیت روز رستاخیز و برانگیخته شدن مردگان در آن روز می دهید؟

همه گفتند: آری گواهی می دهیم.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند خداوندا گواه باش...

بار دیگر فرمودند: ای مردم آیا صدای مرا می شنوید؟

گفتند: آری.

سکوت سراسر بیابان را فرا گرفت و جز صدای زمزمه باد چیزی شنیده نمی شد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: اکنون بنگرید بااین دو چیز گرانمایه و گرانقدر که در میان شما به یادگار می گذارم چه خواهید کرد؟

ص:۹۳

یکی از میان جمعیت صدا زد: یا رسول اللّه! کدام دو چیز گرانمایه؟

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بلافاصله فرمودند: اول ثقل اکبر، کتاب خداست که یک سوی آن به دست پروردگار و سوی دیگرش در دست شماست. دست از دامن آن برندارید تا گمراه نشوید. و امّا دومین یادگار گرانقدر من، خاندان منند. خداوند لطیف خبیر به من خبر داد که این دو هرگز از هم جدا نشوند تا در بهشت به من بپیوندند. از این دو پیشی نگیرید که هلاک می شوید و عقب نیفتید که باز هلاک خواهد شد.

ناگهان مردم دیدند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به اطراف خود نگاه کرد. گویا کسی را جستجو می کند و همین که چشمش به علی علیه السلام افتاد، خم شد و دست او را گرفت و بلند کرد.

همه مردم او را دیدند و شناختند. او همان افسر فداکار شکست ناپذیر اسلام بود.

در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با صدایی رساتر و بلندتر فرمودند:

«ایّها النّاس من اولی النّاس بالمؤمنین من انفسهم:»

«ای مردم! چه کسی از همه مردم نسبت به مسلمانان از خود آنها سزاوارتر است؟»

حاضرین گفتند: خدا و پیامبرش داناترند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خدا، مولی و رهبر من است و من مولی و رهبر مؤمنانم و نسبت به آنها از خودشان سزاوارترم. سپس فرمودند :

«من کنت مولاه فعلیّ مولاه»

«هرکس من مولا و رهبر او هستم، علی مولا و رهبر اوست.»

و این سخن را سه بار و به گفته بعضی از راویان حدیث، چهار بار تکرار کردند. سپس سر به سوی آسمان برداشته و عرض داشتند:

«اللّهمّ و ال من والاه و عاد من عاده و احبّ من احبّه و ابغض من ابغضه و انصر من نصره و اخذل من خذله و ادر الحقّ معه حیث دار» :(۱)

«خداوندا دوستان او را دوست بدار و دشمنان او را دشمن بدار، محبوب بدار آن کس که او را محبوب دارد و مبغوض بدار آن کس که او را مبغوض دارد، یارانش را یاری کن و آنها را که ترک یاریش کنند، از یاری خویش محروم ساز و حق را همراه او بدار و او را از حق جدا مکن.»

سپس فرمودند: آگاه باشید؛ همه حاضران وظیفه دارند این خبر را به غائبان برسانند.

خطبه پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم به پایـان رسـید؛ عرق از سـر و روی پیامبر و علی علیه السـلام و مردم فرو می ریخت و هنوز صفوف جمعیت از هم متفرق نشده بود که امین وحی خدا نازل شد و این آیه را خواند :

۱- الغدیر ۱ / ۳۱ _ ۳۴.

«الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی (۱) ...»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند :

«اللّه اکبر، اللّه اکبر علی اکمال الدّین و اتمام النّعمه و رضی الرّب برسالتی و الولایه لعلی، من بعدی»(۲)

«خداوند بزرگ تر است، همان خدایی که آئین خود را کامل و نعمت خود را بر ما تمام کرد و از نبوت و رسالت من و ولایت علی علیه السلام پس از من راضی و خشنود گشت.»

در این هنگام شور و غوغایی در میان مردم افتاد. آن ها علی علیه السلام را به این موقعیت تبریک می گفتند و از افراد سرشناسی که به او تبریک گفتند، ابوبکر و عمر بودند که این جمله را در حضور جمعیت بر زبان جاری ساختند :

بخّ بخّ لک یا علی بن ابیطالب، اصبحیت و امسیت مولای و مولا کلّ مؤمن و مؤمنه

تبریک، تبریک بر تو باد، ای علی فرزند ابوطالب. تو مولا و رهبر من و تمام مردان و زنان با ایمان شدی. (۳)

پس از پایان مراسم تعیین و نصب جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در سرزمین غدیرخم، مسلمانان برخاستند و هر گروه و دسته ای به جانب مقصد خود روان گشت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و عده زیادی که از مدینه به همراه آن حضرت آمده بودند راه شهر خویش را در پیش گرفتند، به طوری که هنوز سال دهم به پایان نرسیده بود که آن ها وارد مدینه شدند. چندی بعد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در بستر بیماری افتاد که به رحلت آن سرور انجامید، این در حالی بود که به امر الهی تکلیف جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از قبل روشن شده بود. (۴)

بررسی نکاتی در آیه تبلیغ

این آیه به دنبال خود بحث های مفصلی را به همراه دارد چرا که لحن آیه صریح است و از ابلاغ پیام مهمی توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخن می گوید که عدم ابلاغ آن پیام، مساوی با از بین رفتن تمام زحمات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در طول بیست و سه سال تلاش دوران رسالت اوست. گویا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از چیزی در ابلاغ این موضوع نگران بوده اند که در انتهای آیه خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: خدا تو را از گزند مردم حفظ می کند و گروه کافرین را هدایت نمی کند. این پیام مهم چه بوده است که خداوند تا این پایه روی آن تأکید داشته است؟

عده ای گفته اند این پیام مهم مسأله توحید و مبارزه با بت پرستی است. در جواب می گوئیم: با توجه به زمان

۱- مائده / ۳.

۲- مجمع البیان ۳ / ۲۴۶.

۳- تفسیر نمونه ۵ / ۲.

۴- غدیر در آیینه ی قرآن و روایات / ۱۵.

نزول این سوره که مربوط به آخرین سال حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و حتی طبق برخی از روایاتی که در تفاسیر شیعه و سنی آمده است، آخرین سوره ای است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل گشت(۱) این سخن

صحیح نمی باشد زیرا آشنایی با خدا و توحید از اولین آموزش های دین می باشد و پیامبر عظیم الشأن اسلام به صورت عملی نیز در دعوت و فتح مکه، تمام بت ها را شکست و اساس بت پرستی را برانداخت.

برخی گفته اند پیام مهم مربوط به احکام و قوانین اسلامی بوده است و حال اینکه از سالهای اول ظهور اسلام، احکام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مطرح شده بود، و از طرفی ابلاغ احکام، چیزی نیست که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خاطر ابلاغ آن، هراس داشته باشد و خداوند با جمله (واللّه یعصمك من الناس) او را تسکین دهد.

دیگرانی گفته اند این پیام مهم، مربوط به مبارزه با اهل کتاب و یهود و نصاری بوده است. امّا به یقین کسانی که با تاریخ اسلام آشنائی دارند، می دانند که مسأله اهل کتاب، بعد از ماجرای «بنی النضیر» و «بنی قریظه» و «بنی قینقاع» و «خیبر» و «فدك» و «نجران» مشکلی برای مسلمانان محسوب نمی شد؛ پس این پیام مربوط به اهل کتاب نبوده است چرا که در پایان عمر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اهل کتاب قدرت و نفوذی در عربستان نداشتند و در نبردهای مختلف خود با مسلمانان به کلّی تضعیف شدند.(۲)

آیا چه مسأله مهمی در بین بوده که خداوند مستقیماً پیامبرش را با عنوان رسول خطاب می کند و صریحاً به او می گوید که اگر این پیام را ابلاغ نکنی، گویی رسالتت را بیان نکرده ای؟ به عبارت دیگر این مسأله چیزی معادل اصل نبوت و رسالت پیامبر بوده است که در صورت عدم ابلاغ آن، رسالت ناقص می شده است چرا که می فرماید: (و ان لم تفعل فما بلّغت رسالته)(۳)

اگر کمی منصف باشیم و به عقل و وجدان بیدار رجوع کنیم و حال و هوای آیه و شرایط نزول آن را در نظر بگیریم متوجه می شویم تنها مسأله ای که عدم ابلاغ آن برابر با از بین رفتن دین است، مسأله تعیین جانشین بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است چرا که اگر جانشین برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تعیین نشود، آنهم در آخرین سال حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، مسلماً اصل دین الهی با خطر نابودی یا انحراف توسط دشمنان اسلام، روبرو خواهد شد و مردم منجی الهی برای هدایت خویش ندارند. از طرف دیگر اگر کسی شأن نزول آیه و شرایطی را که آیه در آن نازل شده در نظر بگیرد، مطمئناً اذعان خواهد کرد که این پیام، چیزی جز جانشین نخواهد بود.

این آیه بدان علت نازل شده که به رسول خدا فرمان دهد ولایتعهدی برادر و وزیر و وصی خود علی علیه السلام را به مردم ابلاغ کند وگرنه فلسفه ی آن همه سختگیری و لحن تند آیه، آن هم در زمانی که او همه ی فرمان های

۱- تفسیر تبیان ۱ / ۴۱۳ _ تفسیر ابن کثیر ۲ / ۳.

۲- غدیر در آینه قرآن و روایات / ۲۳.

۳- بررسی شخصیت اهل بیت در قرآن / ۱۳۱.

وادارنده و بازدارنده خداوند را به مردم رساننده است، چیست؟(۱)

در سایه ی معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام و خط امامت ائمه دوازده گانه شیعه تا حضرت مهدی (عج) توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر، هرچند عموم این رهبران الهی از خلافت ظاهری در جامعه محروم بودند، لکن به واسطه ی حضور آنان و انجام وظایف امامتی خویش و تلاش تا مرزهای شهادت یکایک آنان، اصل دین حفظ و طریق هدایت برای مشتاقان عبودیت و اطاعت الهی همواره باقی ماند.

نقد و بررسی

موضع گیری پیروان مکتب خلفا در کتابهای خود پیرامون این آیه چند نوع است:

_ گروهی از آنان احادیث انتخاب علی علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بیان کرده اند و البته ایرادهایی هم گرفته اند.

_ گروهی دیگر این احادیث را در کتابهایشان ذکر کرده اند ولی نه به عنوان حجت بلکه به عنوان یک قول، نظیر سایر اقوال و گاهی هیچ اظهار نظری هم ننموده اند.

_ و بالاخره گروه سوم اصل واقعه را زیر سؤال برده اند و تمام ماجرا را انکار کرده اند و تمام احادیثی را که در این باب رسیده است مجعول و غیرواقعی خوانده اند.

منابع نقل حدیث غدیر

یکی از راویان اصلی حدیث غدیر حذیفه بن اسید مشهور به ابوسریحه غفاری است چنان که قندوزی در ینابیع الموده (ص ۳۸) آورده است.(۲)

ترمذی در سنن خود (۲ /۲۹۸) به نقل از سلمه بن کهیل از ابوطفیل؛ ابن صباغ مالکی در الفصول المهمّه (ص ۲۵) به نقل از ابوالفتوح اسعد بن ابی الفضائل عجلی؛ ابن کثیر در البدایه و النهایه (۵/۲۰۹ و ۷ / ۳۴۸) ؛ ابن حجر در الصواعق المحرقه (ص ۲۵) به نقل از طبرانی؛ حلبی در سیره الحلبیه (۳ / ۳۰۱)؛ حافظ هیثمی در کتاب مجمع الزوائد (۹ / ۱۶۵) (با تمام جزئیات) از طریق طبرانی؛ بدخشی در نزل الابرار (ص ۱۸) از طریق ترمذی در نوادر الاصول؛ سیوطی در تاریخ الخلفاء (ص ۱۱۴) به نقل از ترمذی؛ خطیب خوارزمی در مقتل؛ و قاضی در تاریخ آل محمد (ص ۶۸) حدیث غدیر را از احادیثی شمرده اند که از صحابه روایت شده است.(۳)

۱- امامت در پرتو کتاب و سخت / ۴۶۳.

۲- حدیث غدیر به روایت حذیفه یمانی مفصّل ترین روایت از این ماجرااست. این حدیث به صورت کتابی مستقل با نام «بلندترین داستان غدیر» باتوضیحات و تعلیقات و مدارک تکمیلی توسط آقای محمد رضا انصاری تألیف وتوسط انتشارات اعجاز در قم به چاپ رسیده است. در چاپ سوم این کتاب مربوط بهسال ۸۲ صفحه ۲۵ چهار منبع قدیمی مربوط به نقل حدیث مزبور را آورده است کهاصلی ترین آن ها، کتاب «الیقین» سید ابن طاووس صفحه ۳۸۴ تا ۳۸۷ باب ۱۳۸می باشد.

۳- الغدیر ۱ / ۲۷ / ۲۵.۲. امامت در پرتوکتاب و سنت ۵۰۳ _ ۴۹۹.

زیـدبن ارقم انصاری خزرجی از دیگر راویان حدیث غدیر است. احمدبن حنبل در مسـند خود (۴/ ۳۶۸) به نقل از ابن نمیر از عبـدالملک بن سـلیمان، از عطیه عوفی این حـدیث را آورده است. نسائی در خصائص (ص ۱۶) این حدیث را به سـند خود از زید و در همین کتاب (ص ۱۵) از احمد بن مثنی روایت می کند.

دولابی در الکنی و الاسـماء (۲ / ۶۱) این روایت را به نقل از احمد بن شـعیب؛ مسـلم در صـحیح خود (۲ / ۳۵۲) از ابوحیان؛ حافظ بغوی در مصابیح السنه (۲ / ۱۹۹) به نقل از زید؛ حاکم در المستدرک (۳ / ۱۰۹) از حنظلی؛ ذهبی در میزان الاعتدال (۳ / ۲۲۴) از شـعبه، از ابوعبـداللّه میمون از زید، حدیث را نقل کرده اند.(۱) راویان حدیث بسیارند که ذکر آنها از حوصله این مجموعه خارج است.

پاسخ برخی از شبهه ها

۱ ـ عـده ای از مفسـران اهل سـنّت بر این عقیـده انـد که آیه تبلیغ در مکه نازل شده و هدف از نزول آن، سـفارش خداوند به رسول خود در تبلیغ احکـام دین به مشـرکان بوده است. به عقیـده آنها رسول خـدا در مکه در شـرایط ضـعف به سـر می برده است. این مفسران در تأئید نظر خود به روایاتی به این مضمون استناد کرده اند: هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از منزل خارج می گشت، ابوطالب عده ای را به دنبال او گسیل می داشت که از وی مراقبت کند تا اینکه آیه «واللّه یعصمک من الناس» نازل گردیـد. در این زمان پیامبر به عموی خود گفت: ای عمو، خداوند مرا حفظ می کند و دیگر نیاز نیست که کسـی را به مراقبت از من بگماری!(۲)

در جواب بایـد گفت سوره ی مائده به اتفاق نظر مفسـران در مدینه نازل شده اسـت(۳) و بلکه از آخرین سوره هـای نازله در مدینه است(۴) بنابراین چگونه ممکن است که آیه تبلیغ در مکه نازل شده

باشد؟

برخی دیگر از مفسـران اهل سـنّت در برابر قطعیّت نزول سوره مائـده در مـدینه گفته انـد: سوره ی مائده در مدینه نازل شده به اسـتثنای آیه تبلیغ که در مکه نازل شـده است. اما در نقد این صـحبت باید گفت به فرض که آیه تبلیغ در مکه نازل شده و در اواخر عمر رسول خـدا در سوره مائده جاگذاری شده باشد؛ در این سالهای طولانی این آیه در کجا قرار داشـته و به چه شـکل قرائت می شده است؟ آیا پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم این آیه را بایگانی فرمود تا دیگر آیات سوره مائده نازل شود و آن وقت آن را در ردیف آیات سوره مائده قرار دهد؟(۵)

۱- [۱]

۲- تفسـیر ابن کثیر ۲ / ۸۱.۲. ثعالبی در تفسـیر خود نوشـته است«هذه السوره مدینه بالاجماع» ۱ / ۴۰۴، نقل از کتاب غـدیر در

آینه قرآن و روایات ۳۰.

۳- [۳]

۴- تفسیر تبیان ۱ / ۴۳۳.

۵- شیعه در بحث جمع آوری و تدوین قرآن دیدگاه خاصّی دارد. اجماععالمان شیعه بر این نکته تأکید دارد که نه کلمه ای به قرآن اضافه شده و نه چیزی از آنکم شده است. از سوی دیگر هنگامی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام قرآن تدوین شده راپس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ابوبکر و عمر ارائه کردند، آن دو که با شعار «حسبناکتاب الله» عترت را کنار زده بودند، این قرآن را نیز نپذیرفتند... و در نهایت قرآن هایموجود در ممالک اسلامی بر پایه جمع آوری و تدوین زمان عثمان می باشد که خیلیربطی به شیعه ندارد. از سوی دیگر اقوال منقول از صحابه بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نظیرحذیفه حکایت از نزول آیه تبلیغ در جریان غدیر دارد.

پیغمبر ما هرگز در شرایط ضعف نبوده و حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بخاطر مشرکان نبوده است بلکه مصداق «ناس» در عبارت قرآنی: «واللّه یعصمک من الناس» کسانی جز منافقان درون جامعه اسلامی نبوده اند که نگران رهبری جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده اند و پیامبر در معرفی علی علیه السلام با جانشینی خود از مخالفت این گروه واهمه داشته است که خداوند او را تسکین می دهد.(۱)

۲ _ اشکال دیگری که مطرح کرده اند این است که اگر «آیه تبلیغ» درباره ی ابلاغ امامت و پیشوایی و خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است و موضوع از اینگونه حساسیت بالایی برخوردار است، چرا اصل مطلب امامت و ولایت حضرت ۷ به صراحت در قرآن نیامده است؟ اگر امامت او این قدر مهم است چرا مستیقماً در قرآن به آن اشاره نشده است؟

در پاسخ به این سؤال می گوییم:

اوّلا همه مسایل اسلامی به طور مستقیم در قرآن اشاره نشده است. مثلا خدا در قرآن به صورت کلّی دستور خواندن نماز را می دهد امّا جزئیات نماز خواندن را پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیان می فرمایند. ما به عنوان مسلمان وظیفه داریم که طبق دستور الهی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دستورات و راهنمایی های ایشان استفاده کنیم. خداوند در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

(ما ینطق عن الهوی ان هو الّا وحی یوحی)(۲)

((پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) از هوای نفس سخن نمی گوید، بلکه سخن او به جز وحی نیست.)

بر پایه ی صراحت این کلام الهی، تمامی اوامر و نواهی و بیانات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از طرف خدا است، ولو آنکه وحی قرآنی نباشد. اساساً فرقی بین قرآن و کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از این جهت نمی باشد و ما موظف به پیروی از هر دو می باشیم.

خداوند در جای دیگری از قرآن می فرماید:

(ما آتیکم الرّسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا)(۳)

(آنچه رسول صلی الله علیه و آله و سلم امر می کند بگیرید و آنچه را که نهی می کند رها کنید.)

۱- غدیر در آینه قرآن و روایات ۳۰ _ ۲۹.

۲- سوره نجم ۳ و ۴.

۳- سوره حشر ۷.

در این آیه نیز بر مطلب فوق تأکید می شود. خداوند به صراحت امر می کند که هرچه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیان داشت مورد قبول است و مردم باید آن را بپذیرند. وقتی این گونه باشد دیگر جای بهانه ای باقی نمی ماند که چرا مطلبی به صورت کلّی در قرآن بیان شده و جزئیات آن به پیامبر واگذار شده است. این شیوه و سنّت الهی در قرآن است. ملاک مسلمان و مؤمن بودن ما نیز این است که در برابر اوامر و نواهی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تسلیم باشیم.

در تبیین همین تبعیت از رسول و جایگاه آن در دیدگاه دینی قرآن اینچنین می گوید :

(قسم به پروردگار تو ای رسول! مؤمن نیستند مگر آن که در مشاجراتشان آنچه را که تو حکم کردی بپذیرند واز آنچه تو قضاوت نمودی، حتّی در درونشان هم اعتراضی نداشته باشند و دربست تسلیم باشند.)(۱)

خداوند در این آیه لازمه ی مؤمن بودن را تسلیم فکر و دل مسلمان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می داند و می فرماید مؤمن کسی است که حتّی در دل هم نسبت به فرمایشات نبوی اعتراض نداشته باشد؛ زیرا او فرستاده ی خدا و معصوم است و به گواهی خود خدا، همه ی فرمان های او از طرف خدا است و باید اجرا گردد.

ثانیاً اگر مستقیماً جزئیات امامت حضرت علی علیه السلام در قرآن ذکر می شد این احتمال وجود داشت که مخالفان آن حضرت، موجبات تحریف لفظی قرآن را فراهم آورند.

خداوند وعده فرموده است که کتاب آسمانی خود را حفظ نماید ولی همه ی امور را از جریان و مسیر طبیعی خود پیش می برد لذا حفظ قرآن در این راستا به این معنی است که مطالب را به گونه ای قرار می دهد تا اذهان از دستبرد به آن منصرف شوند. دشمن و مخالفین گمان می بردند که آیات بر این مبنا قابل توجیه است و می توانند مردم را از حقیقت دور کنند لذا از این آیات گذشته و آنها را رها کردند. گردآوری آیات و سوره های قرآن در زمان عثمان ــ که خود از مخالفین امیرالمؤمنین واهل بیت بود ــ انجام شد و قرآن های موجود مربوط به تدوین همان زمان است که به دلیل تسلسل ایجاد شده و گسترش تکثیر، دیگر امکان کم و زیاد کردن آن وجود ندارد.

از جهت دیگر بیان اینچنین آیات قرآن از سوی خداوند و نوع برخورد انسان ها و مسلمانان با آن خود نوعی آزمایش برای آن ها است چرا که ایمان تنها بیان لفظی نیست ودر کنار آن پذیرش و تبعیت در سایه ی رجوع به آیات محکمات قرار دارد.

آیه ی تطهیر

اشاره

آیه تطهیر(۲)

ص:۱۰۰

۱- سوره نساء ۶۵.

۲- برای اطلاع بیشتر ر ـ ک به: ۱ ـ تفسیر روض الجنان و روح الجنان (۱۵ / ۴۱۴) ۲ ـ تفسیر مجمع البیان(۴ /۳۵۶) ۳ ـ تفسیر گازر (۸ / ۵) ۴ ـ تفسیر منهج الصادقین (۷ / ۳۱۵) ۵ ـ تفسیرشریف لاهیجی (۳ / ۶۳۰) ۶ ـ تفسیر اثنی عشری (۱۰ / ۴۳۹) ۷ ـ تفسیر انواردرخشان (۱۳ / ۱۰۳) ۸ ـ تفسیر جامع (۱۵ / ۳۵۱) ۹ ـ تفسیر حجه التفاسیر (۷ /۱۹۵) ۱۰ ـ تفسیر کشف الحقایق (۲ / ۸۸۵) ۱۱ ـ تفسیر خسروی (۷ / ۲۹) ۱۲ ـتفسیر المیزان (۱۶ / ۳۲۷) ۱۳ ـ تفسیر مخزن العرفان (۸ / ۲۲۳) ۱۴ ـ تفسیر عاملی(۷ / ۱۷۹) ۱۵ ـ تفسیر نمونه (۱۷ / ۲۹۰) ۱۶ ـ تفسیر احسن الحدیث (۸ / ۳۵۲)۱۷ ـ تفسیر اطیب البیان (۱۰ / ۵۰۰) ۱۸ ـ تفسیر فرات الکوفی (۱ / ۳۳۱) ۱۹ ـتفسیر قمی (۲ / ۱۹۳) ۲۰ ـ تفسیر التبیان (۸ / ۳۳۸) ۲۱ ـ تفسیر برهان (۴ / ۳۰۸)۲۲ ـ تفسیر نورالثقلین (۴ / ۲۶۸) ۲۳ ـ تفسیر کنزالدقائق (۱۰ / ۳۷۱) ۲۴ ـ تفسیرشبر (۱ / ۴۲۲) ۲۵ ـ تفسیر مقتنیات الدرر (۸ / ۳۰۰) ۲۶ ـ تفسیر الجدید (۵ / ۴۳۵)۲۷ ـ تفسیر تقریب القرآن (۲۲ / ۱۲) ۲۸ ـ تفسیر الفرقان (۲۴ / ۱۰۵) ۲۹ ـ تفسیر منوحی القرآن (۱۸ / ۳۱۵) ۳۰ ـ تفسیر الکاشف (۶ / ۲۱۵) ۳۱ ـ الدر المنثور (۵ /۱۹۸) ۳۲ ـ تفسیر کشف الاسرار (۸ /۵) ۳۳ ـ تفسیر ابن کثیر (۴ / ۵۲۶) ۳۴ ـ تفسیرروح المعانی (۲۲ / ۱۴) ۳۵ ـ تفسیر خازن (۳ / ۴۶۷).

(و قرن فی بیوتکنّ و لاـ تبرّجن تبرّج الجاهلیّه الاـولی و اقمن الصّـلوه و اتین الزّکوه و اطعن اللّه و رسولهُ انّما یرید الله لیذهب عنکم الرّجس اهل البیت و یطهّرکم تطهیرآ) (احزاب/۳۳)

(و در خانه های خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید، و خدا و رسولش را اطاعت کنید، خداوند فقط می خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و کاملا شما را پاک سازد.)

شأن نزول آیه

این آیه کریمه از معروفترین آیاتی است که براساس روایات خاصه و عامه، در مورد افراد ویژه ای از بستگان رسول خدا نازل شده است.

این آیه، سندی مستحکم در دلالت برتری اهل بیت و شایستگی و پاکی آنهاست. آیه تطهیر، انسانهایی را ترسیم می کند که از افق یک انسان ارزنده، بسیار برترند.

اراده ی خدا این است که تنها از اهل بیت، نه سایر مردم و نه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، بلکه از شایستگان بیت نبوت یعنی از پنج تن آل عبا روحیه ی شیطنت، زشتی، شک و دودلی، امراض روحی، رذایل اخلاقی را بردارد و آنها را از هرچه رجس و ناپاکی است دور دارد و یک پاکی زائل نشدنی در افق فکر و روحیه ی آنها ایجاد کند.

پیدا است که اراده ی الهی بر پیدایش این چنین بیتی در خاندان رسالت لغو نیست بلکه برای آماده شدن آنها بر یک امر مهم و خطیر، یعنی زمامداری هدایت مسلمین است ؛(۱) چرا که

اساسآ عصمت ملازم با انتخاب فرد برای امر خطیر رسالت الهی (پیام آوری) و امامت (که از شئون و شعبات نبوّت است) می باشد.

کلیاتی درباره آیه

سوره احزاب یکی از غنی ترین سوره های قرآن به لحاظ تنوّع مسائل، طرح شده است. بخشی از آیات این سوره اختصاص به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم داردکه باید در همه چیز الگو و اسوه برای زنان مسلمان باشند و در این زمینه

۱- اسباب نزول آیات ۲۹.

خداوند دستورات مهمی به آنها ارائه می دهد. خداوند در این آیات به آنها تذکر می دهد که از دنیا و زینت آن، جز عفّت و رزق کفاف بهره ای برندارنـد؛ البته این در صورتی است که بخواهنـد همسـر پیغمبر صـلی الله علیه و آله و سـلم باشـند، وگرنه ماننـد سایر مردمنـد. سپس ایشان را خطاب می کنـد که متوجه باشـند در چه موقعیّت خطیر و مهمّی قرار گرفته اند، و به خاطر افتخـاری که نصیب آن ها شـده چه حریم هایی را بایـد رعایت کننـد که دشواری هایی را نیز به همراه دارد. پس اگر از خـدا بترسند، خداوند اجر دو چندان به آنها می دهد و اگر عمل زشتی در آن ها بروز کند، عذابشان نزد خدا دو چندان خواهد بود. آنگاه ایشان را به رعایت عفت امر می نمایـد و اینکه ملازم خانه خود باشـند، و خود را به نامحرم نشان ندهند؛ نماز بگزارند و زکات دهنـد، و آنچه از آیات قرآن که در خانه هایشان نازل و تلاوت می شود یاد کننـد. در پایان نیز خداوند، عموم صالحان را وعده مغفرت و اجر عظیم می دهد.

در میان آیاتی که به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مربوط می شود، خداوند بعد از اینکه از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سـلم می خواهد که در خانه های خود قرار گیرند و مانند روزگار قدیم، زینتهای خود را آشکار نکنند و نماز برپا دارند و زکات دهند و از خدا و رسولش اطاعت کنند، در آیه ۳۳ سوره احزاب، می فرماید :

(خدا فقط اراده کرده که شما اهل بیت را از تمام آلودگیها پاک کند و شما را پاک و مطهر قرار دهد.)

تمام مسأله این است که این اهل بیت که خداوند آنان را از تمام بدی ها پاک کرده چه کسانی هستند؟

احـادیث صـحیح بسـیاری که از فریقین به دست ما رسـید، حاکی از آن است که لفظ اهل بیت فقط بر پنـج نفر زیر اطلاق می شود :

پیامبر اکرم، حضرت علی، حضرت فاطمه، حضرت امام حسن و حضرت امام حسین :.

احادیث در زمینه ی آیه تطهیر

احادیث زیادی از طریق عامّه و خاصه در این باره نقل شده است. در کتاب (غایه المرام) مُحدث بزرگوار بحرانی ۴۱ روایت از طریق اهل تسنن و ۳۴ روایت از طریق امامیه نقل می کند.(۱)

امّ سـلمه بعـد از خـدیجه ی کـبری شایسـته ترین و امین ترین همسـر پیغمبر است و زنی است حقگو که در مراحـل حسـاس از افشـای حقـایق و پشتیبـانی از امیرالمؤمنین علیه السـلام کوتـاهی نکرده است و بسـیار مورد توجه پیغمبر بود به گونه ای که آن حضرت به وی می فرمود: خانه ی تو پربرکت است.(۲)

وی مـاجرای آیه تطهیر را اینگونه نقـل می کنـد: پیغمبر صـلی الله علیه و آله و سـلم در خـانه ی من بود. فـاطمه دخـتر عزیزش غـذایی را در ظرفی از جنس سـنگ آورد. پیغمبر صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمودنـد: شوهر و فرزنـدانت را هم بیـاور تا همه تناول کنند. سفره گسترده شد. نبی اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم روی بستر خود که پوشیده به پارچه ی خیبری بود نشسته بودنـد و من در گوشه ای نماز می خوانـدم. در این اجتماع بود که آیه ی «انّما یریـد اللّه لیذهب...» نازل گشت و آن حضـرت

پس از نزول آیه، این

ص:۱۰۲

۱- اهل البیت فی الکتاب و السنه ۵۲.

۲- بحار _ باب جمع احوال از واجه و احوال ام سلمه.

عزیزان را زیر پارچه ای که روی آن قرار داشت برد و دست ها را رو به آسمان گرفت و فرمود :

ای خدا! اهل بیت و خاصّان من این چهار نفر هستند. پروردگارا! هر ناپاکی را از اینان دور، و هرچه بهتر پاک نهادشان فرما.

امّ سلمه ادامه می دهد: در حین دعا، سرم را نزدیک آوردم و گفتم: یا رسول اللّه! آا من هم مورد این دعا هستم و می توانم در کنار این جمع باشم؟

رسول خدا فرمود: نه، ولیکن تو پایان خوشی داری.(۱)

این حدیث را صاحب غایه المرام از عبداللّه پسر احمدبن حنبل به سه طریق از امّ سلمه نقل کرده است. همچنین در تفسیر ثعلبی نیز این روایت آمده است. اصولا احادیثی که محل نزول آیه را بیت امّسلمه بیان می کند بیشمار است.

در غایه المرام از حمیدی روایت شده است: شصت و چهارمین حدیث متفقٌ علیه از احادیث بخاری و مسلم، از مسند عایشه، از مصعب بن شیبه، از صفیه دختر شیبه از عایشه همین حدیث است.

این حدیث به طرق مختلف از عایشه روایت شده است.(۲)

در الدّر المنثور است که ابن مردویه، از ابی سعید خدری چنین روایت کرده است: چون علی علیه السلام با فاطمه ازدواج کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چهل روز صبح به در خانه او آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت و رحمت خدا و برکات او بر شما باد. وقت نماز است، خدا رحمتتان کند، «انّما یرید اللّه لیذهب...» من با کسی که با شما بجنگد در ستیزم و با کسی که با شما آشتی و دوست باشد، در دوستی و مدارا هستم.

صاحب الدّر المنثور این روایت را از طبرانی از ابی الحمرا و از ابن مردویه به نقل از ابن عباس نیز نقل کرده است.

دیدگاه و شبهه اهل سنّت و پاسخ آن

علیرغم اینکه در بسیاری از منابع اصیل اهل سنت، آیه ی تطهیر و شأن نزول آن بر پنج تن اهل کساء (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، امیرالمؤمنین علیه السلام ، فاطمه زهرا علیها السلام ، و حسن و حسین علیهما السلام) تطبیق شده است که به مواردی از منابع در بالا اشاره شد، لیکن بعضی از راویان حدیث و نویسندگان اهل سنت اصرار ورزیده اند تا بقبولانند با توجه به سیاق آیات، این آیه منحصر در بانوان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و یا حداقل همسران آن حضرت در ردیف اهل کساء و مشمول آیه تطهیر بوده اند. از جمله کسانی که بر این دیدگاه پای فشرده اند به «عکرمه»، «مقاتل بن سلیمان» و «عروه بن زبیر» می توان اشاره داشت.

۱- ذخائر العقبی ۲۱ به نقل از کتاب امامت در پرتو کتاب و سنت ۳۰۴.

۲- الامام الصادق و المذاهب الاربعه ۱ / ۸۸ به نقل از کتاب امامت ۲۰۱.

در پاسخ به این اشکال از جمله پاسخ های زیر ارائه می گردد:

۱ ــ محقق بزرگ معاصر، علامّه شرف الدین در کتاب «الکلمه الغرّاء فی تفصیل الزّهراء ۳» با ارائه دهها مدرک و مأخذ راجع به نامبردگان اثبات می کند که نامبردگان از دشمنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام بودند و براساس همین دشمنی، در توجه به شأن نزول و تفسیر آیه ی فوق، راه خطا و افراطی پیموده اند.(۱)

۲ ــ ثانیاً در برابر احادیث متواتره مبنی بر معرفی خامس آل عبا به عنوان تنها مصادیق آیه تطهیر، سخن آقایان اجتهاد ناصحیح در برابر نص است.

۳ ــ در عبارات آیات قبل و بعد آیه مورد نظر، ضمیرهای خطاب آیات به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، ضمیرهای جمع هستند؛ حال آنکه در آیه ی مورد نظر ضمیرهای خطاب مذکر هستند.

۴ ــ هرچند که حضرت زهرا علیها السلام در بین پنج تن آل عبا : حضور داشته اند امّا ضمیرهای خطاب آیه مذکّر آمده است که به اعتبار قاعده ی تغلیب (غلبه) می باشد که امری منطقی است.(۲)

۵ ــ بیان جمله ی معترضه در عرف عامه مردم و در کلام اهل بلاغت زیاد اتّفاق می افتاد. آیات قرآنی نیز از این مسأله مستثنا نیستند. در سوره احزاب که آیه تطهیر یکی از آیات آن است، جملات معترضه فراوان به کار رفته است، یا برای مثال در سوره یوسف آیه های ۲۸ و ۲۹، سوره نمل آیه های ۳۴ و ۳۵ و سوره واقعه آیه های ۷۵ تا ۷۷ نمونه هایی از بیان جمله معترضه در قرآن ملاحظه می گردد. آیه تطهیر نیز در بین آیات قبل و بعد آن، از این جهت نیز قابل توجه است.

۶ ــ مسلمین اعم از شیعه و سنّی اتفاق نظر دارند که ترتیب قرآن کریم موجود، به ترتیب نزول آن از سوی خداوند بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیست.(۳) بنابراین استدلال به سیاق آیات در جایی که با

ادلّه ی قطعیه معارض باشد، با آن برابری نخواهد کرد.

۷ ــ با بررسی آیات قرآن مربوط به انبیاء پیشین ملاحظه می گردد که:

اوّلاـ زنان برخی از انبیاء سلف (مانند همسران حضرت نوح و لوط) به دلیل ضلالت و گمراهی به ورطه هلاکت و عذاب افتادند.

ثانیاًخداوند به تقاضای پیامبرخویش حضرت ابراهیم علیه السلام که تقاضا نمود عهد و پیمان نبوت وامامت و پیشوایی در

۱- الکلمه الغرّاء فی تفصیل الزهراء / سید عبدالحسین شرف الدین ترجمهمحسن بیدارفر / ص ۵۶ تا ۶۳ انتشارات الزهراء (تهران) / تاریخ انتشار ۱۳۶۲.

۲- قاعده تغلیب زمانی مورد توجه است که در مخاطبین افرد مذکر ومؤنث حضور دارند و به اعتبار برتری تعداد، یکی از دو جنس در ضمیر خطاب بردیگری غلبه داده می شود.

۳- قرآن های موجود به دوره ی جمع آوری آیات در زمان حکومت عثمانبازمی گردد.

ذرّیه ی او نیز استمرار یابد، به صراحت پاسخ منفی می دهد و می فرماید : (لا ینال عهدی الظّالمین).

با توجه به موارد فوق پرواضح است که دلیلی ندارید که زنان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را بدون جهت درزمره ی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که مشمول تطهیر الهی شده اند قلمداد نماییم به ویژه آن که برخی از آنها فاقد پرونده ی روشن و شفّاف اعتقادی و عملی می باشند.

۸ ــ ممانعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از امّ سلمه برای ورود به جمع اهل کسا (علیرغم تقدیر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از او) حکایت می کند که استدلال به اینکه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اهل بیت ایشان یا حداقل جزء آنها هستند، به صورت عملی توسط خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مردود شناخته شده است.

۹ ــ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از تکمیل پنج تن آل عبا در زیر کسا (عبا) فرمودند: «پروردگارا! اینها اهل بیت من هستند.» و نفرمودند : «پروردگارا! اینها از اهل بیت من هستند». بدین ترتیب اهل بیت خویش را به صورت شفّاف و انحصاری در معرض دید و شناخت مسلمانان قرار دارند.

بررسی نکاتی در آیه تطهیر

۱ ــ انّما

این آیه شریفه با کلمه «انّما» آغاز شده است که می دانیم در زبان و ادبیات عرب کلمه «انّما» از قوی ترین ادوات حصر و انحصار می باشد که موضوع بعد خود را اثبات و غیر آن را نفی می کند. مثلا هنگامی که می گوئیم «انّما الفقیه علی» یعنی همانا فقط علی فقیه است و بس.

در پرتو چنین معنایی از حصر، مفهوم آیه کریمه تطهیر چنین می شود :

اثبات تطهیر برای اهل بیت علیهم السلام به اراده خداوند و نفی اینکه خداوند اراده تطهیر افرادی غیر از اهل بیت علیهم السلام را به هنگام نزول این آیه شریفه کرده باشد.(۱)

۲ ــ یرید اللّه

اراده ی خداوند به این معنا است که: ممکن نیست بین اراده خدا و انجام و تحقّق آنچه که می خواهد، فاصله ای بیافتد و چیزی مانع آن شود؛ ممکن نیست که بین مراد خداوند و اراده ی باریتعالی، اختلاف باشد؛ ممکن نیست که خداوند ایجاد چیزی را بخواهد و آن چیز، ایجاد نشود؛ لذا خداوند می فرماید :

(انّما امره اذا اراد شیئآ أن یقول له کن فیکون)(۲)

(اینست و جز این نیست که خواست و فرمان الهی اینچنین است که وقتی اراده چیزی را نماید، همین که آن چیز را اراده کرد، تحقّق می یابد.)

معنای عصمت اهل بیت علیهم السلام نابودی اراده و اختیار آن ها نیست؛ بلکه معنای عصمت عاری بودن ایشان از همه ی

۱- پژوهشی در آیه تطهیر / ۷۱. ۲. سوره یس / ۸۲.

۲- [۲]

گناهان صغیره و کبیره، مکروهات، خطاها و اشتباهات و حتّی ترک اولی ها(۱) _ به صورت عمد یا غیر عمد _ در تمام دوران زندگی آن ها

می باشد. این مقصد برای هدف والای هدایت انسان ها از سوی خداوند در نظر گرفته شده است و برای تحقّق آن، ائمه : از ظرفیت وجودی بسیار بالایی برخوردار هستند که در نتیجه، اراده ی انجام گناه نمی کنند و همواره در برابر زمینه های انحراف و خطا، بر نفس و عمل خود مسلط می باشند.

۳ _ لیذهب عنکم الرّجس

«الرّجس» در لغت به معنای چیزی ناپاک است و آن حالت و چیزی است که موجب بیزاری دیگران می شود. این رجس گاهی ظاهری و مادی است مانند ناپاکی در گوشت خوک :

(اولحم خنزیر فانهً رجس)

یا گوشت خوک، که همانا آن ناپاک است. و گاهی ناپاکی معنوی است.

و گاهی ناپاکی معنوی است:

(و امّا الّذین فی قلوبهم مرض فزادتهم رجساً الی رجسهم و ماتوا و هم کافرون)(۲)

(و امّا آنها (منافقان) که در دل هایشان بیماری (شک و نفاق و...) است، خداوند بر ناپاکی آن دل ها، ناپاکی دیگری اضافه کرد و آن ها در حال کفر مردند.)

پس آیه ی شریفه مورد بحث تصریح می کند که خداوند متعال از اهل بیت علیهم السلام ناپاکی را زدوده است. بدیهی است که گناهان ونافرمانیها از بدیهی ترین مصادیق رجس و ناپاکی است که خداوند آن ها را از ساحت مقدس اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برده است.

۴ _ یطهرکم تطهیرا

این عبارت پایانی آیه تطهیر، توجه و تأکید بر منزه بودن و مطهر بودن و معصوم بودن اهل البیت علیهم السلام دارد.

گویی آیه شریفه به این اشاره دارد که خداوند متعال پس از اینکه ناپاکی و پلیدی را از آنان زدوده و جسم و جان و روح و روانشان را از هر ناپاکی و آلودگی پاک ساخته، قلب ها و سینه هایشان را نیز از آثار رجس منزه و مطهر گردانید؛ لذا در ذاتشان ناپاکی یا اثری از آن، هرچند ضعیف و ناچیز، نماند؛ آنگاه پاک و پاکیزه شان ساخت، لذا در آن ذات مقدس و مطهر اثری از پلیدی و گناه یا هوی و هوس باقی نگذاشت و این نهایت کلامی است که می توان با آن عصمت و تعالی و علو روحی را در اولیاء اللّه تعریف و توصیف کرد، و واضح و آشکار است که آنان این پنج گوهر مطهری هستند که بنابر روایات

متواتری موجود، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اسامی یکایک

۱- ترک اولی به معنای انتخاب کردن یک کارمتوسّط دربین کارهای خوباست.ائمه: همواره دراین گونه موارد،بهترین کارهاراانتخاب وبه آن عمل می کنند.

۲- سوره ی توبه ۱۲۵.

آن حضرات را تصریح فرموده است.(۱)

۵ _ آیه تطهیر ادله ی امامت است

مسلم است زمانی که اهل بیت از طرف خداوند مطهر شده اند، هیچ کس همچون آنان شایستگی برای رهبری امت اسلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نخواهد داشت.

در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آنان اهل بیت بودند و پس از آن پنج وجود مبارک، کسانی که خود آن بزرگواران تعیین کرده اند لیاقت رهبری امت را خواهند داشت.(۲) همان گونه که خود

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سلسله ی جانشینان بعد از خود را تا امام دوازدهم حضرت مهدی (عج) در خطابه ی غدیریه خویش معرّفی نمودند.

بنابراین آیه تطهیر از ادله ی امامت اهل بیت است تا هرکس که جزء افراد پنجگانه باشد در آینده اسلام بایستی در پست زمامداری قرار گیرد.

هر انسانی برای خودسازی نیاز به الگو و اسوه دارد و چه کسی بهتر از آنان که خداوند آنان را بر تمام عالمیان برتری داده است و آنان را از میان تمام انسانها برگزیده و آنها را مطهر ساخته است.

از سوی دیگر این آیه شریفه شاهدی بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام است چرا که علاوه بر او، فاطمه علیها السلام و حسنین علیهما السلام برای وی ادعای خلافت نمودند و اینان دروغگو نیستند زیرا که دروغ خود از انواع «رجس و ناپاکی» است که خداوند آن را از آنان زائل گردانیده و آن ها را پاکیزه نموده است.

آیه ی مودّت

اشاره

آیه مودت(۳)

ص:۱۰۷

۱- پژوهشی در آیه تطهیر ۹۳.

۲- نورالثقلین ۴ / ۲۷۲.

۳- برای اطلاع بیشتر ر ـ ک به: ۱ ـ تفسیر مجمع البیان (۵ / ۲۷) ۲ ـ تفسیر گازر (۹ / ۲۲) ۳ ـ تفسیر منهجالصادقین (۸ / ۲۱۶) ۴ ـ تفسیر شریف لاهیجی (۴ / ۴۵) ۵ ـ تفسیر اثنی عشری (۱۱/ ۴۱۶) ۶ ـ تفسیر انوار درخشان (۱۵ / ۴۴) ۷ ـ تفسیر جامع (۶ / ۲۰۶) ۸ ـ تفسیرخسروی (۷ / ۳۶۴) ۹ ـ تفسیر المیزان (۱۸ / ۴۲) ۱۰ ـ تفسیر مخزن العرفان(۷/۳۶۸) ۱۱ ـ تفسیر عاملی (۷ / ۴۶۰) ۱۲ ـ تفسیر نمونه (۲۰ / ۴۰۶) ۱۳ ـ تفسیراحسن الحدیث (۹ / ۴۸۰) ۱۴ ـ تفسیر اطیب البیان (۱۱ / ۴۸۰) ۱۵ ـ تفسیر فراتالکوفی (۱ / ۳۸۸) ۱۶ ـ تفسیر قمی (۲ / ۲۷۴) ۱۷ ـ تفسیر التبیان (۹ / ۱۵۸) ۱۸ ـتفسیر الصافی (۴ / ۳۷۲) ۱۹ ـ تفسیر برهان (۵ / ۱۲۱) ۲۰ ـ تفسیر نورالثقلین (۴/۵۷۰) ۲۱ ـ تفسیر المعین (۳ / ۱۳۰۰) ۲۲ ـ تفسیر کنزالدقائق (۱۱ / ۴۹۹) ۲۳ ـتفسیر شبر (۱ / ۴۸۵) ۲۴ ـ تفسیر الجوهر الثمین (۵ / ۴۰۰) ۲۵ ـ تفسیر بیان السعاده(۴ / ۴۶) ۲۶ ـ تفسیر مقنیات الدرر (۱۰/ ۱۷) ۲۷ ـ تفسیر الجدید (۶ / ۳۱۳) ۲۸ ـتفسیر تقریب القرآن (۲۵ / ۳۷) ۲۹ ـ تفسیر الفرقان (۲۶ / ۱۷۴) ۳۰ ـ تفسیر منوحی القرآن (۲۰ / ۲۱۱) ۳۱ ـ تفسیر الکاشف (۶ / ۵۲۲) ۳۲ ـ تفسیر المنیر (۷ /۱۳۲) ۳۳ ـ تفسیر من هدی القرآن (۱۲ / ۳۳۰) ۳۴ ـ الدر المنثور (۶ / ۷) ۳۵ ـ تفسیرالکبیر (۶ / ۷) ۳۶ ـ تفسیر کشاف (۴ / ۲۱۹) ۳۷ ـ تفسیر طبری (۱۳ / ۲۳).

(ذلک الّذی یبشّر اللّه عباده الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات قل لا اسئلکم علیه اجرآ الّا المودّه فی القربی و من یقترف حسنه نزدله فیها حسناً انّ اللّه غفور شکور) (شوری / ۲۳)

(این همان چیزی است که خداوند آن گروه از بندگانش را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند به آنان نوید می دهد. ای رسول ما بگو: «من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیتم) و هرکس کار نیکی انجام دهد، بر نیکی اش می افزاییم، چرا که خداوند آمرزنده و سپاسگزار است.)

شأن نزول آیه

ابن بابویه از حضرت رضا علیه السلام سبب نزول آیه را این چنین نقل می کند: چون رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه منوره مال و ثروتی نداشت، حال آن که در حوادث فراروی که احتیاج به مال داشت؛ انصار و اصحاب با خود گفتند خدای تعالی ما را به دست پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم هدایت و رهبری فرموده است لذا نیکوست که برای رفع آن نیازها، برای او مالی جمع کنیم. آن ها به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفتند و عرضه داشتند: ای رسول خدا، تن و جان و مال ما فدای تو باد. می خواهیم قسمتی از اموال خود را حضورتان تقدیم بداریم و شما را مستغنی و بی نیاز کنیم. پروردگار آیه فوق را نازل نمود و فرمود:

ای محمد به این مردم بگو من از شما مزد رسالت طلب نمی کنم مگر آنکه دوستی مرا در حق اهل بیت و ذریّه ام منظور داشته و دوستدار و علاقمند به آل عصمت و طهارت باشید که این نیز به نفع شماست. زیرا وسیله هدایت یافتن شماست.(۱)

انصار از خدمت حضرت بیرون رفتند در حالی که تسلیم فرمان او بودند.

منافقین داخل امّت گفتند: این آیه از قرآن نبود و محمد آنرا در همان مجلس جعل کرد و منظورش آن است که پس از خودش ما زیردست نزدیکانش قرار دهد؛ لذا این آیه نازل شد:

(ام یقولون افتری علی اللّه کذباً)(۲)

(یا (مردم نادان) خواهند گفت که محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر خدا دروغ می بندد.)

حضرت به سراغ آنان فرستاد و آیه را بر آنان تلاوت فرمود. انصار که سخن قبلی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد مودّت اهل

۱- تفسیر جامع ۶ / ۲۰۶ _ مجمع البیان ۹ / ۲۹.

۲- سوره شوری آیه ۲۴.

بیت علیهم السلام و گفتار منافقین را شنیده بودند از سر شوق به گریه افتادند. به دنبال آن، آیه ی «و هو الّذی یقبل التوبه عن عباده»(۱) نازل گردید.

حضرت به سراغ انصار فرستاد و به آنان بشارت داد که خداوند دعای مؤمنان را اجابت می کند (و یستجیب الذین آمنوا) و مؤمنان همان افرادی بودند که تسلیم گفتار حضرتش شدند.(۲)

مزد رسالت چیست؟

پیامبر گرامی اسلام۶ در راه ترویج و گسترش دین خدا، سختی های زیادی را تحمل کرد و در طول بیست و سه سال فعالیت پی گیر در مکه و مدینه تنها یک هدف داشت و آن نیز حاکمیت اسلام بر قلب های انسانها بود. پیامبری که باخرده های شیشه پایش را زخمی کردند ودر طائف به سویش سنگ انداختند و در جنگ دندانش را شکستند، فقط یک آرزو داشت که همان پیروزی اللّه بر تمامی طاغوت ها بود. آنقدر پیامبر در راه رسالتش دلسوزی و فداکاری می نمود که بالاخره آیه قرآن نازل شد که:

(طه. ما انزلنا علیک القرآن لتشقی)

(ای پیامبر! ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت اندازی (۳)

از طرفی خود قرآن نیز، بارها از قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیان می کند که :

(و ما اسئلکم علیه من اجرٍ ان اجری الّا علی ربّ العالمین» :)

(من از شما در برابر رسالتم مزدی نمی خواهم، همانا اجر من بر پروردگار جهانیان است.)(۴)

و یادر جای دیگر در مورد شخص پیامبراسلام ۶ می فرماید :

(قل ما سألتکم من اجر فهو لکم ان اجری الّا علی اللّه و هو علی کل شیءٍ شهید)

(بگو پاداشی را که از شما خواستم تنها به سود شما است. اجر و پاداش من فقط بر خداوند است.)(۵)

و در جای دیگر می خوانیم:

۱- ترجمه: و او خدایی است که توبه و بازگشت را از بندگانش می پذیرد.

۲- مجمع البیان ۵ / ۲۷.

۳- سوره طه / ۱.

۴- سوره شعرا / ۱۲۷ و ۱۴۵.

۵- سباء / ۴۷.۲. فرقان / ۵۷.۳. ص / ۸۶.

(قل ما اسئلکم علیه من اجرٍ الّا من شاء ان یتّخذ الی ربّه سبیلا)

(بگو من در برابر ابلاغ رسالت هیچگونه پاداشی از شما مطالبه نمی کنم، مگر کسانی که بخواهند راهی به سوی پروردگارشان برگزینند.)(۱)

و یا در جای دیگر از قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

(قل ما اسئلکم علیه من اجر و ما انا من المتکلّفین)

(بگو من از شما پاداشی نمی طلبم و چیزی بر شما تحمیل نمی کنم.)(۲)

اگر تعمقی کوتاه در محتوای این آیات داشته باشیم، نتیجه گیری کردن از آنها آسان می باشد. در یک جا اجر و مزد رسالت را به کلی نفی می کند و در جای دیگر می گوید: من تنها پاداش از کسی می خواهم که راهی به سوی خدا می جوید. و در مورد سوم می گوید: پاداشی را که از شما خواسته ام برای خود شماست و بالاخره در آیه ۲۳ شوری می فرماید: مودت در قربی، پاداش رسالت من است؛ یعنی من پاداشی از شما خواسته ام که این ویژگیها را دارد :

۱ ـ مطلقاً چیزی نیست که نفعش عاید من شود.

۲ ـ صد در صد به سود خود شماست.

۳ ـ چیزی است که راه شما را به سوی خدا هموار می سازد.

به این ترتیب روشن می شود که مودت فی القربی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان اجر رسالت از مردم می خواهد همان ادامه رسالت است که هدف نهایی آن هدایت بشر به سوی بندگی صحیح الهی می باشد.

یعنی برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هیچ چیز محبوب تر از حفظ رسالتی که سالها برایش رنج کشیده نمی باشد و این رسالت تنها با «مودت فی القربی» حاصل می شود.

قربی چه کسانی هستند؟

«قربی» کیانند؟ چه کسانی هستند که دوست داشتن و دل بستن به آنها آنقدر با اهمیت است که خداوند به پیامبرش می فرماید که دوستی آنها با اجر رسالت برابری می کند؟ در «قربی» چه ویژگیهایی نهفته است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از مردم می خواهد که به آنها محبت کنند و مهر آنها را در دل خود جای دهند؟

کاملترین و بهترین معنایی که برای کلمه «قربی» بیان شده است و تمامی مفسران شیعه و بسیاری از مفسران بزرگ اهل سنت آن را پذیرفته اند و احادیث و روایات پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام نیز پشتوانه آن است، همان معنای خویشاوند و نزدیکان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد.

مرحوم طبرسی از علی بن الحسین علیه السلام و دیگران نقل می کند که معنی آیه این است: «من از شما در برابر رسالتم جز

ص:۱۱۰

۱- [۱]

۲- [۲]

دوست داشتن نزدیکان و اهل بیتم مزدی نمی خواهم. هر احترامی که می خواهید به من بگذارید به آنان بگذارید. (۱) »

«احمد» در فضائل الصحابه با سند خود از سعید بن جبیر از ابن عباس روایت می کند: هنگامی که آیه: (قل لا اسئلکم علیه اجرآ الّا المودّه فی القربی) نازل شد اصحاب گفتند: یا رسول اللّه، این کسانی که خداوند به ما فرمان داده است آنان را دوست بداریم چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: آن ها علی و فاطمه و فرزندان آنها هستند.(۲)

و نیز مرحوم طبرسی می گوید: حاکم با همان سند در کتاب «شواهد التّنزیل لقواعد التّفصیل» روایتی از ابی امامه نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

خداوند بزرگ پیامبران را از درختهای گوناگونی آفرید ولی من و علی از یک درخت آفریده شده ایم. من ریشه این درخت هستم و علی شاخه های آن و فاطمه شکوفه ی درخت و حسن و حسین میوه آن می باشند و شیعیان ما برگ های آن درخت می باشند. هرکس به شاخه ای از شاخه های این درخت دست گیرد نجایت یابد و هرکس از آن جدا شود سقوط کند و هلاک گردد. اگر بنده ای میان صفا و مروه سه هزار سال خدا را عبادت کند ولی محبت ما را نداشته باشد، خداوند او را به رو در آتش افکند. آنگاه این آیه را تلاوت فرمودند: (قل لا اسئلکم علیه اجرآ الّا المودّه فی القربی)(۳)

آری تنها راهی که باعث می شود حرکت بشر در مسیر دعوت و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باقی بماند، دوستی ودل بستن و اطاعت از کسانی است که منش و رفتاری همچون پیامبر دارند و اسلام و مسلمانی با پیروی از چنین بزرگانی اقتدار می یابد که بنابر آنچه گفتیم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن ها را فقط و فقط اهل بیت علیهم السلام معرفی فرمودند.

آیه مودّت در تفاسیر اهل سنت

آیه مودّت یا اجر رسالت را تمام مفسران شیعه بعنوان فضیلتی برای اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ذکر می کنند. علاوه بر مفسران شیعه، بسیاری از مفسران اهل سنت نیز در تفاسیر خود صریحآ به این مطلب اذعان داشته اند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در برابر اجر رسالتش، تنها دوستی و محبت و محبت اهل بیتش را از امت خواست.

۱ _ سیوطی در الدّرالمنثور در ذیل آیه مورد بحث از مجاهد از ابن عباس چنین نقل می کند: منظور این است که حق مرا در اهل بیتم حفظ کنید و آنها را به سبب من دوست بدارید.(۴)

۱- مجمع البیان ۵/۲۹.۲.احقاق الحق ۳/۲ ونمونه ۲۰ / ۴۱۱.

۲- [۲]

۳- مجمع البیان ۵ /۳۰.

۴- الدر المنثور ۶ /۷.

در بعضی از روایات کتب اهل سنت از پیغمبر گرامی اسلام۶ چنین آمده است: «النّجم امان لاهل الارض من الغرق و اهل بیتی امـان لامّتی من الاختلاف فی الـدّین» سـتارگان امان برای اهل زمیننـد از غرق شـدن، و اهل بیت من امان امتنـد از اختلاف در دین(۱)

۲ــ ابن جریر طبری در تفسیرش با سند خود از سعیدبن جبیر و با سند دیگری از عمرو بن شعیب نقل می کند که منظور از این آیه، نزدیکان رسول خدا می باشند.(۲)

۳ــ سـیوطی در «الدّر المنثور» از ابن جریر ابی الدّیلم چنین نقل می کند: هنگامی که علی بن الحسین علیه السلام را به اسارت آوردنـد و بر دروازه دمشق نگهداشـتند مردی از اهل شام گفت: الحمداللّه الّذی قتلکم و استاصـلکم! خدا را شـکر که شـما را کشت و ریشه کن ساخت. علی بن الحسین علیه السلام فرمود:

آیـا قرآن خوانـده ای؟ گفت: آری... فرمود: آیا این آیه را نخوانـده ای: (قل لا اسـئلکم علیه اجرا الّا المودّه فی القربی) گفت: آیا شما همان ها هستید که در این آیه اشاره شده فرمود: آری.(۳)

۴ ــ فخر رازی می گویـد: آل محمـد صـلی الله علیه و آله و سـلم کسـانی هسـتند که بـازگشت امرشـان به اوست. کسـانی که ارتباطشـان محکمتر و کـاملتر باشـد، «آل» محسوب می شونـد و شـک نیست که فـاطمه و علی و حسن و حسـین علیهم السـلام محکم ترین پیوند را با رسول خدا داشتند و این از مسلمات و مستفاد از احادیث متواتر است بنابراین لازم است که آنها را «آل پیامبر»صلی الله علیه و آله و سلم بدانیم.

فخر رازی در ادامه از قول صاحب کشاف چنین می نویسـد : وقتی آیه مودت نازل شد عرض کردند: ای رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سلم ، خویشاوندان تو کیانند که مودتشان بر ما واجب است؟ فرمود : علی و فاطمه و دو فرزندشان.

پس ثابت می شود که این چهار تن ذی القربای پیامبرند و هنگامی که این معنی ثابت شد واجب است که از احترام فوق العاده ای برخوردار باشند. فخر رازی در ادامه می گوید: دلایل مختلفی بر این مسأله دلالت می کند:

۱ ــ جمله «الّا المودّه فی القربی» که در استدلال به آن شک نیست.

۲ ــ بدون تردید، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه را دوست می داشت و درباره او فرمود:

«فاطمه بضعه منّی یؤذینی ما یوذیها»

«فاطمه پاره تن من است. آنچه او را آزار دهد مرا آزار داده است.»

بـا احـادیث متواتر از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم ثـابت شـده است که ایشـان علی و حسن و حسـین: را دوست می

داشت؛

ص:۱۱۲

۱- مستدرک حاکم ۱۴۹ از ابن عباس نقل کرده است. نقل از کتاب سیره یعملی اهل بیت ۲.۴۰. جامع البیان عن تأویل آی القرآن ۱۳ / ۲۳.

۲- [۲]

۳- الدر المنثور ۶ / ۷.

هنگامی که این معنی ثابت شود، محبت آنها بر تمام امت واجب است.

۳ ـ دعا برای «آل» افتخار بزرگی است و لذا این دعا خاتمه ی تشهد در نماز قرار داده شد :

اللهم صل علی محمد و آل محمد و ارحم محمداً و آل محمد. و چنین تعظیم و احترامی در حق غیر آل دیده نشده است بنابراین همه ی این دلائل نشان می دهد که محبت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم واجب است.(۱)

نقد و بررسی چند دیدگاه

الف) آلوسی مفسر معروف اهل سنت در کتاب خود «روح المعانی» در ذیل آیه مودت، اشکالی را به این قرار بر شیعه وارد می کند: شیعیان از آیه مودّت، امامت علی علیه السلام را استنباط می کنند و می گویند: علی علیه السلام واجب المحبه است، و هر واجب المحبتی واجب الاطاعه است، و هر واجب الاطاعتی دارای امامت است و نتیجه این است که علی علیه السلام دارای مقام امامت است. ولی این سخن چند ایراد دارد:

۱ ـ استدلال به آیه بر وجوب محبت، فرع بر این است که آیه را به معنای محبت خویشاوندان پیامبر بدانیم، در حالی که جمع کثیری از مفسران این تفسیر را نپذیرفته اند.

۲ ـ واجب المحبه بودن دلیل بر واجب الاطاعه بودن نیست.

۳ ـ واجب الاطاعه بودن دلیل بر داشتن مقام امامت نیست.

۴ ـ بر طبق مفاد آیه، باید تمام اهل بیت واجب الاطاعه و در نتیجه امام باشند در حالی که امامیه چنین مطلبی را قبول ندارند.

پاسخ : محبتی که در این آیه، سخن از آن به میان آمده است مسأله ساده ای نیست بلکه پاداش و اجر رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد که نتیجه این محبت نیز عاید خود مؤمنان می شود.

از طرف دیگر اینکه بعضی از مفسرین آیه مودت را به دوستی اهل بیت تفسیر نکرده اند تعصبات ذهنی موجب این مسأله شده است. چنین تعصبی تا آنجا پیش رفته است که بعضی «قربی» را به معنی «نزدیکی به پروردگار» تفسیر کرده اند. جالب است که در تمام آیات قرآن، هرجا که این کلمه بکار رفته، به معنی خویشاوند ترجمه و تفسیر شده است. فقط در این آیه، ترجمه متفاوت فوق صورت گرفته است!

مسأله دیگر اینکه روایات زیادی را که این آیه را به دوستی و ولایت اهل بیت تفسیر کرده است چگونه کنار بگذاریم و در تفسیر آیه دخالت ندهیم.

دیگر آنکه، درست است که وجوب محبت دلیل بر وجوب اطاعت نیست ولی وقتی محبت همطراز رسالت

۱- التفسیر الکبیر ۲۷ / ۱۶۶ _ تفسیر کشاف ۴ / ۲۲۰ _ ۲۲۱، تفسیر قرطبی۸ / ۵۸۴۳ همچنین در صفحات ۷۴ به بعد کتاب الکلمه الغرّاء فی تفصیل الزّهراءعلامه سید عبدالحسین شرف الدین موسوی ترجمه محسن بیدارفر نشر الزّهراء۱۳۶۲ موارد متعدد دیگر از مآخذ اهل سنت با مضامین فوق ارائه گردیده است.همچنین در کتاب فاطمه الزهرا تألیف علامه امینی ترجمه محمد امینی نجفیصفحات ۹۱ الی ۱۲۲ (انتشارات استقلال چاپ اول ۱۳۷۶) علاوه بر مدارک شیعی،به دهها مأخذ اهل سنت در این رابطه ارجاع می دهد.

باشد مسلماً وجوب هم در آن نهفته است.

بالاخره اینکه امام به معنای رهبر در هر زمان بیشتر از یک نفر نمی تواند باشد. پس امامت همه اهل بیت در یک زمان معنا نخواهد داشت.

نکته جالب اینجاست که خود آلوسی، اهمیت زیادی برای محبت اهل بیت قائل شده و می گوید: حق این است که محبت خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دلیل قرابتشان با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم واجب است و هر قدر قرابت قویتر باشد، محبت وجوب بیشتری دارد.(۱)

ب) از سوی عکرمه اشکالی به این مضمون مطرح شده است که موضوع خطاب در آیه مشرکین قریش می باشند و خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور می دهد که به آن ها بگوید به خاطر خویشاوندی که با شما دارم، مرا دوست داشته باشید و صله ی رحم مرا و خویشانم را بنمایید و جز این پاداشی از شما نمی خواهم.

در پاسخ این شبهه به موارد ذیل اشاره می نماییم:

۱ ــ اساساً این آیه در مدینه نازل شده است و ارتباطی به مشرکین قریش و مکّه ندارد.

۲ ــ مشرکین نمی توانند مخاطب آیه باشند، چرا که طلب اجر از کسی که ایمانی به آرمان و تلاش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ندارد امری قبیح است.

۳ ــ اخبار و روایات وارده که مواردی از آن ها قبلتر ذکر شد، مخالف دیدگاه مزبور است.(۲)

ج) گفته شده است که: آیه مورد نظر در سوره «شوری» قرار دارد که سوره ای مکّی است و حال آن که حسنین علیهما السلام در مدینه متولد شده اند و نمی توانند مراد آیه باشند.

در پاسخ می گوییم:

۱ ــ به حکم اخبار فراوانی که از عترت طاهرین رسیده است، این آیه و آیات پس از آن مدنی هستند.

۲ــ در تفاسیر شیعه و سنّی بر مدنی بودن آیه تأکید شده است. از جمله می توان به تفسیر مجمع البیان و همچنین تفاسیر ثعلبی و بغوی توجه نمود.

۳ ــ در مصادر زیادی از اهل سنّت شأن نزول آیه، مراجعه انصار برای کمک مالی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ذکر شده است که سپس آیه نازل گردید. امام واحدی از علمای اهل سنت در کتاب «اسباب النزول» این موضوع را به تفصیل نقل نموده است. همانطور که می دانیم انصار، مسلمانان مدینه هستند که به یاری و نصرتِ مسلمانانِ مهاجر، شتافتند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بین آنها پیمان اخوّت برقرار نمودند.

۴ ـ اساساً ترتیب جمع آوری قرآن به ترتیب نزول آیات نیست؛ به همین سبب به حکم علمای متقدّم و متأخّر

ص:۱۱۴

۱- تفسیر نمونه ۲۰ / ۴۲۰.

۲- کلمه الغرّاء فی تفضیل الزهراء ۳ / ترجمه بیدارفر / ص ۸۱ ـ ۸۰.

شیعه و سنّی، بیشتر سوره های مدنی مشتمل بر آیاتی مکّی هستند(۱) و

جهت نامیده شدن سوره ای به مکّی یا مدنی، فزونی آن آیات در سوره ی مربوط است.

۵ ــ علیرغم مدنی بودن آیه مورد نظر، حتّی به فرض محال، نزول آیه در مکّه و قبل از ولادت حسنین علیهما السلام نیز خللی در بحث وارد نمی ساخت چرا که دوستی و مودّت مذکور در آیه، تنها برای نزدیکان موجود هنگام نزول آیه نیست؛ زیرا اوّلا بحث آیه از جامعیت برخوردار است چنانچه مثلا بحث ارث فرزندان در آیه «یوصیکم اللّه فی اولادکم» اختصاص به فرزندان در قید حیات در زمان نزول آیه ندارد. ثانیآ به حکم احادیث متواتره، آن بزرگواران ظرف و محل دوستی اند. ثالثآ پیامبری که به قدرت الهی اخبار غیبی متعددی را نسبت به آینده ارائه نموده است که این از نشانه های نبوّت اوست، استبعادی ندارد که درمورد حسنین علیهما السلام نیز خبری غیبی بدهد و وجوب دوستی آن ها را بر امّت معرفی نماید؟(۲)

آیه ی اطعام

اشاره

آیه اطــعــام (۳)

ص:۱۱۵

۱- برای اطلاع از تفصیل این مطلب به اوایل سوره ها در تفسیرهای مجمعالبیان، طبری، رازی، کشّاف و همچنین به کتاب ارشاد الساری فی شرح صحیحالبخاری مراجعه شود.

۲- همان مأخذ صفحات ۸۳ الی ۸۷.

۳- برای اطلاع بیشتر ر ــ ك به تفاسیر: ۱ــ تفسیر مجمع البیان (۵ / ۴۰۴) ۲ ــ تفسیر گازر (۱۰ / ۲۳۹) ۳ ــ تفسیرمواهب علیه (۴ / ۳۲۷) ۴ ــ تفسیر منهج الصادقین (۱۰ / ۱۰۲) ۵ ــ تفسیر شریفلاهیجی (۴ / ۶۵۹) ۶ ــ تفسیر اثنی عشری (۱۳ / ۴۱۱) ۷ ــ تفسیر انوار درخشان(۱۷ / ۲۶۱) ۸ ــ تفسیر جامع (۷ / ۳۰۳) ۹ ــ تفسیر حجه التفاسیر (۹ / ۱۴۰) ۱۰ ــتفسیر کشف الحقایق (۳ / ۷۱۷) ۱۱ــ تفسیر خسروی (۸ / ۴۴۲) ۱۲ ــ تفسیر المیزان(۲۰ / ۲۲۲) ۱۳ ــ تفسیر مخزن العرفان (۳ / ۲۳۴) ۱۴ ــ تفسیر عاملی (۸ / ۴۳۵) ۱۵ــ تفسیر روان جاوید (۵ / ۳۱۵) ۱۶ــ تفسیر احسن الحدیث (۱۱ / ۴۷۳) ۱۷ ــ تفسیراطیب البیان (۱۳ / ۳۱۷) ۱۸ ــ تفسیر فرات کوفی (۱ / ۵۱۹) ۱۹ ــ تفسیر قمی (۲ /۳۹۸) ۲۰ ــ تفسیر التبیان (۱۰ / ۲۰۹) ۲۱ ــ تفسیر الصافی (۵ /

۲۶۰) ۲۲ ـ تفسیرالبرهان (۵ / ۴۱۵) ۲۳ ـ تفسیر نورالثقلین (۵ / ۴۷۸) ۲۴ ـ تفسیر المعین (۳ /۱۶۰۸) ۲۵ ـ تفسیر کنزالدقائق (۱۴ / ۵۷) ۲۶ ـ تفسیر شبر (۱ / ۵۷۹) ۲۷ ـ تفسیرالجواهر الثمین (۶ / ۳۳۲) ۲۸ ـ تفسیر بیان السعاده (۴ / ۲۲۳) ۲۹ ـ تفسیر مقتنیاتالدرر (۱۲ / ۱۹) ۳۰ ـ تفسیر الجدید (۷ / ۲۸۳) ۳۱ ـ تفسیر تقریب القرآن (۲۹ /۱۶۸) ۳۲ ـ تفسیر فرقان (۲۹/۳۱۰) ۳۳ ـ تفسیر من وحی القرآن (۲۳ / ۲۹۷) ۳۴ ـتفسیر الکاشف (۷ / ۴۸۱) ۳۵ ـ المنیر (۱۸ / ۱۵۱) ۳۶ ـ تفسیر البصائر (۵ / ۸)

(و یطعمون الطّعام علی حبّه مسکیناً و یتیماً و اسیراً * انّما نطعمکم لوجه اللّه لا نرید منکم جزاءً ولا شکورا. (انسان/۹_۸)

(و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می دهند. (و می گویند) ما شما را به خاطر خدا اطعام می کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم.)

شـأن نـزول

سوره انسان به نام سوره دهر و هل اتی نیز شـهرت دارد، تمام مفسران فریقین یادآور شده اند که این سوره درباره امیرالمؤمنین علی و فاطمه زهرا و حسـنین : و فضه، خادمه آنها نازل شـد؛ غالباً این سوره را مـدنی می دانند و شأن نزول آن واقعه ای اسـت که برای اهل بیت پیامبر اتفاق افتاد.

ابن عباس گفته است: امام حسن و امام حسـین علیهما السـلام بیمار شدنـد، رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم با جمعی از مردم به عیـادت آنهـا رفتنـد؛ یـاران آن حضـرت به امیرالمؤمنین علی علیه السـلام عرض کردنـد: یـا اباالحسن! خوب است که درباره ی شفای فرزندانتان نذر کنید!

علی و فاطمه سلام الله علیهما و فضه، کنیز آنها نذر کردند که اگر حسنین علیهما السلام از این بیماری بهبودی یابند سه روز را روزه بگیرند.

آندو بهبودی یافتند، اما چیزی برای خوردن در اختیار نداشتند.

امیرالمؤمنین علیه السلام سه صاع(۱) (حدود سه من) جو از شمعون،

یهودی ساکن خیبر قرض کرد. فاطمه ی زهرا علیها السـلام آنها را دسـتاس کرده و از یک صاع آن به تعـداد افراد، پنـج قرص نان فراهم ساخت. این نانها را در برابر خود نهادند تا با آنها افطار کنند.

سائل و بینوائی بر در خانه آنها آمد و عرض کرد: «السّـلام علیکم یا اهل بیت محمد، من بینوائی از بینوایان مسـلمان هسـتم، مرا از غذای خود اطعام کنید که خدا شما را از مواهب بهشتی سیر گرداند.

آنان این بینوا را بر خویشتن ترجیح دادند و تمام قرصهای نان را به او دادند و شب را در حالیکه جز آب چیزی نخورده بودند، به سرآوردند و بامداد آنرا با روزه آغاز کردند. فاطمه علیها السلام پنج قرص نان دیگر تهیه نمود. آنگاه که شب دوم فرا رسید وغذا را در مقابل خود نهادند تا افطار کنند، یتیمی بر آنها وارد شد، بدون آنکه از این نانها چیزی تناول کنند آنها را در اختیار این یتیم قرار دادند. شب را گرسـنه به سر آوردند در حالیکه فقط آب نوشیدند. فردای آن روز مجدداً فاطمه علیها السلام پنج قرص نـان از همـان آرد تهیه نمـود. به هنگـام افطـار در شب سوم، نانهـا را در مقابـل خود نهادنـد، اسـیری بر آنهـا وارد شـد و تقاضای طعام کرد. اهل خانه ی علی علیه السلام یک به یک معامله ای را با او در پیش گرفتند که با بینوا و یتیم داشتند و همه

سهم نان خویش را به او دادند.

چون بامداد روز سوم فرا رسید امیرالمؤمنین علیه السلام دست حسنین علیهما السلام را گرفت و به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روان شدند.

۱- هر صاع عبارت است از سه «مُدّ» و هر مد عبارت از یک رطل و یکسوم رطل است.

وقتی آن حضرت حسنین علیهما السلام را دید، در حالیکه از شدت گرسنگی مانند جوجه می لرزیدند، فرمود: چقدر بر من ناگوار و رنج آور است که شما را بدینسان می بینم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از جا برخاست و با آنها به سمت خانه ی علی علیه السلام راه افتاد. در خانه فاطمه علیها السلام را در محراب عبادت دید در حالی که شکمش از گرسنگی آنچنان تهی گشته که به پشت چسبیده بود و از ناتوانی، چشمان مبارکش بی فروغ شده بود. دیدن این منظره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را متأثر ساخت.

در چنین لحظاتی بود که جبرئیل علیه السلام فرود آمد و گفت ای محمد! این را بگیر؛ خدا ترا درباره ی خاندانت تهنیت گفته است؛ آنگاه جبرئیل سوره هل اتی را بر آن حضرت خواند.(۱)

یک عمل و درس های متعدد آن

سوره انسان و شأن نزول آن یعنی ماجرایی که برای اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیش آمد، خود به تنهایی یک مکتب انسان سازی و یک دانشگاه مکارم اخلاقی است.

۱ ـ اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حالی به مسکین و یتیم و اسیر طعام دادند که خود نیز بدان احتیاج داشتند و این بالاترین درجه ایثار است همچنانکه قرآن می فرماید:

(لن تنالوا البر حتّی تنفقوا ممّا تحبّون و ما تنفقوا من شی فانّ اللّه به علیم)(۲)

(هرگز به نیکی نمی رسید مگر اینکه از آن چیزی که دوست دارید انفاق کنید و خدا به هر آنچه که انفاق و گذشت می کنید داناست.)

و در آیه ۸ سوره انسان نیز می خوانیم «و تطعمون الطّعام علی حبّه...» که اکثریت مفسران معتقدند ضمیر در «حبّه» به «طعام» برمی گردد یعنی با وجود اینکه به شدت به غذا نیاز داشتند ولی نیازمند را رد نکردند.

۲ ـ اطعام اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فقط مخصوص یک گروه یا طبقه خاص نبود، بلکه هم شامل یتیمان و هم شامل اسراء و هم شامل مساکین شد. و چه بسا که آن اسیر، فردی بی دین از بلاد شرک بود؛ ولی چون نفس عمل اطعام مطلوب و پسندیده است، آنان اطعام را از اسیر نیز دریغ نکردند.

۳ ـ اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای شفای فرزندانشان، سه روز؛ روزه نذر کردند و شاید این نکته می رساند که نذر روزه نیز یکی از عوامل معنوی مهم برای رسیدن به خواسته ها و حوائج است.

۴ ـ سیر کردن گرسنگان و اطعام نیازمندان یکی از حسناتی است که در پیشگاه خداوند محبوبیت خاصی دارد. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم:

۱- اسباب نزول ۳۱ و رجوع کنیـد به جامع البیان ۶ / ۱۸۶، مجمع البیان ۳/ ۲۱۰، ۲۱۱ مناقب آل ابیطالب ۳/۳۷۳ _ ۳۷۵، روح البیان ۱۰ / ۲۶۸، ۲۶۹ الدرالمنثور ۶ / ۲۹۹ از طریق ابن مردویه _ الکشاف ۲ / ۵۱۱.

۲- آل عمران / ۹۲.

«من أطعم مؤمناً حتی یشبعه لم یدر احد من خلق اللّه ماله من الاجر فی الاخره، لا ملک مقرّب، ولا نبیّ مرسل الّا اللّه ربّ العالمین»

«هرکس مومنی را اطعام کند تا سیر شود احدی از خلق خدا و یا فرشتگان مقرب الهی، و یا پیامبران مرسل نمی دانند این عمل در آخرت به چه میزان پاداش دارد؛ جز خداوند که پروردگار عالمیان است.» (۱)

۵ ـ قرآن از زبان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیان می کند: ما فقط برای خشنودی خدا به شما اطعام می کنیم و پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم. «انّما نطعمکم لوجه اللّه لا نرید منکم جزاء ولا شکورا»

و این درسی بزرگ به مؤمنان است که تمام اعمال باید لوجه اللّه و برای خشنودی خدا باشد. عملی که برای جلب رضایت مردم انجام شود یا در انجام آن کار توقع تشکر و سپاس از بندگان خدا باشد در پیشگاه خداوند پذیرفته نیست.

۶ ـ اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با آنکه دو شب جز آب چیزی نخورده بودند، اما در شب سوم، در مواجهه با سومین نیازمند، لب به اعتراض نگشودند و با او همچون نیازمند شب اول برخورد کردند و متواضعانه و به دور از هرگونه تکبر و خشم و غضب، غذای خود را که در شب سوم بیشتر بدان نیاز داشتند به اسیر بخشیدند و این عمل نهایت درجه صبر و پایداری یک خانواده را می رساند.

آیات قرآن روی بحث اطعام تکیه و تأکید بسیار نموده است و نشان می دهد که این کار در پیشگاه خدا محبوبیت خاصی دارد.

با نگاهی به دنیای امروز مشاهده می کنیم در حالی که در مناطق مختلف دنیا آن قدر غذای اضافی به زباله دانها می ریزند که حسابی برای آن نیست، طبق اخبار منتشره هر سال میلونها نفر از گرسنگی می میرند. به این ترتیب جایگاه والای تأکید اسلام بر اطعام و عمل الگوهای آن به این عمل و فاصله ی عمیق دنیای امروز از این توصیه اخلاقی اجتماعی اقتصادی روشن می شود.(۲)

نظر مفسران اهل سنت

علمای عامه در شأن نزول سوره انسان تقریباً یک نظر هستند و می توان گفت که اکثریت قریب به اتفاق آنان نزول این آیات را مربوط به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می دانند که ما به اختصار از آنها نام می بریم:

سیوطی در «الدر المنثور» ۶ / ۲۹۹ از طریق ابن مردویه، شیخ اسماعیل حقی بروسوی در تفسیر «روح البیان» ۱۰ / ۲۶۸، زمخشری در کشاف ۲ / ۵۱۱، ابوعبداللّه فخرالدین رازی در «تفسیرالکبیر»۸/۲۷۶، همگی شأن نزول آیات فوق را به ماجرای اطعام اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم منتسب می نمایند.

۱- نمونه ۲۵ / ۳۶۸.

۲- اهل البیت فی کتاب و السنه / ۲۱۴.

مرحوم علامه امینی در کتاب فاطمه زهرا نام بیش از ۳۰ نفر از عالمان بزرگ اهل سنّت را که از قرن سوم هجری تا قرن حاضر روایت فوق را با الفاظ مختلف نقل کرده اند در صفحات ۱۲۷ تا ۱۳۲ بیان می کند و اظهار می دارد که عالمانی دیگر از اهل سنّت نیز روایت مزبور را ذیل آیه مورد بحث نقل کرده اند. ایشان همچنین در صفحه ۱۲۴ کتاب چنین اظهار نظر می کند: هیچکس در این مطلب که سوره «هل اتی» در فضایل اهل بیت ــ و حضرت زهرا علیها السلام یکی از آن ها است ــ هیچگونه اشکالی را عنوان نکرده است.

نقد و بررسی چند دیدگاه

۱ ــ گفته اند این سوره مکی است.

در پاسخ می گوییم: داستان شأن نزول آیه مربوط به بعد از تولد امام حسن و امام حسین علیهما السلام است که قطعاً در مدینه اتفاق افتاده است. از طرف دیگر احادیث متواتری که توسط علمای اهل سنت ثبت و نقل شده است نشان می دهد که این سوره مدنی و در مورد اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است.

۲ ــ گفته اند لفظ آیه، عام است؛ چگونه می توان آن را تخصیص به افراد معنی داد؟

در پاسخ می گوییم: ناگفته پیداست که عام بودن مفهوم آیه منافاتی با نزول آیه در موردی خاص ندارد؛ بسیاری از آیات قرآن مفهوم عام و گسترده ای دارد، ولی شأن نزول که مصداق عینی آن است مورد خاصی می باشد و این عجیب است که عمومیت مفهوم آیه ای را کسی دلیل بر نفی شأن نزول آن بگیرد.

۳ ــ گفته اند عده ای شأن نزولهای دیگری نقل کرده اند که با شأن نزول فوق سازگار نیست؛ از جمله اینکه سیوطی در «الدر المنثور» نقل کرده که مرد سیاه پوستی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و از تسبیح و تهلیل سؤال کرد. عمر گفت: بس است زیاد از رسول خدا سؤال کردی. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: عمر خاموش باش و در این هنگام سوره هل اتی بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد.

در پاسخ می گوییم: با توجه به اینکه چنین روایاتی هیچگونه تناسبی با مضمون آیات سوره هل اتی ندارد، به نظر می رسد فاقد استحکام لازم است و بیشتر برای پایمال کردن شأن نزول سابق و تحت الشعاع قرار دادن فضایل اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جعل شده است.

۴ ــ گفته اند چگونه ممکن است انسان سه روز گرسنه بماند و تنها با آب افطار کند؟

در پاسخ می گوییم: این ایراد عجیبی است، چون افراد متعددی بوده اند که برای بعضی معالجات طبی مجبور شده اند روزها را با خوردن آب بگذرانند و مطلقاً غذا نخورند. به هر حال در علم پزشکی امکان ادامه حیات فقط با خوردن آب به طور موقّت، ثابت شده است.

۵ ــ بعضی دیگر برای اینکه به سادگی از کنار این فضیلت بزرگ آل رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم بگذرند از طریق

دیگری وارد شده اند، مثلا آلوسی می گوید: اگر بگوئیم این سوره درباره علی و فاطمه علیها السلام نازل نشده چیزی از قدر آنها نمی کاهد، زیرا داخل بودن آنها در عنوان «ابرار» مطلب آشکاری است که هرکس می داند. او سپس به بیان بعضی از فضایل آنها پرداخته می گوید: انسان درباره ی این بزرگواران چه می تواند بگوید؟ جز اینکه علی علیه السلام مولای مومنان و وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و فاطمه علیها السلام پاره تن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و جزء وجود محمدی است و حسنین علیهما السلام روح و ریحان

ص:۱۱۹

و آقایان جوانان بهشتند.

در پاسخ می گوئیم: اگر بنا باشد فضیلتی را با این شهرت نادیده بگیریم، بقیه ی فضایل نیز تدریجاً به چنین سرنوشتی دچار می شوند و روزی فرا خواهد رسید که بعضی مغرضان و ناآگاهان اصل فضیلت علی و بانوی اسلام و حسنین علیهما السلام را نیز انکار کنند.(۱)

آیه ی کوثر

اشاره

سوره کوثر(۲)

(انّا عطیناک الکوثر * فصلّ لربّک و انحر * انّ شانئک هو الابتر) (کوثر/ ۳_۱)

(ای رسول ما! ما به تو کوثر (خیر و برکت فراوان) عطا کردیم. پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن (و بدان) دشمن تو قطعاً بریده نسل و بی عقب است.)

شأن نزول

در مورد شأن نزول این سوره، اکثر مفسران اعتقاد دارند که چون فرزندان پسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفتند، دشمنان خوشحال شدند که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دین او نیز نابود خواهد شد و کسی ادامه دهنده راه او نخواهد بود. روایت شده که روزی پیامبر اکرم وارد مسجد شدند و در مسجد عاصی بن وائل و عمرو بن العاص هم بودند. عمرو به

۱- نمونه ۲۵ / ۳۴۳.

۲- برای اطلاع بیشتر ر _ ک به تفاسیر: ۱ _ تفسیر فرات الکوفی (۱ / ۶۰۹) ۲ _ تفسیر القمی (۲ / ۴۴۵) ۳ _ تفسیرالتبیان (۱۰ / ۴۱۷) ۴ _ تفسیر مجمع البیان (۵ / ۵۴۸) ۵ _ تفسیر البرهان (۵ / ۵۱۲)۶ _ تفسیر نورالثقلین (۵ / ۶۸۰) ۷ _ تفسیر کنزالدقائق

(۱۴/ ۴۵۹) ۸ ــ تفسير مقتنياتالدرر (۱۲ / ۲۴۲) ۹ ــ تفسير الميزان (۲۰ / ۵۲۳) ۱۰ ــ تفسير الجديد فى تفسيرالقرآن (۷ / ۴۲۳) ۱۱ ــ تفسـير تقريب القرآن (۳۰ / ۲۵۶) ۱۲ ــ تفسير الفرقان (۳۰ /۴۷۶) ۱۳ ــ تفسير من وحى القرآن (۲۴ / ۵۱۰) ۱۴ ــ تفسير الكاشف (۷ / ۶۱۶) ۱۵ ــتفسير المنير (۸ / ۲۹۴) ۱۶ ــ تفسير من هدى القرآن (۱۸ / ۳۹۰) ۱۷ ــ تفسير بصائر(۳ / ۵۹۵) ۱۸ ــ تفسير گازر (۱۰ / ۴۵۹) ۱۹ ــ تفسـير مـواهب عليه (۴ / ۴۴۵) ۲۰ ــتفسـير منهج الصادقين (۱۰ / ۳۶۲) ۲۱ ــ تفسـير شريف لاهيجى (۴ / ۸۷۳) ۲۲ ــتفسير اثنى عشرى (۱۴/۳۶۲) ۲۳ ــ تفسير انوار درخشان (۱۸ / ۳۰۸) ۲۴ ــ تفسيرجامع (۷ / ۵۰۸) ۲۵ ــ تفسير حجه التفاسير (۱۹ / ۳۱۸) ۲۶ ــ تفسير كشف الحقائق(۳ / ۸۹۶) ۲۷ ــ تفسير خسروى (۱۸ / ۶۱۸) ۲۸ ــ تفسير پرتوى از قرآن (۴ / ۲۷۷)۲۹ ــ تفسير مخزن العرفان (۴ / ۳۰۸) ۳۰ ــ تفسير عاملى (۸ / ۱۱) ۳۱ ــ تفسير نمونه(۲۷/۳۷۱) ۳۲ ــ تفسير احسن الحديث (۱۲ / ۳۷۹) ۳۳ ــ تفسير اطيب البيان (۱۴ /۲۴۲) ۳۴ ــ التفسير الكبير (۳۲ / ۱۲۴) ۳۵ ــ تفسير روح المعانى (۳۰ / ۲۴۴)

کنایه و استهزا گفت: یا ابا الابتر، زیرا مردم زمان جاهلیت رسم داشتند به مردی که فرزند نداشت ابتر یا دم بریده می گفتند.(۱)

خداوند سوره کوثر را برای شادی قلب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل کرد تا به وی بگوید که دشمن تو ابتر است و دین و نسبی ندارد و دین اسلام باقی و برقرار خواهد ماند. این خود یکی از پیشگویی های زیبای قرآن است ؛ چرا که اولا نسل و دین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از طریق فرزندان فاطمه علیها السلام گسترش یافت و ثانیآ فرزندان و خاندان آن دشمن خدا، بعد از چند نسل به کلی منقرض گشتند.

از کوثر چه می دانیم؟

تمامی مفسّران اعم از مفسران شیعه یا سنی، معنای کوثر را «خیر کثیر» می دانند. اما واقعآ منظور از کوثر چیست؟

در روایتی آمده است که وقتی این سوره نازل شد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر فراز منبر رفت و سوره را بر مردم تلاوت فرمود. اصحاب عرض کردند: این چیست که خداوند به تو عطا فرموده است؟ فرمود: نهری است در بهشت، سفیدتر از شیر، صافتر از قدح، در دو طرف آن قبه هایی از درّ و یاقوت است.

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود : کوثر نهری است در بهشت که خداوند آن را به پیامبرش در عوض فرزندش (عبدالله که در حیات او از دنیا رفت) به او عطا فرمود.

بعضی گفته اند: منظور همان حوض کوثر است که تعلق به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارد و مؤمنان به هنگام ورود در بهشت از آن سیراب می شوند.

بعضی آن را به نبوت تفسیر کرده و بعضی دیگر به قرآن و بعضی به کثرت اصحاب و یاران و بعضی به کثرت فرزندان و ذریه که همه آنها از نسل دخترش فاطمه زهرا علیها السلام به وجود آمدند و آنقدر فزونی یافتند که از شماره بیرونند و تا دامنه قیامت یادآور وجود پیامبر اکرمند.(۲)

بعضی نیز آن را به شفاعت تفسیر کرده اند که در هر کدام به عنوان مصداقی از کوثر قابل احتمال است.

با توجه به شأن نزول یاد شده می توان گفت: از آنجا که مشرکان، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به دلیل وفات فرزندان پسرش مورد شماتت قرار داده و ابتر خطاب می کردند، خدای تبارک وتعالی با انتساب نسبت به ابتر به مخالفان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، وی را صاحب کوثر معرفی نمود و به آن حضرت دستور داد تا پس از دریافت این نعمت بزرگ نماز گزارد و شتر قربانی کند.

در بین مفسران اهل سنت فخر رازی پانزده احتمال در مصداق کوثر ذکر کرده است و به عنوان قول سوم می نویسد:

۱- تفسیر القمی ۲ / ۴۴۵.

۲- نمونه / ۲۷ / ۳۷۱.

«مراد از کوثر اولاد و فرزندان رسول خداست به این جهت که این سوره در رد بر کسانی نازل شد که عدم وجود اولاد پسر و تداوم نسل را بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خرده می گرفتند، بنابراین معنی سوره این است که خداوند به او نسلی می دهد که او در طول زمان باقی می ماند.(۱)

کوثر و سلسبیل

شایسته است در اینجا حدیثی را که مرحوم بحرانی در تفسیر خود «البرهان فی تفسیر القرآن» در ارتباط با سوره کوثر آورده است ذکر کنیم. او از عبداللّه بن عباس نقل می کند «از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمودند: خداوند به من و علی پنج چیز عنایت کرد: به من جوامع الکلم و به علی جوامع العلم را عطا کرد. مرا نبی و او را وصی قرار داد. به من کوثر و به او سلسبیل عطا کرد. به من وحی فرمود و به او الهام. من به سوی او به معراج رفتم و درهای آسمان و حجاب ها به رویم گشوده شد تا اینکه علی به من نگریست و من به او نگریستم.

راوی گوید: پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گریه کرد.

گفتم: پدر و مادرم فدایت؛ چه چیز شما را گریاند؟

فرمودند: ای ابن عباس! اولین سخنی که خداوند با من تکلم کرد این بود که ای محمد! پائین را بنگر. من به حجاب ها نگریستم که پاره شدند و آسمان باز شد و علی را دیدم. در همان حال سرش را به طرف من بلند کرد و با من سخن گفت و من نیز با او سخن گفتم.

ابن عباس گوید: پرسیدم یا رسول اللّه! پروردگارت چه چیزی گفت؟ فرمود: به من گفت ای محمد! علی را وصی و وزیر و جانشین بعد از تو، قرار دادم. بدان که او سخن تو را گوش می دهد.

پس خداوند ملائکه را امر کرد تا بر علی درود فرستند و دیدم که ملائکه در حال رفت و آمد هستند؛ هیچ فرشته ای نمی گذشت مگر اینکه اینگونه به من تهنیت می گفت. ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم قسم به خدایی که تو را به حق برانگیخت،با جانشینی پسر عمّت علی،سرور و شادی بر تمام ملائکه وارد شد.

من (پیامبر) حاملین عرش را دیدم که سرهایشان را به سمت زمین پائین آوردند. گفتم: ای جبرئیل! چرا حاملین عرش سرشان را به پایین خم کرده اند؟ گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم تمام ملائکه به صورت علی ابن ابیطالب ۶ می نگریستند به جز حاملین عرش؛ خداوند به آن ها نیز اجازه داده است تا برای ساعتی به چهره علی علیه السلام بنگرند.

ابن عباس گوید: گفتم: یا رسول اللّه! مرا سفارش فرما.

فرمودند: بر تو باد به دوستی علی بن ابیطالب قسم به کسی که مرا به حق مبعوث کرد، از بنده هیچ حسنه ای پذیرفته نمی شود مگر با حب علی بن ابیطالب. خدای تعالی داناتر است که اگر عمل فرد با ولایت علی بود از او می پذیرد و اگر همراه با ولایت نبود از او چیزی سؤال نمی کند و دستور ورود او را به آتش می دهد.(۲)

۱- عترت رسول در کتاب خدا / ۳۷.

۲- البرهان فی تفسیر القرآن ۵ / ۵۱۲.

در خـاتـمـه

باید ابرهای آسمان در ماتم عظمایی که بر دخت پیامبر و همسرش علی وارد آمد به جای باران خون ببارند.

شما را چه شـد که این قـدر زود عهـد و پیمان را شـکستید و راه بیوفائی را در پیش گرفتیـد؟ هنوز خانه پیامبر، بدن مطهر او را دربرگرفته است. این چه بلوایی است که برپا کرده اید؟ سـقیفه دیگر چه صیغه ای است؟ به کجا می روید؟ وصی پیامبر همین جـاست. نور چشـمان پیـامبر در همین خـانه عزادار است. چرا از امـانت پیامبر فاصـله می گیریـد؟ چرا ناله های جگر سوز زهرا علیها السـلام شـما را از مستی غرور و قدرت بیرون نمی آورد؟ چرا ضـجّه های حسن و حسـین شما را به خود نمی آورد؟ شما بدن رسول خدا را رها کرده و به بهانه جلوگیری از فتنه، خود فتنه ساز شده اید؟ چقدر زود از یاد بردید؟

یا رسول اللّه، شما به آنها بگوئید. اینها که ناله های زهرا را نمی شنوند. اینها که دیگر علی را نمی بینند. اینها حسن و حسین تو را زیر دست و پای دنیا دوستی و مقام خواهی خود لگد کوب کرده اند.

یا رسول اللّه، شما به آنها بگوئید:

تنها کسی که در روز انذار به دعوت شما لبیک گفت علی بود.

نخستین مردی که به شما ایمان آورد و یک چشم بر هم زدن به خداوند شرک نورزید، علی بود.

آن شبی که علی را به جای خویش خواباندید و به سـمت مدینه رفتید، جبرائیل در غار به حضور شـما رسـید و عرض کرد: «یا رسول اللّه خداونـد در آسـمانها به واسـطه ی علی بر فرشـتگان مباهات می کند و می گوید: من بنده ای دارم که سـرمایه جان خویش را نثار حبیب من کرده است.»

یا رسول اللّه، شما به آنها بگوئید که:

در روز مبـاهله، فقـط علی و فاطمه و حسن و حسـین را برای دعا به درگاه الهی همراه بردیـد و مسـیحیان نجران با دیـدن چهره های پاک این عزیزان، از مباهله منصـرف شدنـد و بزرگشان گفت: «با اینان مباهله نکنیـد. زیرا من چهره هایی می بینم که اگر از خداوند بخواهند که کوهها را از جای برکنند، چنین خواهد کرد.»(۱)

یا رسول اللّه به آنان بگوئید:

هنگامی که آیه اولوالامر نازل شـد، جابر از شـما پرسـید: یا رسول اللّه، اولوالامر کیاننـد؟ پاسخ دادید: علی و حسن و حسـین و فرزندان حسین. آنگاه دوازده امام را یک یک نام بردید تا حجت را بر آنها تمام کرده باشید.

یـا رسول اللّه، به آنـان بگوئیـد: علی آئینه اکمـال دین است. علی نشانه اتمام نعمت خـدا بر بنـدگان و آیت رضایت پروردگار

است. پس چرا کنارش زدند؟ مگر آنان قرآن نخوانده بودند. مگر در غدیرخم حضور نداشتند؟

۱- و من در حیرتم از آن نورانیتی که مسیحیان نجران با یک نگاه در چهره یاهل بیت تو دیدند، امّا این مدّعیان مسلمانی چگونه آن را ندیدند؟

یـا رسول اللّه، مگر آنان همراه شـما در حجه الوداع نبودنـد؟ مگر خود آنان به علی دست ندادنـد و به او تبریک نگفتنـد؟ مگر سخن شـما را بیاد ندارنـد که فرمودیـد: «حاضـران این پیام را به غائبان برساننـد. خدایا هرکس علی را یاری می کند یاری اش کن و با هرکس دشمن اوست، دشمن باش.»(۱)

یا رسول اللّه، آنان خود شاهـد بودنـد که شـما بعـد از نزول آیه تطهیر، چنـد ماه، هر روز، هنگام نماز، به درِ خانه علی و فاطمه می رفتید و می فرمودید: «الصلوه یا اهل البیت النبوه، خداوند شما را از تمام آلودگیها پاک گردانید.» چرا از یاد بردند که تنها کسانی سزاوار رهبری امت اسلام هستند که خداوند آنان را مطهر و پاکیزه ساخته است.

یا رسول اللّه، به آنان بگوئیـد که اجر رسالت شـما دوستی خانـدان شـماست، پس چه شد آن همه سفارشـها و تأکیدهای شـما درباره اهل بیت؟

یا رسول اللّه، به آنان بگوئیـد خداوند چگونه از اطعام پی در پی اهل بیت شـما به مسـکین و یتیم و اسـیر تمجید کرد و به آنان وعده نعمتهای بهشتی را داد.

یـا رسول اللّه، شـما به آنـان بگوئیـد که کوثری که خداونـد به شـما بخشـید همان فاطمه ای است که آنان دیگر صـدای گریه هایش را نمی شـنوند. بگوئیـد که خدا دین شـما را با فرزندان فاطمه گسترش می دهد. اُف بر این انسان که چقدر فراموشـکار است؛ همین زهرایی که جگرگوشه ی پیامبر بود، در عزای پدرش سـیلی خورد، پهلویش شـکست، بازویش سیاه و فرزند بدنیا نیامده اش هلاک شد.

همین علی که نور چشم پیامبر بود با طناب بر دست و گردن به مسجد برده شد تا به زور از او بیعت بگیرند.

آری وقتی با دسـیسه و نفاق، قرآن از اهل بیت جـدا می شود، وقتی بین دو امانت پیامبر فاصـله می افتـد، بایـد منتظر دیـدن این صحنه ها بود.

خانه نشین شـدن علی و فراموش شـدن پیام غـدیرخم و آیه ولایت و آیه اِنـذار و حـدیث منزلت و حـدیث ثقلین را باید انتظار کشید و دید.

احیای تعصبهای جاهلی و زندگی های اشرافی را باید دید.

آتش زدن بر خانه وحی، سیلی زدن بر سـیمای فاطمه، نواختن تازیانه جهالت بر آن بانوی آسمانی، گریه ی حزین فاطمه را از درد و ظلم را باید دید. باید شهادت زهرا علیها السلام و یتیمی فرزندانش، دفن شبانه و پنهانی او و مخفی بودن مزار او را دید.

باید انتظار داشت نقل حدیث از پیامبر ممنوع گردد تا کسی از منزلت علی و حدیث غدیرخم و ثقلین خبردار نشود.

باید به جای خاندان نور، معاویه ها و یزیدها را بر منبر رسول خدا دید.

باید عایشه را در برابر ولی خدا و علی را در اجبار به قبول حکمیت دید. باید امضاء حکم کفر او را دید و

۱- بر گرفته از خطبه ی غدیر.

صدور حکم قتلش را شاهد بود. باید فرقش در هنگام نماز بشکافد و صورتش به خون سرش رنگین شود. و بهتان نماز نخواندن او را شنید. باید قبر او تا صد سال مخفی بماند و همچون همسر مظلومش مراسم تدفینش شبانه و مخفیانه برگزار شود.

باید این همه را دید و در سکوت، تنها خون جگر خورد.

باید حسن را سرداری تنها دید که پایش با شمشیر می شکافد؛ جگرش پاره پاره و جنازه اش تیرباران می شود تا از دفن پیکر مطهّر او کنار پیامبر ممانعت شود.

باید حسین، زینتِ دوشِ پیامبر را در صحرای کربلا با لب عطشان دید؛ چرا که سپاه نفاق او را خارجی و طغیانگر نامیده اند. باید پرپر شدن فرزندان و برادرانش را در برابر چشمانش دید. باید اسارت خانواده وحی را دید. باید تازیانه خوردن دخترانش را دید، تنها به این دلیل که اولاد فاطمه و علی اند.

باید شهادت مظلومانه حسین را و چوب زدن بر لب و دندان او را _ که بوسه گاه پیامبر بود _ مشاهده کرد.

باید شهادت حجربن عدی و میثم تمّار و عمار و مالک اشتر و تبعید ابوذر را به ربذه دید. باید غارت بیت المال مسلمین را دید.

باید دید که چگونه ولید در حالت مستی در نماز جماعت حاضر می شود و نماز جمعه در چهارشنبه و نماز صبح را چهار رکعت می خواند.

باید رسم پلیدانه ی ناسزاگویی فاسقان پلید به امیرمؤمنان علیه السلام در قنوت نماز و تربیت کودکان بر پایه ی بغض علی و خاندان پیامبر را دید.

باید ملاحظه کرد که چگونه تمام دین فروشان به کاخ خضراء معاویه دعوت می شوند تا اسرائیلیات وارد دین گردد و احادیث جعلی به نفع معاویه و بر ضد خاندان وحی ساخته شود.

باید دید که چگونه یزید شرابخوارِ میمون باز، مستانه فریاد برمی آورد: «لا خبر جاء ولا وحی نزل : نه پیامی آمد و نه وحیی نازل شد.» بایددید که اولاد زهرا و علی را در سیاهچالهای بنی امیه تازیانه زدند و بدن آنها را در میان دیوارها گذاشتند و از کشته ها پشته ساختند. باید دید که شیعه علی بودن را جرم بدانند و شیعه همچون مولایش مظلوم باشد.

باید دید که بنی عباس، چگونه بنی امیه را کنار می زند و به اسم خویشاوندی با پیامبر، چهره جدیدی از ظلم به آل علی را نشان می دهد.

بایدآوارگی امام موسی بن جعفر علیه السلام در زندانها و شهادت امام رضا علیه السلام را در غربت و مسمومیت و شهادت جواد علیه السلام و هادی علیه السلام و حسن علیه السلام را در عنفوان جوانی دید.

باید دید که به واسطه ی این جنایت ها، مهدی فاطمه مخفیانه به دنیا بیاید و مخفیانه رشد کند تا دشمنان از وجود او مطلع نشوند و شیعه از درک محضرش محروم بماند تا وعده ی الهی بر تشکیل حکومت صالحان پابرجا باشد.

آری در اثر دسیسه ی سقیفه و نادیده گرفتن پیوند قرآن و عترت، آن شرارت ها بر خاندان پاکان و یاران و

ص:۱۲۵

دوستداران آنها و دین الهی وارد شد که امواج آن تا به امروز همچنان در تلاطم است.

اگر فرقه وهابیت به اسم اسلام، تمام آثار تاریخی اسلام را در سرزمین وحی نابود می کند.

اگر بقیع به خرابه ای تبدیل می شود و بر سر مزار فرزندان زهرا در بقیع حتی یک شمع هم نمی سوزد.

اگر بوسه زنندگان به قبر پیامبر و فرزندانش را تازیانه می زنند و بقیع را منطقه ممنوعه می دانند.

اگر شیعیان اهل بیت از دور بر غربت فرزندان زهرا در بقیع خون گریه می کنند.

اگر تلاش پنهان و آشکار در جریان است تا در خانه خدا نام و آثار علی وجود نداشته باشد. همه و همه از آثار سقیفه است. امّا باید اشک ریخت و سکوت کرد. چرا که امام امیرالمؤمنین علیه السلام نیز سکوت کرد.

سکوت کرد تا صدای اذان از ماذنه مساجد قطع نشود، پیام اشهد ان محمدآ رسول اللّه از خاطره ها محو نگردد، و نهال اسلام ــ که پیامبر با خون دل خویش آبیاری کرده بود ــ در ریشه نخشکد.

باید دعا کرد و از خدا خواست تا با ظهور فرزند زهرا، مهدی موعود (عج)، به مظلومیت پیروان راستین آل علی پایان دهد. بیاید و انتقام دلِ سوخته ی زهرا را از دشمن بگیرد. بیاید تا انتقام تازیانه های دشمن بر فرزندان پیامبر و امیرالمؤمنین را در کربلا بگیرد. بیاید تا دوباره قلب پیامبر شاد شود و تا شیعیان علی و بشریت به آرامش برسند.

ان شاء اللّه

منابع و مآخذ

ص:۱۲۶

۱ ــ قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، خط عثمان طه.

۲ ــ آصفی، محمد مهدی، پژوهشی در آیه تطهیر، ترجمه افتخارزاده، ۱۳۷۳ ش، دفتر نشر معارف اسلامی، قم.

۳ ــ آلوسی بغدادی، روح المعانی، فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ۱۴۰۵ ه ، اداره الطباعه المنیریه، بیروت، الطبعه الرابعه.

۴ ــ ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، تصحیح محمد یوسف الدقاق، ۱۴۰۷ ه ، دارالکتب العلمیه ــ بیروت.

۵ ــ ابن مغازلی، علی بن محمد جلالی شافعی، مناقب علی بن ابیطالب، ۱۴۰۳ ه ق، انتشارات اسلامی، تهران.

۶ ــ ابن کثیر القرشی الدمشقی، عمادالدین ابن الفداء اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۰ ه ق، دار مکتبه الهلال، بیروت.

۷ ــ ارفع، سید کاظم، سیره ی عملی اهل بیت، ۱۳۷۹ ش، انتشارات فیض کاشانی، چاپ اول، تهران.

۸ ــ اردکانی، سید احمد، شرح فضائل صلوات.

۹ــ اشراقی، شهاب الدین و لنکرانی، محمد فاضل، اهل البیت یا چهره های درخشان درآیه تطهیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، تهران.

۱۰ ــ امینی، ابراهیم، بررسی مسائل کلی امامت، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ــ تهران.

۱۱ ــ امینی، شیخ عبدالحسین احمد، الغدیر، انتشارات دارالکتب العربی.

۱۲ ــ امینی، شیخ عبدالحسین احمد، فاطمه زهرا علیها السلام ، ترجمه ی محمّد امینی نجفی، انتشارات استقلال چاپ اوّل ۱۳۷۶.

۱۳ــ ابن هشام، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، انتشارات دارالحیاء التراث العربی ــ بیروت.

۱۴ ــ الیاس، انطون الیاس، ترجمه القاموس العصر (فرهنگ نوین)، مترجم سید مصطفی طباطبائی، ۱۳۷۳ ش، چاپ اسلامیه، چاپ نهم، تهران.

۱۵ ــ بروجردی، سید ابراهیم، تفسیر جامع، ۱۳۴۱ ش، انتشارات صدر، چاپ سوم، تهران.

۱۶ ــ بحرانی سید هاشم، سیمای علی علیه السلام به روایت اهل سنت، تحقیق نجم الدین شریف عسکری، ترجمه محمد امینی، ۱۳۶۴ ش مؤسسه انتشارات قدر، تهران.

۱۷ ــ بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۵ ق، بنیاد بعثت، چاپ اول، تهران.

۱۸ ــ تستری، قاضی نورالله، احقاق الحق، تعلیق سید شهاب الدین حسینی مرعشی، و اهتمام سید محمود مرعشی، ۱۰۱۹ هند.

۱۹ ــ جبران، مسعود، فرهنگ رائد الطلاب، مترجم عبدالستار قمری، ۱۳۷۹ ش، مؤسسه انتشارات یادواره کتاب، چاپ اول، تهران.

۲۰ ــ جرجانی،ابوالمحاسن حسین بن حسن،تفسیر گازر، ۱۳۷۸ ق، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول.

۲۱ ــ جوادی آملی، وحی و رهبری، ۱۳۶۹ ش، انتشارات الزهرا، چاپ دوم، تهران.

۲۲ ــ جوهرچی، محمود، علی علیه السلام در قرآن و سنّت، نشر رایحه، چاپ اوّل ۱۳۷۶، تهران.

۲۳ــ حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل، تحقیق محمد باقر محمودی، ۱۴۱۱ ه ق، موسسه طبع و نشر وزارت ارشاد اسلامی، تهران.

۲۴ ــ حاکم نیشابور، محمدبن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العربی، بیروت.

۲۵ ــ حسینی بلخی قندوزی، شیخ سلیمان، ینابیع الموده، (۱۲۲۰ ــ ۱۲۹۳ ه ق) دارالسطلنه العلمیه العثمانیه (چاپ ترکیه)

۲۶ ــ حجتی، محمد باقر پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ۱۳۷۵ ش، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، تهران.

۲۷ ــ حجتی، سید محمد باقر، اسباب نزول، ۱۳۶۹ ه ش، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.

۲۸ ــ حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنی عشری، ۱۳۶۴ــ ۱۳۶۳ ش، انتشارات میقات، چاپ اول، تهران.

۲۹ ــ حسینی فیروزآبادی، سید مرتضی، فضائل الخمسه من الصحاح السته، ۱۴۰۲ ه ق، چاپ چهارم منشورات، مؤسسه

الاعلمی للمطبوعات، بیروت لبنان

۳۰ ــ حقی بروسوی، شیخ اسماعیل، روح البیان، ۱۴۰۵ ق، داراحیاء التراث العربی، چاپ هفتم، بیروت.

۳۱ ــ خمینی، سید مصطفی، تفسیر القرآن الکریم، ۱۳۶۲ ش، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

۳۲ ــ داورپناه،ابوالفضل،انوارالعرفان، فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۵ ش، انتشارات صدر، چاپ اول، تهران.

۳۳ ــ دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین، ۱۳۶۲ ش، ایمان، نشر هجرت مشهد، چاپ دوم.

۳۴ ــ رازی، ابوالفتوح، حسین بن علی محمد بن احمد الخزاعی النیشابوری، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴ ــ ۱۳۶۶ ش، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.

۳۵ ــ رازی، فخرالدین ابن العلامه ضیاءالدین عمر، تفسیر مفاتیح الغیب، مؤسسه دارالکتب العلمیه چاپ دوم

۳۶ ــ رازی، محمد فخرالدین ابن العلامه ضیاء الدین عمر، التفسیر الکبیر و مفاتیح الغیب، ۱۴۰۵ ه ، چاپ سوم، بیروت دارالفکر.

۳۷ ــ راغب اصفهانی، المفردات فی الفاظ القرآن، مکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه.

۳۸ ــ رامیار، محمود تاریخ قرآن، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم

۳۹ ــ ری شهری،محمد اهل البیت فی الکتاب والسنه،۱۳۷۵ ش، ناشر دارالحدیث، قم

۴۰ ــ زمخشری خوارزمی، ابی القاسم جارالله، محمودبن عمر الکشاف عن، حقائق غوامض التنزیل و عیون الاتأویل، دارالکتب العربی ــ بیروت.

۴۱ ــ سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، ترجمه الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، ۱۳۷۶ ش، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.

۴۲ ــ سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ۱۴۰۸ ه چاپ اول بیروت، دارالکتب العلمیه.

۴۳ ــ سماوی، شیخ مهدی، امامت در پرتو کتاب و سنت، ترجمه حمیدرضا آژیر و حسین صابری، ۱۳۷۸ ش، مؤسسه چاپ آستان قدس رضوی، چاپ دوم، مشهد.

۴۴ ــ سیوری، جمال الدین مقداد بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، به تصحیح محمد باقر بهبودی، ۱۳۴۳ ه ش، المکتبه المرتضویه، تهران.

۴۵ ــ شاهین، داریوش، ترجمه و نگارش نهج البلاغه، ۱۳۶۱ ش، سازمان انتشارات جاویدان ــ چاپ دهم، تهران.

۴۶ ــ شبر، سید عبداللّه تفسیر القرآن الکریم، ۱۴۱۲ ق، دارالبلاغه اللطباعه و النشر و التوزیع، چاپ اول، بیروت.

۴۷ ــ شعبه الحرانی، ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین، تحف العقول،ترجمه بهزاد جعفری ــ تصحیح استاد علی اکبر غفاری، ۱۳۷۷ ه‍ ش، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نشر صدوق، تهران.

۴۸ ــ شیرازی، سلطان الواعظین، شبهای پیشاور، ۱۳۶۸ ش، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۳۳، تهران .

۴۹ ــ شرف الدّین موسوی، سید عبدالحسین، الکلمه الغراء فی تفضیل الزهراء، ترجمه محسن بیدادفر، انتشارات الزهرا، تهران، تاریخ انتشار ۱۳۶۲.

۵۰ــ صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، ۱۴۰۶ ق، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.

۵۱ ــ صدرالدین شیرازی، صدر المتألهین محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، ۱۳۶۶ ش، انتشارات بیدار، چاپ دوم، قم.

۵۲ ــ صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، من لا ـ یحضره الفقیه، ترجمه و تصحیح علی اکبر غفاری، ۱۴۱۴ ق، مؤسسه نشر الاسلامی جامعه مدرسین قم.

۵۳ ــ صدوق (شیخ)، حسین بن بابویه قمی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه ابراهیم محدث بندریگی، ۱۳۷۸ ش، انتشارات اخلاق، چاپ دوم، قم.

۵۴ ــ صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، عیون اخبارالرضا،ترجمه حمیدرضا مستفید وعلی اکبرغفاری، ۱۳۷۲ ش، نشر صدوق ــ چاپ اول ــ تهران.

۵۵ ــ صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، معانی الاخبار، انتشارات جامعه المدرسین، قم.

ص:۱۲۸

۵۶ ــ طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، ۱۳۶۶ ــ ۱۳۵۸ ش، شرکت سهامی انتشار، تهران.

۵۷ ــ طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان، مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی، ۱۳۶۳ ش، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه ی مدرسین حوزی علمیه قم.

۵۸ ــ طبرسی، امین الدین ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مترجم احمد بهشتی و دیگران، ۱۳۷۹ ق، داراحیاء التراث العربی، بیروت.

۵۹ ــ طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، اعلام الواری، ۱۴۱۷ ق، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، قم، چاپ اول.

۶۰ ــ طبرسی، ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ۱۴۰۳ ق، نشر مرتضی، مشهد.

۶۱ ــ طبری، ابی جعفر بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ۱۴۰۸ ق، دارالفکر، بیروت.

۶۲ ــ طبری، ابی جعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، المطبعه : الاستقامه بالقاهره.

۶۳ ــ طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن بن علی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹ ق، مکتبه الاعلام الاسلامی، چاپ اول، قم.

۶۴ ــ طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، امالی، ۱۴۱۴ ه ق، تحقیق قم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه قم دارالثقافه.

۶۵ ــ طیب، سید عبدالحسین، الطیب البیان، فی تفسیر القرآن، ۱۳۶۶ ش، انتشارات اسلام، تهران، چاپ سوم.

۶۶ ــ عروسی حویزی، شیخ عبد علی بن جمعه، نورالثقلین، مطبعه العلمیه، چاپ دوم، قم.

۶۷ ــ عیاشی، ابوالنصر محمد بن مسعود بن عیاشی السلمی، التفسیر، مکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران.

۶۸ ــ فیض کاشانی، مولی محسن، الصافی فی تفسیر کلام الله، دارالمرتضی للنشر، چاپ اول، مشهد.

۶۹ ــ قرائتی، محسن، تفسیر نور، ۱۳۷۹ ش، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، چاپ چهارم، قم.

۷۰ ــ قرشی، سید علی اکبر تفسیر احسن الحدیث، ۱۳۶۶ ش، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، چاپ اول، تهران.

۷۱ ــ قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ۱۳۷۵، ه ش، ناشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، تهران.

۷۲ ــ قرشی، سید علی اکبر، خاندان وحی، ۱۳۷۱ ش، دارالکتب الاسلامیه، تهران.

۷۳ ــ قرطبی، عبدالله محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ۱۴۰۸ ق، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، دارالفکر بیروت.

۷۴ ــ قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم، تفسیر القمی، مؤسسه دارالکتاب للطباعه و النشر، چاپ سوم، قم.

۷۵ ــ قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، کنزالدقائق و بحر الغرائب، ۱۳۶۶ ق، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران.

۷۶ ــ کاشانی، فتح الله، ترجمه و شرح فارسی نهج البلاغه، تصحیح دکتر منصور پهلوان، ۱۳۶۴ ش، انتشارات میقات، چاپ اول، تهران.

۷۷ ــ کاشانی، ملافتح الله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ۱۳۴۴، کتابفروشی اسلامیه، چاپ سوم، تهران.

۷۸ ــ کوفی، ابوعبداللّه حسین بن حکم، تفسیر الحبری، ۱۴۰۸ ق، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث چاپ اول، بیروت

۷۹ ــ کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات، تفسیر فرات الکوفی، ۱۴۱۰ ق، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران.

۸۰ ــ کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، ۱۳۸۷ ق، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، تهران.

۸۱ ــ کلینی، ابوجفعر محمدبن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ۱۳۶۲ ه ق، انتشارات دارالکتب اسلامی، تهران.

۸۲ ــ کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، ۱۳۶۲ ش، دارالکتب اسلامیه، تهران، چاپ دوم.

۸۳ ــ لاهیجی، بهاءالدین محمد شیخعلی الشریف، تفسیر شریف لاهیجی، ۱۳۶۳ ش، مؤسسه مطبوعاتی علمی، نشر تهران.

۸۴ ــ متقی هندی، علاءالدین علی، کنزالعمال، ۱۴۰۵ ه ق، چاپ پنجم، مؤسسه الرساله.

۸۵ ــ مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ۱۳۹۰ ه ق، دارالکتب الاسلامیه، تهران.

۸۶ ــ محقق، محمد باقر نمونه بینات، در شأن نزول آیات، فروردین ۱۳۶۴ ش، انتشارات اسلامی، تهران.

۸۷ ــ مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، ۱۳۷۴ ش، انتشارات سروش چاپ اول، تهران.

۸۸ _ معارف، مجید، تاریخ عمومی حدیث، ۱۳۷۷ ه‍ ش، انتشارات کویر، تهران.

۸۹ _ معارف، مجید،پژوهشی درتاریخ حدیث شیعه، ۱۳۷۶ ش، نشر ضریح.

۹۰ _ معارف، مجید، عترت رسول در کتاب خدا، ۱۳۷۸ ش، مؤسسه فرهنگی نبأ، چاپ اول، تهران.

۹۱ _ معارف، مجید، غدیر در آیینه ی قرآن و روایات، ۱۳۷۸، مؤسسه فرهنگی نبأ، چاپ اول، تهران.

۹۲ _ معین، محمد، فرهنگ فارسی، ۱۳۷۵ ش، چاپخانه ی سپهر، چاپ نهم، تهران.

۹۳ _ مغنیه، محمد جواد، امامت علی در آینه عقل و قرآن، مترجم اکبر ایرانی قمی، ۱۳۷۹ ش، ناشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران.

۹۴ _ مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکشاف، دارالعلم للملايين، چاپ سوم، بیروت.

۹۵ _ مفید، ابوعبدالله محمد بن نعمان، الارشاد، تحقیق: مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۳ ه‍ ق، قم

۹۶ _ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۱۳۶۶ _ ۱۳۵۳ ش، دارالکتب الاسلامیه، تهران.

۹۷ _ مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، ۱۳۷۳ ش، مدرسه الامام امیرالمؤمنین، چاپ اول، قم.

۹۸ _ میبدی، ابوالفضل رشید الدین، کشف السرار و عده الابرار، به اهتمام علی اصغر حکمت، ۱۳۵۷ ش، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.

۹۹ _ نجفی، محمد جواد، تفسیر آسان، ۱۳۶۴ _ ۱۳۶۲ ش، کتابفروشی اسلامیه، چاپ اول، تهران.

۱۰۰ _ نیشابوری، مسلم بن حجاج قشیری، ابوالحسین (ت ۲۶۱ ه‍) صحیح مسلم، تحقیق محمد فواد عبدالباقی، ۱۳۹۸ ه‍ ق، انتشارات دارالفکر بیروت.

۱۰۱ _ نیشابوری واحدی، ابی الحسین علی بن احمد، اسباب النزول، (۴۶۸ ه‍ ق) المطبعه مصطفی البانی الحلبی و اولاده بمصر، الطبعه الاولی.

۱۰۲_ هاشمی، احمد، جواهر البلاغه، ۱۳۷۵ ش، مرکز نشر مکتب اعلام اسلامی، قم.

۱۰۳ _ یثربی، یحیی، عرفان نظری، ۱۳۷۳ ش، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹